



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

احکامِ عُمَرِه مفرده

با تجدید نظر و اضافات



فتیٰ عالیٰ مرتبت حضرت مرجع عالیستادہ

حضرت آیت اللہ العظمیٰ

آقای حاج شیخ محمد فاضل لنگرانی مدظلہ العالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام عمره مفرده

نویسنده:

محمد فاضل لنکرانی

ناشر چاپی:

امیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	احکام عمره مفرده (آیت الله فاضل لنکرانی)
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۵	آیات و روایات درباره فضیلت عمره
۱۷	عمره‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از هجرت:
۱۹	فصل اول:
۱۹	«اقسام عُمره مفرده»
۲۱	«مسائل متفرقه عمره مفرده»
۲۲	«صورت عمره مفرده»
۲۴	فصل دوم:
۲۴	«میقات در عمره مفرده»
۲۴	«محل احرام عمره مفرده»
۲۶	«مسائل متفرقه میقات»
۳۰	فصل سوم:
۳۰	«در واجبات احرام و آنچه متعلق به آنها است»
۳۸	«مسائل متفرقه احرام»
۴۰	«مستحبات احرام»
۴۲	«مکروهات احرام»
۴۳	فصل چهارم:
۴۳	«در آنچه بر مُحرم حرام می‌شود»
۶۸	«مسائل متفرقه محرمات احرام»
۷۶	«مستحبات دخول حرم»

- ۷۶ «مستحبات دخول مکه معظمه»
- ۷۷ «آداب دخول مسجدالحرام»
- ۸۱ «مستحبات دیگر مکه معظمه»
- ۸۴ فصل پنجم:
- ۸۴ «در طواف واجب و بعضی از احکام آن»
- ۸۵ «در واجبات طواف»
- ۱۰۶ «مسائل متفرقه طواف»
- ۱۳۷ «آداب و مستحبات طواف»
- ۱۴۱ فصل ششم:
- ۱۴۱ «در نماز طواف است»
- ۱۴۴ «مسائل متفرقه نماز طواف»
- ۱۵۲ «مستحبات نماز طواف»
- ۱۵۴ فصل هفتم:
- ۱۵۴ «در سعی و بعض احکام آن»
- ۱۵۹ «مسائل متفرقه سعی»
- ۱۶۷ «مستحبات سعی»
- ۱۷۳ فصل هشتم:
- ۱۷۳ «در تقصیر یا سر تراشیدن»
- ۱۷۵ «مسائل متفرقه تقصیر یا سر تراشیدن»
- ۱۷۹ فصل نهم:
- ۱۷۹ «در طواف نساء»
- ۱۸۴ «طواف وداع»
- ۱۸۶ فصل دهم:
- ۱۸۶ «مسائل زنان در احرام عمره مفرده»

۲۰۱	فصل یازدهم:
۲۰۱	«مسائل متفرقه»
۲۱۲	فصل دوازدهم:
۲۱۲	«حکم مصدود و محصور»
۲۱۵	«مسائل متفرقه مصدود و محصور»
۲۱۷	فصل سیزدهم:
۲۱۷	«احرام اطفال و کودکان»
۲۱۹	تذکر و یادآوری:
۲۲۰	اماکن مقدسه مکه معظمه و حوالی آن
۲۲۳	مدینه منوره
۲۲۳	اشاره
۲۲۴	مدینه منوره
۲۲۶	مسجدالتبی
۲۲۶	اشاره
۲۲۶	صَفَّه
۲۲۸	قبر شریف پیامبر
۲۲۸	اشاره
۲۲۸	آداب زیارت
۲۳۰	اذن دخول حرم شریف
۲۳۲	کیفیت زیارت حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم
۲۳۵	وداع حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم
۲۳۷	زیارت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام
۲۴۲	قبرستان بقیع
۲۴۴	زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

- ۲۴۶ زیارت دوّم:
- ۲۵۲ زیارت وداع ائمه بقیع علیهم السلام
- ۲۵۴ زیارت ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم
- ۲۵۶ زیارت جناب فاطمه بنت اسد
- ۲۵۸ کوه اُحد
- ۲۵۸ جناب حمزه و عبدالله بن جَحش و مَضْعَب بن عَمیر، هر سه در کنار هم و در پایین کوه مدفون هستند و بقیه شهدا نیز در آن نزدیکی‌ها دفن شده‌اند.
- ۲۶۱ زیارت قبور شهدای اُحد
- ۲۶۲ اماکن مقدّسه مدینه منوره و حوالی آن
- ۲۶۵ درباره مرکز

احکام عمره مفرده (آیت الله فاضل لنکرانی)

مشخصات کتاب

سرشناسه: فاضل موحدی لنکرانی، محمد، ۱۳۱۰ - ۱۳۸۶.

عنوان و نام پدید آور: احکام عمره مفرده مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت محمد فاضل لنکرانی/[تنظیم] دفتر آیت الله حضرت فاضل لنکرانی، بخش استفتاآت.

وضعیت ویراست: [ویراست ۴۲].

مشخصات نشر: قم: مطبوعاتی امیر [مرکز پخش]، ۱۳۷۷.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ص؛ ۱۰×۱۴ س.م.

شابک: ۲۰۰۰ ریال

یادداشت: فارسی - عربی.

یادداشت: چاپ ششم: پائیز ۱۳۷۷.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: حج عمره.

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه.

موضوع: فتوای شیعه -- قرن ۱۴.

شناسه افزوده: دفتر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی. بخش استفتاآت.

رده بندی کنگره: BP۱۸۸/۹۲/ف۲الف ۳ ۱۳۷۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۵۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۹۵۹۴

ص: ۱

اشاره

آیات و روایات درباره فضیلت عمره»

قوله تعالی: «وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» بقره: ۱۹۶

همه اعمال و مناسک حج و عمره را برای خداوند بجا آورید و پایان برسانید.

«تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ خُبْثَ الْحَدِيدِ.» کافی: ج ۴، ص ۲۵۵

: پی در پی حج و عمره بجا آورید زیرا انجام مناسک حج و عمره فقر و بیچارگی را از شما دور می‌کند و گناهان را از بین می‌برد همانگونه که حرارت آتش چرک و آلودگی و پوسیدگی آهن را می‌زداید و از بین می‌برد.

رسول الله صلی الله علیه و آله:

«الْحَجُّ نَوَابِهُ الْجَنَّةُ وَالْعُمْرَةُ كَفَّارَةٌ كُلُّ ذَنْبٍ»

الفقیه - الوسائل - الوافی

پیامبر بزرگوار اسلام فرمود: ثواب حج بهشت است و انجام مناسک عمره سبب از بین رفتن گناهان و کفاره آنهاست.

ص: ۸

الامام الصادق علیه السلام:

«الْحِجَّاجُ وَالْمُعْتَمِرُ وَفَدَّ اللَّهُ أَنْ سَأَلُوهُ اعْطَاهُمْ وَأَنْ دَعَوْهُ اجَابَهُمْ وَأَنْ سَكَتُوا ابْتَدَأَهُمْ وَيَعْوِضُونَ بِالذَّرْهِمِ أَلْفَ دِرْهَمٍ.» کافی: ج

ص ۴، ۲۵۵ وافی کتاب الحج

امام صادق علیه السلام فرمود:

حجّاج و کسانی که عمره انجام می دهند میهمانان خدا هستند. اگر چیزی از خداوند درخواست کنند به آنان عنایت فرماید و اگر دعایی بکنند دعایشان را مقرون به اجابت نماید (محبت خداوند نسبت به میهمانانش بحدی است که) اگر میهمانان سکوت اختیار کنند سؤال نکنند و از درگاه خداوند هم چیزی مطالبه ننمایند پروردگار عالم خود ابتدا فرماید و میهمانان خود را مورد الطاف خاصه اش قرار خواهد داد. (از جمله عنایات خداوند نسبت به میهمانانش آنکه) برای هر درهمی که در راه خدا مصرف کنند یک میلیون درهم عوض مرحمت فرماید.

الامام الصادق علیه السلام:

«الْحِجُّ وَالْعُمْرَةُ سُوقَانِ مِنَ اسْوَاقِ الْآخِرَةِ اللَّازِمُ لَهُمَا فِي ضِمَانِ اللَّهِ أَنْ أَبْقَاهُ إِذَا هُوَ إِلَى عِيَالِهِ وَأَنْ أَمَاتَهُ إِذْ خَلَهُ الْجَنَّةَ.»

کافی: ج ۴، ص ۲۵۵

امام صادق علیه السلام فرمود:

حجّ و عمره دو سوق از سوقهای آخرت می باشند (یعنی حجّ و

ص: ۹

عمره بمنزله دو بازار و دو تجارتخانه بزرگی است که دارای انواع کالاهای کوچک و بزرگ است که خریداران به تناسب قدرت خرید و میزان مال و سرمایه خویش می‌توانند کالای مورد علاقه خود را خریداری کنند، حجاج و معتمرین، علاقمدان و عاشقان به انجام مناسک حج و عمره نیز می‌توانند به تناسب میزان سطح فکری و فرهنگی و در حد بینش و تقوی خویش از زیباترین کالاهای معنوی موجود در بازار حج و عمره در راه کسب کمالات معنوی و انسانی خود بهره‌برداری کنند).

علاقمدانی که پی در پی در فکر سفر حج و عمره هستند تا زمانیکه سرگرم انجام مناسک حج یا عمره می‌باشند در ضمان و پناه خداوند قرار دارند (یعنی بیمه در گاه خدا هستند) اگر چنانچه مرگ حتمی آنان نرسیده باشد خداوند آنها را از هر نوع خطری محافظت نموده به سلامت به خانواده‌هایشان باز می‌گرداند ولی اگر مرگ کسی در مسیر حج و عمره مقرر شده باشد و در حرم الهی و به هنگام انجام مناسک حج یا عمره جان دهد و در بین راه بمیرد، خداوند بهشت را نصیبش نموده او را داخل بهشت خواهد کرد.

عمره‌های پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از هجرت:

الامام الصادق علیه السلام:

«اعْتَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَلَاثَ عُمَرَ مُتَّفِرِّقَاتٍ: عُمْرَةَ ذِي

ص: ۱۰

الْفَعِيدَةُ أَهْلٌ مِنْ عُسَيْفَانَ وَ هِيَ عُمْرَةُ الْحُدَيْبِيَّةِ، وَعُمْرَةُ أَهْلِ مَنْ الْجُحْفَةَ وَ هِيَ عُمْرَةُ الْقَضَاءِ، وَعُمْرَةُ مِنَ الْجِعْرَانَةِ بَعْدَ مَا رَجَعَ مِنَ الطَّائِفِ مِنْ غَزْوَةِ حُنَيْنٍ.»

رسول خدا بعد از هجرت به مدینه سه بار عمره مفرده بجا آوردند، یکی از آنها عمره مفرده‌ای بود که از عُسْفَانَ مُحْرَم شدند و بعنوان عمره حدیبیه معروف گردید، بار دیگر از جُحْفَه مُحْرَم شدند که بنام عمره‌الْقَضَاء خوانده شده است، و بار سَوَم از جِعْرَانَه مُحْرَم شدند به احرام عمره مفرده و آن وقتی بود که از غزوه حنین مراجعت می‌کردند. وسائل الشیعه - احکام عمره در بیان دیگری از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام چنین آمده است:

الامام ابو الحسن الرضا علیه السلام:

«الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ مَا بَيْنَهُمَا.» الوافی

امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: انجام مناسک عمره و عمره بعد از عمره دیگر کفاره گناهان بین دو عمره می‌شود.

فصل اول:**«اقسام عمره مفرده»**

عمره مفرده هم مانند حج دو قسم است: واجب و مستحب. و بر کسی که شرایط استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می‌شود و وجوب آن مانند حج فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست، بلکه اگر برای عمره مفرده مستطیع باشد واجب می‌شود، هر چند برای حج مستطیع نباشد؛ همچنانکه عکس این هم همینطور است که اگر شخص برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مفرده مستطیع نباشد باید حج بجا آورد لکن باید معلوم باشد که برای کسانی که از مکه دور هستند و فاصله منزلشان تا مکه شانزده فرسخ و بیشتر از آن است مثل ایرانیان که وظیفه آنها حج تمتع است هیچگاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج، جدا نیست چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است. بخلاف کسانی که در مکه یا قریب به آن هستند که وظیفه آنها حج و عمره مفرده است که نسبت به آنها استطاعت برای یکی از دو عمل تصور می‌شود.

ص: ۱۲

مسأله ۱- واجب است بر کسی که می‌خواهد داخل مکه شود با احرام وارد شود و برای احرام باید نیت عمره یا حج داشته باشد و اگر وقت حج نیست و می‌خواهد وارد مکه شود، واجب است عمره مفرده انجام دهد و از این حکم کسانی که مقتضای شغلشان این است که زیاد وارد مکه می‌شوند و از آن خارج می‌شوند استثناء شده است.

مسأله ۲- تکرار عمره مفرده مانند تکرار حجّ مستحب است، لکن باید هر عمره مفرده در یکی از ماههای سال واقع شود «ملاک عنوان ماه است» اگر چه به مقدار سی روز هم بین آنها فاصله نشده باشد. مثلاً می‌تواند در روز آخر ماه رجب یک عمره مفرده و در روز اول ماه شعبان نیز یک عمره مفرده دیگر انجام دهد.

مسأله ۳- در تکرار عمره مفرده اگر به نیابت از دیگری باشد رعایت فاصله لازم نیست، ولی اگر دو عمره مفرده غیر نیابتی باشد (یعنی برای خودش انجام دهد) یا منوب عنه در هر دو واحد باشد باید عنوان ماه فاصله شود.

س ۱- اگر بین دو عمره مفرده کمتر از یک ماه فاصله باشد چنانچه عمره مفرده دوم نیابت باشد آیا نایب می‌تواند برای آن اجرت بگیرد یا خیر؟ و چنانچه بر منوب عنه انجام عمره مفرده واجب باشد کفایت می‌کند یا خیر؟

ج- در فرض مزبور اجرت گرفتن اشکال ندارد، و کفایت از منوب عنه می‌کند.

«مسائل متفرقه عمره مفرده»

مسأله ۴- عمره مفرده را در تمام روزهای سال می‌شود بجا آورد. و مشروط به وقت معین نیست و بجا آوردن آن برای همه کس جایز است و افضل اوقات آن ماه رجب است.

مسأله ۵- اشخاصی که از مکه شانزده فرسنگ شرعی دور می‌باشند اگر استطاعت برای عمره مفرده داشته باشند و برای حج نداشته باشند عمره مفرده بر آنها واجب نیست مثل اشخاصی که به نیابت، حج تمتع می‌کنند، گرچه احتیاط آن است که بجا آورند.

مسأله ۶- کسی که محرم شود به احرام عمره مفرده حرام می‌شود بر او جمیع محرمات احرام و بعد از آنکه تقصیر کرد یا سر تراشید همه چیز بر او حلال می‌شود مگر زنها و بعد از آنکه طواف نساء را با نمازش بجا آورد زن هم بر او حلال می‌شود.

مسأله ۷- کسی که به احرام عمره مفرده وارد مکه شود اگر احرامش در ماههای حج بوده، جایز است که آن را عمره تمتع قرار دهد و دنبال آن حج تمتع بجا آورد و در اینصورت هدی بر او واجب می‌شود.

س ۱- انجام عمره مفرده در ماههای حج پیش از عمره تمتع جایز است یا خیر؟ و در این مسأله فرقی بینصُروره و غیرصُروره هست یا نه؟

ص: ۱۴

ج- مانع ندارد، و فرقی نمی‌کند.

س ۲- آیا انجام عمره مفرده را قبل از عمره تمتع و لو با کمتر از فاصله شدن عنوان ماه تجویز می‌فرمایید، و آیا بعد از عمره تمتع هم با کمتر از فاصله شدن عنوان ماه می‌توان عمره مفرده انجام داد یا باید رجاءاً انجام شود.

ج- در فرض مزبور فاصله و قصد رجاء لازم نیست لکن بین عمره تمتع و حج تمتع نمی‌توان عمره مفرده انجام داد.

«صورت عمره مفرده»

صورت عمره مفرده اجمالاً: عمره مفرده از هفت جزء مرکب شده است.

اول: احرام

دوم: طواف کعبه

سوم: نماز طواف

چهارم: سعی بین کوه صفا و مروه

پنجم: تقصیر یا سر تراشیدن (حلق)

ششم: طواف نساء

هفتم: نماز طواف نساء

مسأله- لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره مفرده بداند و لو اجمالاً و کافی است که نیت کند عمره مفرده را،

ص: ۱۵

یعنی عبادتی را که خداوند بر او مستحب کرده است و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله «مناسک عمره مفرده» در وقت عمل یاد بگیرد و عمل کند. ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق احتیاط است.

فصل دوم:

«میقات در عمره مفرده»

«محل احرام عمره مفرده»

میقات عمره مفرده ادنی الحل است و جایز است از یکی از مواقیت پنجگانه محرم شود. بدانکه محل محرم شدن برای عمره مفرده که آن را میقات می‌نامند مختلف می‌شود به اختلاف راههایی که معتمرین از آنها بطرف مکه می‌روند و آن هشت محل است:

اول: مسجد شجره است که آن را ذوالحلیفه می‌نامند و آن میقات کسانی است که از مدینه منوره به مکه می‌روند. و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۸- جایز است در صورت ضرورت احرام را از مسجد شجره تأخیر بیندازد تا میقات دیگر اگر چه آن میقات ادنی الحل «مسجد تنعیم» باشد.

مسأله ۹- احتیاط واجب آن است که در داخل مسجد شجره محرم شود، نه خارج آن، هر چند نزدیک به آن باشد.

ص: ۱۷

مسأله ۱۰- احتیاط واجب آنست که از خود مسجد شجره احرام بسته شود نه اطراف آن و احتیاط مستحب آنست که در محل اصلی مسجد محرم شود اگر چه از مسجد مطلقاً جایز است، حتی در قسمتی که مسجد توسعه پیدا کرده است.

مسأله ۱۱- شخص جنب و حائض می‌توانند در حال عبور از مسجد محرم شوند، و نباید در مسجد توقف کنند.

مسأله ۱۲- اگر جنب بواسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب پیدا شود، یا استعمال آب برایش مضر باشد، باید تیمم کند و داخل مسجد شود و احرام ببندد. و همچنین است حائض و نفساء که از خون حیض و نفاس پاک شده است.

دوم: وادی عقیق است که اوائل آن را «مسلخ» و اواسط آن را «غمره» و اواخر آن را «ذات عرق» می‌گویند که محل احرام عامه است، و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

سوم: قرن المنازل است و آن میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می‌روند.

چهارم: یلملم است که اسم کوهی است، و آن میقات کسانی است که از راه یمن می‌روند.

پنجم: جحفه است و آن میقات کسانی است که از راه شام

ص: ۱۸

می‌روند.

ششم: تنعیم، در شمال مکه که هم اکنون جزء شهر مکه است.

هفتم: حدیبیه، در شمال غربی مکه قرار دارد.

هشتم: جعرانه، در شمال شرقی مکه واقع شده است.

«مسائل متفرقه میقات»

مسأله ۱۳- اگر بینه شرعیه قائم شد؛ یعنی دو شاهد عادل شهادت دادند که فلان مکان میقات است تفتیش و تحصیل علم لازم نیست، و اگر علم و بینه ممکن نشود می‌تواند اکتفا کند به اطمینان حاصل از پرسیدن از کسانی که اهل اطلاع به آن مکانها می‌باشند.

مسأله ۱۴- کسانی که میقات برای آنها مشخص نیست نمی‌توانند به گفته راهنما (بلد) یا حمله‌دار که می‌گوید فلان محل میقات است محرم شوند مگر از گفته او اطمینان پیدا کنند والا باید به عرف محل مراجعه نمایند.

مسأله ۱۵- در صورت ضیق وقت انسان می‌تواند برای درک عمره رجبیه قبل از رسیدن به میقات مُحرم به احرام عمره رجبیه شود و به مکه برود و اعمال عمره مفرده را انجام دهد، و در اینصورت هنگام عبور از میقات نیاز به تجدید احرام نمی‌باشد.

مسأله ۱۶- کسی که به واسطه فراموشی یا ندانستن مسأله و یا

ص: ۱۹

عذر دیگر بدون احرام از میقات عبور کرد می‌تواند از ادنی الحَلِّ «مسجد تنعیم» برای عمره مفرده مُحرَم شود و اعمال عمره را انجام دهد.

مسأله ۱۷- جایز نیست مُحرَم شدن پیش از رسیدن به میقات، و اگر احرام ببندد صحیح نیست ولی اگر نذر کند که از محلّی که پیش از میقات است احرام ببندد جایز است، و باید از همانجا مُحرَم شود.

مثلاً اگر نذر کرد که از «قم» مُحرَم شود، واجب است عمل کند.

مسأله ۱۸- در عمره مفرده جایز نیست اختیاراً احرام را از میقات تأخیر ببندد، اگر چه میقات دیگری بعد از آن باشد و اگر چنانچه بدون احرام از میقات عبور کرد می‌تواند از ادنی الحَلِّ برای عمره مفرده مُحرَم شود ولی معصیت کرده است.

مسأله ۱۹- کسانی که برای عمره مفرده به مکه مشرّف می‌شوند چنانچه از یکی از مواقیت معروفه عبور نمایند نباید بدون احرام از میقات تجاوز کنند و در صورت تجاوز، اگر از ادنی الحَلِّ مُحرَم شوند عمره آنها صحیح است هر چند مرتکب معصیت شده‌اند.

مسأله ۲۰- خدمه کاروانها یا کسانی که می‌خواهند به مکه بروند و از مکه خارج شوند، در صورت خارج شدن از مکه اگر به جدّه یا مدینه می‌روند، برای ورود به مکه در مرتبه دوّم و سوّم و بعد از آن چون از میقات «مسجد تنعیم و مسجد شجره» عبور می‌کنند چنانچه همه در یک ماه باشد واجب است مُحرَم شوند به احرام

ص: ۲۰

عمره مفرده نیابی ولو تبرّعاً، و اگر ورود به مکه در ماه بعد باشد واجب است مُحرم شوند به احرام عمره مفرده دیگر.

س ۱- جماعتی از راه طائف عازم مکه بودند، قبل از رسیدن به قَرْنِ الْمَنَازِل آنان را از راه وادی عقیق فرستادند و از راه قرن المنازل منع کردند و لذا در وادی عقیق مُحرم شدند، احرام آنان چه صورت دارد؟
ج- صحیح است.

س ۲- نظر به اینکه مسجد جحفه و مسجد تنعیم اخیراً تخریب و بازسازی شده و وسعت یافته است آیا معتمرین باید حتماً در حدود مسجد قبلی محرم شوند و یا محرم شدن در تمام مسجد فعلی معتبر است؟

ج- میقات در جحفه مخصوص مسجد نیست و از هر جای جحفه می‌توانند محرم شوند و همچنین مسجد تنعیم خصوصیت ندارد و احرام از ادنی‌الْحَلْصَحیح است، هر چند در مسجد نباشد.

بنابراین در صورت توسعه مسجد با صدق جُحْفَه در اوّل، و ادنی‌الْحَل در دوّم، احرام اشکال ندارد.

س ۳- کسی از جَدّه مُحرم شده و اعمال عمره مفرده را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج- جَدّه میقات نیست و مُحرم شدن از آنجا صحیح نمی‌باشد و برای انجام عمره مفرده می‌تواند از ادنی‌الْحَلّ مُحرم شود.

ص: ۲۱

س ۴- آیا جایز است کسی که به احرام عمره مفرده در یکی از میقاتها مُحرم شده است به طرف خلاف مکه برود و بعد از چند روز بیاید مکه، مثلاً از مسجد شجره به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه برود؟

ج- مانع ندارد.

س ۵- بعد از اتمام عمره مفرده اگر شخص از مکه خارج شود و بخواهد مراجعت کند آیا لازم است مُحرم شود یا خیر؟

ج- در صورتی که در همان ماهی که مُحرم شده، مراجعت کند لازم نیست مُحرم شود و می‌تواند بدون احرام وارد مکه شود «مشروط بر آنکه از میقات عبور نکند».

س ۶- کسی که عمره مفرده انجام داده است آیا می‌تواند در همان ماهی که مُحرم شده است بدون احرام از میقات تجاوز کند؟

ج- احتیاط آن است که به نیت عمره مفرده نیایی ولو تبرعاً مُحرم شود و بدون احرام تجاوز نکند.

س ۷- کسی که در جدّه و یا مدینه حالت روانی پیدا می‌کند، آیا لازم است مُحرمماً وارد مکه شود، یا بدون احرام نیز جایز است؟

ج- مجنون، تکلیف ندارد و احرام بر او واجب نیست، و اگر بدون احرام وارد مکه شود اشکالی ندارد.

س ۸- آیا نذر احرام قبل از میقات برای نایب هم جایز است یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

فصل سوم:

«در واجبات احرام و آنچه متعلق به آنها است»

واجبات در وقت احرام سه چیز است:

اول: نیت، یعنی انسان در حالیکه می‌خواهد مُحْرَم شود به احرام عمره مفرده، نیت کند عمره مفرده را، و لازم نیست قصد کند ترک محرماتی را که بر مُحْرَم پس از احرام، حرام می‌شود، بلکه کسی که به قصد عمره مفرده لبیک‌های واجب را گفت، مُحْرَم می‌شود چه قصد بکند احرام را یا نکند و چه قصد بکند ترک محرمات را یا نکند.

پس کسی که می‌داند ارتکاب می‌کند بعضی از محرمات را؛ مثل زیر سایه رفتن در حال سفر، احرام اوصحیح است. ولی احتیاط آن است که قصد کند ترک محرمات را.

مسأله ۲۱- آنچه ذکر شد که لازم نیست قصد کند ترک محرمات را در غیر آن محرماتی است که عمره مفرده را باطل می‌کند مثل اکثر محرمات، و اما آنچه عمره مفرده را باطل می‌کند مثل نزدیکی با زن در بعضی از صور که ذکر خواهد شد، پس با قصد ارتکاب آن احرام باطل است بلکه غیر ممکن است.

ص: ۲۳

مسأله ۲۲- عمره مفرده و اجزاء آن از جمله احرام، از عبادات است و باید با نیت خالص برای اطاعت خداوند تعالی بجا آورد. و اگر عمره مفرده را به ریا یا غیر آن باطل کند می‌تواند عمره مفرده دیگری با نیت خالص انجام دهد.

مسأله ۲۳- اگر بعضی از ارکان عمره مفرده را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل کند و نتواند آن را جبران کند عمره مفرده باطل می‌شود، ولی اگر محل جبران باقی است و جبران کرد عملش صحیح می‌شود، گرچه معصیت کار است.

دوم: تلبیه، یعنی لبیک گفتن و صورت آن بنا بر اصح آن است که بگوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

و به این مقدار اگر اکتفا کند مُحَرَّم شده و احرامش صحیح است، و احتیاط مستحب آن است که پس از آن که چهار «لبیک» را به صورتی که گفته شد گفت، بگوید:

«أَنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَادِ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ تَسْتَعِينِي وَيُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ

ص: ۲۴

إِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النُّعْمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ.»

و در اینجا مسائلی است:

مسأله ۲۴- واجب است صحیح گفتن قدر واجب از لبیک را که گذشت، همانطور که صحیح گفتن تکبیر الاحرام در نماز واجب است.

مسأله ۲۵- اگر تلبیه را بقدر واجب که ذکر شد، نداند باید آن را یاد بگیرد یا کسی او را در وقت گفتن تلقین کند؛ یعنی کلمه آن شخص بگوید و شخصی که می‌خواهد احرام ببندد، دنبال او به طور صحیح بگوید.

مسأله ۲۶- اگر نتواند یاد بگیرد یا وقت یاد گرفتن نباشد و با تلقین هم نتواند بگوید بهتر آن است که به هر نحو که می‌تواند بگوید، و احتیاطاً نائب هم بگیرد.

مسأله ۲۷- اگر لبیک گفتن در عمره مفرده را فراموش کرد یا بواسطه ندانستن حکم نگفت، می‌تواند در میقات بعدی یا ادنی الحّلّ به نیت عمره مفرده بطور صحیح تلبیه بگوید و مُحرم شده، اعمال عمره مفرده را انجام دهد.

مسأله ۲۸- اگر کسی لبیک واجب را نگفت چه بواسطه عذری و چه بدون عذر، چیزهایی که بر مُحرم حرام است بر او حرام نمی‌شود،

ص: ۲۵

و اگر آنچه در احرام موجب کفاره می‌شود بجا آورد کفاره ندارد، و همچنین اگر لبیک را به ریا باطل کند.

مسئله ۲۹- جایز نیست لبیک واجب را از میقات تأخیر بیندازد و اگر تأخیر انداخت می‌تواند برگردد و در میقات لبیک بگوید و می‌تواند از میقات بعدی یا ادنی الحَلِّ به نیت عمره مفرده لبیک بگوید و سپس اعمال عمره مفرده را انجام دهد، گرچه در عبور از میقات بدون تلبیه و احرام عمداً معصیت کرده است.

مسئله ۳۰- واجب در لبیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است تکرار آن و زیاد گفتن آن هر چه می‌تواند، و برای هفتاد مرتبه گفتن ثواب زیادی ذکر شده است، و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید «لبیک اللهم لبیک» یا تکرار کند «لبیک» را فقط.

مسئله ۳۱- لازم است کسی که برای عمره مفرده مُحَرَّم شده در وقتی که وارد حرم می‌شود لبیک را ترک کند و دیگر لبیک نگوید.

س ۱- یک نفر از معتمرین به کلی شنوائی خود را از دست داده و زبان او هم لکنت دارد که قادر بر تکلم صحیح نیست، مسؤولین و سایر معتمرین همراه، به این موضوع توجه نداشته‌اند و این آقا بدون نیت و تلبیه وارد مکه شده است، تکلیف او و همراهانش چیست؟

ج- می‌تواند به ادنی الحَلِّ «مسجد تنعیم» برود و با نیت و تلبیه

ص: ۲۶

مُحرم شود هر چند با بردن همراه باشد، و اگر نمی‌تواند تلبیه را صحیح بگوید ولو با تلقین، احوط آن است که به هر نحو می‌تواند بگوید و ترجمه‌اش را نیز بگوید و نائب هم بگیرد.

س ۲- اگر بعد از خروج از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته، یا نیت نکرده و یا به جهت دیگر احرامش درست نیست، و چنانچه بخواهد از همانجا به میقات برگردد میسر نیست ولی اگر بیاید مکه امکان دارد برگردد، آیا می‌تواند بیاید مکه و به میقات برگردد، یا باید از همانجا مُحرم شود؟

ج- در فرض مذکور برای انجام عمره مفرده می‌تواند از ادنی الحَلِّ «مسجد تنعیم» محرم شود و داخل مکه شود و اعمال عمره مفرده را انجام دهد.

سوّم: پوشیدن دو جامه احرام برای مردان که یکی «لنگ» است و دیگری «ردا» که باید آنرا به دوش بیندازند. و احتیاط واجب آن است که زنها نیز دو جامه را در حال نیت و تلبیه گفتن بپوشند اگر چه کندن لباس دوخته بر آنها واجب نیست و جایز است بعد از احرام دو جامه احرام را بیرون بیاورند و با همان لباس دوخته خودشان باشند.

و در اینجا مسائلی است:

مسأله ۳۲- احتیاط واجب آن است که مردان لباسهای دوخته را نکنند و این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبیک گفتن بپوشند و اگر

ص: ۲۷

بعد از لبیک پوشیدند احتیاط مستحب آن است که لبیک را دوباره بگویند.

مسئله ۳۳- لازم نیست که لنگ، ناف و زانو را بپوشاند، و کفایت می‌کند که به نحو متعارف باشد، ولی مستحب است که ناف و زانو را بپوشاند.

مسئله ۳۴- احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نباشد.

مسئله ۳۵- در پوشیدن دو جامه احرام ترتیب خاصی معتبر نیست، بلکه به هر ترتیبی بپوشد مانع ندارد، فقط باید یکی را لنگ قرار دهد به هر کیفیتی که می‌خواهد، و یکی را ردا قرار دهد به کیفیتی که می‌خواهد، و احتیاط واجب آن است که ردا شانه‌ها را بپوشاند. و بگونه‌ای باشد که صدق ردا بکند.

مسئله ۳۶- احتیاط واجب آن است که در حال اختیار اکتفا نکند به یک جامه بلند که مقداری از آن را لنگ کند و مقداری را ردا قرار دهد، بلکه باید دو جامه جدا باشند.

مسئله ۳۷- در پوشیدن جامه احرام احتیاط واجب آن است که نیت کند و قصد امر الهی و اطاعت او کند و احتیاط مستحب آن است که در کندن جامه دوخته هم نیت و قصد اطاعت کند.

مسئله ۳۸- شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد، پس کفایت نمی‌کند جامه حریر و غیر مأكول و جامه‌ای که

ص: ۲۸

نجس باشد به نجاستی که در نماز عفو از آن نشده باشد.

مسئله ۳۹- لازم است جامه‌ای را که لنگ قرار می‌دهد نازک نباشد بطوری که بدن نما باشد، و احتیاط مستحب آن است که ردا هم بدن نما نباشد.

مسئله ۴۰- احتیاط واجب آن است که هر وقت در بین اعمال یا غیر آن در احوال احرام این دو جامه نجس شود تطهیر یا تبدیل نماید، و احوط مبادرت به تطهیر بدن است در حال احرام اگر نجس شود.

مسئله ۴۱- اگر تطهیر نکند جامه احرام یا بدن را کفاره ندارد.

و احرام او هم باطل نمی‌شود.

مسئله ۴۲- احتیاط آن است که جامه احرام از پوست نباشد، لکن ظاهراً اگر به آن جامه گفته شود مانع ندارد.

مسئله ۴۳- لازم نیست که جامه احرام منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر مثل «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود مانع ندارد.

مسئله ۴۴- افضل آن است که مُحرم اگر جامه احرام را عوض کرده وقتی که وارد مکه می‌شود برای طواف همان جامه‌ای را که در آن مُحرم شده است بپوشد، بلکه موافق احتیاط استحبابی است.

مسئله ۴۵- اگر مُحرم اضطرار پیدا کند به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن، می‌تواند قبا و پیراهن بپوشد، لکن باید قبا را پایین و بالا کند و بدوش بیندازد، و دست از آستین آن بیرون

ص: ۲۹

بیاورد، و احوط آن است که پشت و رو نیز بکند، و پیراهن را نیز باید بدوش بیندازد و نپوشد، و اگر اضطرار رفع نمی‌شود مگر با پوشیدن قبا و پیراهن می‌تواند بپوشد.

مسئله ۴۶- لازم نیست جامه احرام را همیشه در بر داشته باشد، بلکه جایز است آنها را عوض کند و برای شستن بیرون بیاورد و برای حمام رفتن آنها را بکند، بلکه جایز است برای حاجت هر دو را بیرون بیاورد و لخت شود.

مسئله ۴۷- شخص مُحرم می‌تواند از دو جامه احرام بیشتر بپوشد، مثل دو سه ردا و دو سه لنگ برای حفظ از سرما یا غرض دیگر. لکن همه آنها باید شرایط لباس احرام را داشته باشند.

مسئله ۴۸- اگر لباس احرام را عمدتاً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می‌خواهد مُحرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند و احرامش صحیح است، و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده و احرامش صحیح است.

مسئله ۴۹- گره زدن لباس احرام اشکالی ندارد ولی احتیاط واجب آن است که آنرا که لنگ قرار داده به گردن گرده نزنند، و اگر از روی جهل یا نسیان گرده زد احتیاط آن است که فوراً باز کند، ولی به احرامش ضرر نمی‌رساند و چیزی هم بر او نیست، و سنگ در جامه احرام گذاشتن و با نخ بستن نیز جایز است.

مسئله ۵۰- شرط نیست در مُحرم شدن پاک بودن از حدث اصغر

ص: ۳۰

و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس مُحرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.
 مسأله ۵۱- اگر پیراهن بپوشد بعد از آنکه مُحرم شد لازم است که پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد ولی اگر در پیراهن مُحرم شود لازم نیست شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، و همین قدر لازم است آنرا بکند و لباس احرام بپوشد، و در هر دو صورت احرامش صحیح است.

مسأله ۵۲- اگر فراموش کند احرام را و به خاطرش نیاید مگر بعد از اتمام همه واجبات عمره مفرده، عمره اش باطل است و می‌تواند برای عمره مفرده از ادنی الحُلِّ مُحرم شود و اعمال عمره مفرده را بجا آورد.

«مسائل متفرقه احرام»

س ۱- مردها معمولاً برای احرام، یک حوله به عنوان لنگک به کمر می‌بندند و یکی هم بر روی شانه‌ها می‌اندازند، ولی بعضی افراد برای اینکه موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین عورت آنان ظاهر نشود اضافه بر آن دو حوله، یک متر چلوار ندوخته از وسط پا عبور می‌دهند به نحوی که دو طرف پارچه از جلو و عقب زیر حوله قرار می‌گیرد، آیا این عمل صحیح است یا اشکال دارد؟
 ج- اشکال ندارد.

ص: ۳۱

س ۲- آیا می‌شود برای کسی که قادر بر تلبیه گفتن نیست نایب گرفت یا خیر؟

ج- اُخْرَس (لال) باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبانش را هم حرکت دهد اگر چه بهتر است نایب هم بگیرد.

س ۳- اگر کسی بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه، مُحْرَم نمی‌شود و تلبیه را غلط بگوید و اعمال عمره را انجام دهد آیا اعمالش صحیح است یا نه؟

ج- با توجه به اینکه عالم به حکم بوده اگر نسبت به موضوع جاهل بوده حکم ترک احرام از روی جهل و سهو را دارد (یعنی احرامش باطل است و می‌تواند برای انجام عمره مفرده از ادنی الحَلِّ مُحْرَم شود و اعمال عمره مفرده را بجا آورد) و اگر علاوه بر علم به حکم عالم به موضوع هم باشد احرامش باطل است.

س ۴- ترجمه تلبیه «لِئِيكَ اللَّهُمَّ لِيُكَ لِيُكَ لِيُكَ لا شَرِيكَ لَكَ لِيُكَ» چیست؟

ج- ترجمه مذکور چنین است: اجابت می‌کنم دعوت تو را خدایا اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، شریکی نیست مر تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، و اگر کلمه دعوت را هم نگوید کفایت می‌کند در مواردی که باید ترجمه را بگوید.

س ۵- لباس احرامی که معلوم نیست از درآمد منبر است یا وجوهات شرعیه، آیا لازم است خمس آن را بدهد؟

ص: ۳۲

ج- با فرض شك لازم نیست، هر چند احتیاط مطلوب است.

س ۶- کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می‌کند و خودش فراموش کرده است که نیت نماید، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر بقصد انجام عمره مفرده تلبیه نگفته و نیت نکرده مُحرم نشده است، لذا می‌تواند از ادنی الحَلِّ مُحرم به احرام عمره مفرده شده و بعد اعمال عمره را انجام دهد.

س ۷- آیا لباس احرام منحصر در دو جامه است و بیشتر نباید باشد؟

ج- مقدار واجب آن دو جامه است و زیادتر مانع ندارد.

«مستحبات احرام»

مستحبات احرام چند چیز است:

۱- آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و عانه را با نوره ازاله نماید.

۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قاصد عمره مفرده است پیش از یکماه موی سر و ریش را رها کند.

۳- آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و تقدیم این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جایز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل

ص: ۳۳۰

را اعاده بنماید و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر مُحرم حرام است، باز هم اعاده مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.

۴- آنکه دو جامه احرام از پنبه باشد.

۵- آنکه احرام را به ترتیب ذیل ببندد در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر، و در صورت عدم تمکن از فریضه اداء، بعد از فریضه قضاء مُحرم شود. و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره توحید، و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و شش رکعت افضل است، و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد.

۶- آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در موارد آینده:

الف- وقت برخاستن از خواب.

ب- بعد از هر نماز واجب و مستحب.

ج- وقت رسیدن به سواره.

د- هنگام بالا رفتن از تلّ یا سرازیر شدن از آن.

ه- وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

و- اوقات سحر.

ص: ۳۴

زن حائض و نساء و جُنُب نیز این تلبیه‌ها را بگویند.
و شخص معتمر «کسی که عمره مفرده انجام می‌دهد» تلبیه گفتن او در عمره مستمر خواهد بود تا آنکه وارد حرم شود و اگر از ادنی الحل مُحرم شود با مشاهده کعبه تلبیه را قطع کند.

«مکروهات احرام»

مکروهات احرام چند چیز است:

- ۱- احرام در جامه سیاه، و افضل احرام در جامه سفید است.
- ۲- خوابیدن مُحرم در رختخواب و بر بالش زرد رنگ.
- ۳- مُحرم شدن در جامه چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آنرا نشوید.
- ۴- مُحرم شدن در جامه راه راه.
- ۵- استعمال حنا پیش از احرام در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.
- ۶- حمام رفتن و اولی آن است که مُحرم بدن خود را با کیسه و مثل آن نساید.
- ۷- لبیک گفتن مُحرم در جواب کسی که او را صدا نماید.
- ۸- ساییدن صورت چنانچه نداند موجب بیرون آمدن خون می‌شود.
- ۹- کشتی گرفتن.

فصل چهارم:

«در آنچه بر مُحرم حرام می‌شود»

و آن چند امر است:

اول: شکار صحرایی که وحشی باشد، مگر در صورتی که ترس داشته باشد از آزار آن.

و در اینجا مسائلی است:

مسئله ۵۳- خوردن گوشت شکار بر مُحرم حرام است چه خودش شکار کند یا غیر خودش، چه مُحرم شکار کند یا غیر مُحرم.

مسئله ۵۴- نشان دادن شکار را به شکارچی حرام است و همینطور اعانت او به هر نحوی حرام است.

مسئله ۵۵- اگر مُحرمی صید را ذبح کند از نظر اکل در حکم میته خواهد بود بنابر اقوی، و به احتیاط واجب هم درباره مُحرم و هم مُحل.

مسئله ۵۶- شکار دریایی مانع ندارد، و آن حیوانی است که زندگی او در دریا باشد به نظر عرف.

مسئله ۵۷- ذبح و خوردن حیوانات اهلی؛ مثل مرغ خانگی و گاو

ص: ۳۶

و گوسفند و شتر مانع ندارد.

مسئله ۵۸- پرنده‌گان، جزء شکار صحرائی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است.

مسئله ۵۹- احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

مسئله ۶۰- نگاه داشتن تصید حرام است اگر چه خودش قبل از احرام مالک آن باشد، و با خود آورده باشد. پس باید آنرا رها کند و

نگاه ندارد.

مسئله ۶۱- اگر پرنده‌ای که نزد او است «پر» در نیآورده یا پر او را چیده‌اند واجب است آنرا حفظ کند تا پر درآورد و آنرا رها کند،

بلکه بعید نیست که واجب باشد حفظ بجهت تصید را، مثل آهو بره تا بزرگی شود و رها کند آنرا.

مسئله ۶۲- هر شکاری که حرام است، جوجه و تخم آن نیز حرام است. بدانکه در شکار احکام بسیاری است و چون محل حاجت

چندان نیست از بیان آنها خودداری شد.

دوم: جماع کردن با زن، و بوسیدن، و دست بازی کردن مرد با زوجه خودش، و نگاه بشهوت مرد نسبت به زوجه خودش، بلکه هر

نحو لذت و تمتعی بردن از زن.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۶۳- اگر کسی در احرام عمره از روی علم و عمد با زن چه

ص: ۳۷

در قُبیل و چه در دُبُر جماع کند ظاهراً عمره‌اش باطل نشود و لکن بنا بر احتیاط موجب کفّاره است که بیان آن می‌آید و احتیاط آن است که اگر این عمل پیش از سعی واقع شد عمره را تمام کند و آنرا دو مرتبه بجا آورد.

مسأله ۶۴- حرمت نفسی و ذاتی و طی با مرد گرچه خیلی شدید و موجب حدّ است لیکن ارتباط آن با احرام محلّ اشکال است.

مسأله ۶۵- اگر در عمره این عمل را از روی علم و عمد پس از سعی مرتکب شود عمره اوصحیح است ولی بنا بر احتیاط کفّاره بر او واجب می‌شود و کفّاره آن یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند است به اختیار خودش اگر چه بهتر است که شتر را اختیار کند.

مسأله ۶۶- اگر زنی را از روی شهوت ببوسد و منی هم از او خارج شود کفّاره آن یک شتر است و اگر در این فرض منی خارج نشود کفّاره‌اش یک گوسفند است، و اگر بدون شهوت ببوسد از جهت احرام حرمتی ندارد، اگر چه در بعضی از صور حرمت ذاتی وجود دارد ولی در هیچیک از صور مذکوره کفّاره ثابت نیست.

مسأله ۶۷- اگر عمداً نگاه کند به غیر زن خود و انزالش شود اقوی آن است که اگر متمول است یک شتر و اگر متوسط الحال است یک گاو و اگر فقیر است یک گوسفند کفّاره بدهد و در صورت عدم انزال مرتکب معصیت شده است ولی کفّاره ندارد.

مسأله ۶۸- اگر مُحرم نگاه کند به زن خود از روی شهوت

ص: ۳۸

و انزالش شود اقوی آن است که یک شتر کفاره بدهد ولی اگر از روی شهوت نباشد کفاره ندارد.

مسأله ۶۹- اگر کسی با زن خودش دست بازی کند به شهوت و انزالش نشود یک گوسفند کفاره آن است و اگر انزالش شود بنا بر احتیاط واجب یک شتر کفاره بدهد.

مسأله ۷۰- هر یک از این امور «غیر از صید» که موجب کفاره است اگر با جهل به مسأله یا از روی غفلت یا از روی نسیان واقع شود به عمره مفرده او ضرر نمی‌رساند و بر شخص کفاره نیست.

مسأله ۷۱- اگر مردی با زن خود که مُحرم است از روی اجبار جماع کند بر زن چیزی نیست، و مرد باید علاوه بر کفاره خود کفاره زن را هم بدهد، و اگر زن از روی رضایت جماع دهد کفاره بر خود اوست، و مرد باید کفاره خودش را بدهد، و کفاره‌ای که باید بدهند گذشت.

سوم: عقد کردن زن از برای خود یا غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد و مُجَل باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۷۲- جایز نیست شخص مُحرم شاهد شود از برای عقد گرچه آن عقد برای غیر مُحرم باشد.

مسأله ۷۳- جایز است شهادت دادن بر عقد مخصوصاً در صورتی که در حال مُحرم نبودن شاهد عقد شده باشد لکن احتیاط

مستحبی

ص: ۳۹

در ترک آن است.

مسئله ۷۴- احتیاط واجب آن است که خواستگاری کردن در حال احرام جایز نیست.

مسئله ۷۵- رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است مانع ندارد.

مسئله ۷۶- اگر زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسئله، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود.

مسئله ۷۷- اگر زنی را با جهل به مسئله برای خود عقد کند عقدی که کرده است باطل است، لکن حرام دائمی نمی‌شود، ولی

احتیاط آن است که آن زن را نگیرد خصوصاً اگر با او نزدیکی کرده باشد.

مسئله ۷۸- ظاهراً فرقی بین زن عقدی و صیغه‌ای نیست در احکامی که ذکر شد.

مسئله ۷۹- احتیاط لازم آن است که زن اگر مُحرم باشد و مرد مُحرم نباشد و عقد کند او را عقد باطل است و طلاق لازم ندارد و

مرد نباید با زن نزدیکی کند، و در صورت علم زن به مسئله علاوه بر اینکه عقد باطل است زن نیز حرام ابدی می‌شود و نباید با او

هیچ وقت ازدواج کند و طلاق لازم ندارد.

مسئله ۸۰- اگر کسی عقد کند زنی را برای مُحرمی و مُحرم دخول کند پس اگر هر سه عالم به حکم و موضوع باشند بر هر یک

آنها یک شتر کفاره است، و اگر دخول نکند کفاره نیست، و در این

ص: ۴۰

حکم فرق نیست بین آنکه زن و عاقد محل باشند یا مُحرم، و اگر بعضی از آنها حکم را می‌دانند و بعضی نمی‌دانند بر آنکه می‌دانند کفاره است.

چهارم: استمناء، یعنی طلب بیرون آمدن منی کردن به دست یا غیر آن، هر چند بخیال باشد یا به بازی کردن با زن خود یا کس دیگر به هر نحو باشد، پس اگر منی خارج شود کفاره آن یک شتر است، و احتیاط واجب آن است که در جایی که جماع موجب بطلان است استمناء نیز موجب بطلان باشد به نحوی که در جماع گفته شد.

پنجم: استعمال عطریات است از قییل مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد. و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۸۱- مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست و همینطور پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد اگر چه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد.

مسأله ۸۲- خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد مثل زعفران جایز نیست.

مسأله ۸۳- اگر به پوشیدن لباس یا خوردن غذایی که بوی خوش می‌دهد اضطراب پیدا کند باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش به آن نرسد.

ص: ۴۱

مسأله ۸۴- از گلها یا سبزیهایی که بوی خوش می دهد باید اجتناب کند، مگر بعضی از انواع آن کهصحرایی است، مثل «بومادران» و «درمنه» و «خزومی» که می گویند از خوشبوترین گلها است.

مسأله ۸۵- احتیاط آن است که از «دارچینی» و «زنجبیل» و «هل» و امثال آنها اجتناب کند اگر چه اقوی حرام نبودن آنها است.

مسأله ۸۶- از میوه‌های خوشبو از قبیل سیب و به، اجتناب لازم نیست و خوردن و بوییدن آنها مانع ندارد، لکن احتیاط استحبابی آن است که بوییدن را ترک کند.

مسأله ۸۷- اقوی حرمت گرفتن دماغ است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد به تند رفتن عیب ندارد.

مسأله ۸۸- خرید و فروش عطریات اشکال ندارد لکن نباید آنها را برای امتحان بو کند یا استعمال کند.

مسأله ۸۹- کفاره استعمال بوی خوش از روی علم و عمد یک گوسفند است بنابر احتیاط واجب. و همچنین اگر استفاده از بوی خوش بهصورت اکل و خوردن بوده باشد باید یک گوسفند کفاره بدهد.

مسأله ۹۰- مشهور آن است که استعمال خلوق کعبه و آن چیزی است که کعبه را به آن خوشبو می کنند حرام نیست.

مسأله ۹۱- اگر بوی خوش را مکرر استعمال کرد در وقت واحد

ص: ۴۲

بعید نیست یک گوسفند کفایت کند، لکن احتیاط در تعدد است، و اگر در اوقات متعدده استعمال کرد بنا بر اقوی باید کفاره را متعدّد بدهد، و اگر بعد از استعمال کفاره داد و باز استعمال کرد واجب است که باز کفاره بدهد.

ششم: پوشیدن چیز دوخته مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۹۲- چیزهایی که شبیه به دوخته است؛ مثل پیراهن‌هایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد، بشکل بالاپوش می‌مالند مثل کلیجه و پستک و کلاه و غیر آن، جایز نیست پوشیدن آنها.

مسأله ۹۳- اقوی اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل کمر بند دوخته و شب کلاه.

مسأله ۹۴- همیانی را که در آن پول می‌گذارند اشکال ندارد به کمر ببندد، هر چند دوخته باشد، و بهتر آن است که قسمی کند که بی‌گره باشد. اما اگر بتواند همیان دوخته نشده تهیه کند نمی‌تواند از همیان دوخته شده استفاده نماید.

مسأله ۹۵- فتق بند اگر دوخته باشد برای ضرورت جایز است ببندد لیکن بهتر آن است که کفاره بدهد.

مسأله ۹۶- اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جایز است بپوشد،

ص: ۴۳

ولی کفاره باید بدهد.

مسئله ۹۷- جایز است گره زدن لباس احرام را، ولی احتیاط در گره نزدن است، و احتیاط واجب آن است که لنگ را به گردن گره نزنند.

مسئله ۹۸- جایز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند گرچه احتیاط در ترک است.

مسئله ۹۹- از برای زنها جایز است لباس دوخته هر قدر می‌خواهند بپوشند و کفاره ندارد، بلی جایز نیست از برای آنها پوشیدن «قفازین» و آن چیزی بوده که زنه‌های عرب در آن پنبه می‌گذاشتند و دست می‌کردند برای حفظ از سرما.

مسئله ۱۰۰- کفاره پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند است.

مسئله ۱۰۱- اگر مُحرم چند قسم لباس دوخته بپوشد مثل پیراهن و قبا و عبا برای هر یک باید کفاره بدهد و احتیاط واجب آن است که اگر آنها را توی هم کرد و یک دفعه پوشید باز برای هر یک کفاره بدهد.

مسئله ۱۰۲- اگر از روی اضطرار لباسهای متعدد پوشید، کفاره ساقط نمی‌شود.

مسئله ۱۰۳- اگر یک قسم لباس بپوشد مثل پیراهن و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگر بپوشد یا آنرا که پوشیده است، بکند و باز بپوشد باید برای دفعه دیگر نیز کفاره بدهد.

ص: ۴۴

مسأله ۱۰۴- احتیاط واجب آن است که اگر چند لباس از یک نوع بپوشد؛ مثل چند قبا یا چند پیراهن چه در مجلس واحد یا در مجالس عدیده برای هر یک کفاره بدهد، اما اگر یک مرتبه آنها را بپوشد کفاره متعدّد نمی‌شود.

هفتم: سرمه کشیدن به سیاهی که در آن زینت باشد، هر چند قصد زینت نکند، و احتیاط واجب اجتناب از مطلق سرمه است که در آن زینت باشد، بلکه اگر بوی خوش داشته باشد بنا بر اقوی حرام است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۰۵- حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

مسأله ۱۰۶- در سرمه کشیدن کفاره نیست، لکن اگر در سرمه بوی خوش باشد احتیاط کفاره دادن است. ولی اگر بوی خوش آن در لحظه سرمه کشیدن قابل استشمام باشد اقوی کفاره دادن است.

مسأله ۱۰۷- در صورتی که احتیاج داشته باشد به سرمه کشیدن، مانعی ندارد.

هشتم: نگاه کردن در آینه.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۰۸- در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

مسأله ۱۰۹- نگاه کردن به اجسام صاف سیقل داده شده که

ص: ۴۵

عکس در آن پیداست و نگاه کردن در آبصاف اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۰- عینک زدن اگر زینت نباشد و قصد زینت هم نداشته باشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود و به قصد زینت استفاده کند جایز نیست.

مسئله ۱۱۱- در نظر کردن به آینه کفاره نیست لکن مستحب است که بعد از نگاه کردن لبیک بگوید.

مسئله ۱۱۲- اگر در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می‌افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آنرا بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

مسئله ۱۱۳- احتیاط آن است که به آینه نگاه نکند اگر چه برای زینت نباشد.

نهم: پوشیدن موزه و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می‌گیرد.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱۱۴- این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانع ندارد.

مسئله ۱۱۵- اگر مرد محتاج شود به پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد احتیاط واجب آن است که روی آن را شکاف دهد.

مسئله ۱۱۶- در پوشیدن آنچه روی پا را می‌گیرد احوط ثبوت کفاره گوسفند است.

ص: ۴۶

دهم: فسوق است، و آن اختصاص به دروغ گفتن ندارد، بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن نیز فسوق است خواه موجب نقص دیگران باشد یا نباشد، و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند، و مستحب است چیزی کفاره بدهد و اگر گاو ذبح کند بهتر است.

یازدهم: جدال است، و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۱۷- آنکه گفتن کلمه «لا» و کلمه «بلی» و در سایر لغات مرادف آن مثل «نه» و «آری» دخالتی در جدال ندارد یعنی تحقق جدال با مرادف لا و بلی در سایر لغات مشکل است، و قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا ردّ غیر، جدال است.

مسأله ۱۱۸- قسم اگر به لفظ «الله» باشد یا مرادف آن مثل «خدا» در زبان فارسی جدال است، و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

مسأله ۱۱۹- احتیاط واجب الحاق سایر اسماء الله است به لفظ جلاله، پس اگر کسی قسم بخورد به رحمان و رحیم و خالق سماوات و ارض، جدال محسوب می‌شود به احتیاط واجب، در صورتی که مشتمل بر کلمه لا و بلی باشد.

مسأله ۱۲۰- در مقام ضرورت برای اثبات حقی یا ابطال باطلی جایز است قسم بخورد به جلاله و غیر آن.

ص: ۴۷

مسأله ۱۲۱- اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه چیزی بر او نیست مگر استغفار، و در سه مرتبه كفاره باید بدهد، و كفاره آن يك گوسفند است.

مسأله ۱۲۲- اگر در جدال دروغگو باشد در مرتبه اول باید يك گوسفند و بنا بر احتیاط واجب در مرتبه دوم يك گاو و در مرتبه سوم يك شتر كفاره بدهد و احتیاط كامل استجابی آن است كه در مرتبه دوم و سوم جمع كند بین كفاره ذكر شده و يك گوسفند.

مسأله ۱۲۳- اگر در جدال به دروغ در دفعه اول يك گوسفند كفاره ذبح كند بعید نیست كه اگر بعد از آن جدال كند به دروغ كفاره آن يك گاو باشد.

مسأله ۱۲۴- اگر در جدال به دروغ دو مرتبه جدال كرد و يك گاو ذبح كرد برای كفاره و بعد يك مرتبه دیگر جدال كرد به دروغ، بعید نیست كفاره اش شتر باشد. و اگر بعد از ذبح گاو دو مرتبه دروغ گفت و جدال كرد بعید نیست دو شتر كفاره آن باشد.

مسأله ۱۲۵- اگر به راست جدال كرد بیشتر از سه مرتبه هر چند مرتبه باشد يك گوسفند كفاره است مگر آنكه بعد از سه مرتبه كفاره بدهد، در اینصورت اگر سه مرتبه دیگر جدال كند به راست ثبوت كفاره محل اشكال است.

مسأله ۱۲۶- اگر به دروغ ده مرتبه یا بیشتر جدال كند كفاره يك شتر است ظاهراً، مگر آنكه پس از سه مرتبه یا زیادت، كفاره را ذبح

ص: ۴۸

کند که در اینصورت بعید نیست که برای هر جدال اضافی یک بدنه واجب باشد. دوازدهم: کشتن جانورانی که در بدن انسان یا حیوان ساکن می‌شوند مثل شپش و کک و کنه که در بدن حیوان است. و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۲۷- جایز نیست انداختن شپش را از بدن. و در غیر شپش احتیاط واجب در نیانداختن است.

مسأله ۱۲۸- جایز نیست نقل کردن آنرا از مکانی که محفوظ است به جایی که از آن ساقط شود و بیفتد و در غیر شپش احتیاط واجب در عدم نقل است و احتیاط آن است که به محلی که در معرض آن است که بیفتد نقل ندهد.

مسأله ۱۲۹- احتیاط مستحب آن است که آنرا از محلی به محل دیگر از بدن نقل ندهند اگر مکان اول محفوظتر باشد.

مسأله ۱۳۰- بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن کفاره نباشد، لکن احتیاطاً یک کف از طعام صدقه بدهد. و این احتیاط در شپش ترک نشود.

سیزدهم: انگشتر به دست کردن به جهت زینت و اگر برای استحباب باشد مانع ندارد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۳۱- اگر انگشتر به دست کند نه برای زینت و نه برای

ص: ۴۹

استحباب مثل آنکه برای خاصیتی به دست کند اشکال ندارد.

مسئله ۱۳۲- احتیاط واجب آن است که مُحرم «حنا» برای زینت نبندد بلکه اگر زینت باشد ولو قصد نکند، احتیاط در ترک است.

مسئله ۱۳۳- اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانع ندارد، ولی احتیاط خوب است.

مسئله ۱۳۴- انگشتر به دست کردن و حنا بستن کفاره ندارد.

چهاردهم: پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۱۳۵- اگر زیور زینت باشد احتیاط واجب آن است که ترک کند هر چند قصد تزئین نداشته باشد.

مسئله ۱۳۶- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام، اگر قصد زینت به آنها را نداشته باشد لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.

مسئله ۱۳۷- زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن نباید به مرد نشان دهد حتی به شوهر خود.

مسئله ۱۳۸- پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.

پانزدهم: روغن مالیدن است به بدن.

و در آن چند مسئله است:

مسئله ۱۳۹- اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگر چه بوی

ص: ۵۰

خوش در آن نباشد.

مسئله ۱۴۰- جایز نیست روغنی که بوی خوش در آن است استعمال کند پیش از احرام اگر اثرش باقی می‌ماند تا وقت احرام.

مسئله ۱۴۱- اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.

مسئله ۱۴۲- خوردن روغن مانع ندارد اگر در آن بوی خوش مثل زعفران نباشد.

مسئله ۱۴۳- اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.

مسئله ۱۴۴- اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن یک گوسفند است، اما اگر استعمال روغن مزبور به غیر طریق اکل باشد احتیاط در کفاره است.

شانزدهم: ازاله مو است از بدن خود یا غیر خود چه مُحرم باشد چه مُجَل.

و در آن چند مسئله است:

مسئله ۱۴۵- در حرمت ازاله مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.

مسئله ۱۴۶- ازاله مو اگر از روی ضرورت باشد عیب ندارد، مثل زیادی شپش و دردسر و موی چشم که اذیت می‌کند.

مسئله ۱۴۷- اگر در وقت غسل یا وضو مویی بدون قصد کننده شود اشکال ندارد.

ص: ۵۱

مسأله ۱۴۸- در ازاله مو فرقی نیست بین تراشیدن یا نوره مالیدن یا کندن یا قیچی کردن و غیر آن.

مسأله ۱۴۹- کفاره سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد به نحو تخییر یا دوازده «مد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. و «مد» یک چارک (ده سیر) است تقریباً.

مسأله ۱۵۰- اگر تراشیدن از روی ضرورت نباشد احتیاط واجب آن است که یک گوسفند کفاره بدهد، بلکه تعیین گوسفند در اینصورت بعید نیست.

مسأله ۱۵۱- اگر از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند، باید یک گوسفند ذبح کند برای کفاره، و احتیاط آن است که اگر از زیر یک بغل هم ازاله مو کند سه فقیر را اطعام کند.

مسأله ۱۵۲- احتیاط واجب آن است که اگر موی سر را ازاله کند به غیر تراشیدن کفاره تراشیدن را بدهد.

مسأله ۱۵۳- اگر در غیر حال وضو یا غسل دست بکشد به سر یا ریش خود و یک مو یا بیشتر بیفتد احتیاط آن است که یک کف طعام صدقه بدهد.

هفدهم: پوشانیدن مرد است سر خود را به هر چه او را بپوشاند.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۵۴- احتیاط واجب آن است که سر را به چیزهای غیر

ص: ۵۲

پوششی هم نپوشاند، مثل گل و حنا و دوا و پوشال و غیر اینها.

مسئله ۱۵۵- احتیاط واجب آن است که چیزی بر سر نگذارد مثل بار برای حمل که سر به آن پوشیده شود.

مسئله ۱۵۶- جایز است به بعض بدن خود، سر را بپوشاند، مثل آنکه دستها را روی سر بگذارد، لکن احتیاط در ترک است.

مسئله ۱۵۷- جایز نیست سر را زیر آب کند بلکه بنا بر احتیاط جایز نیست زیر مایع دیگری مثل گلاب و سرکه و غیر آن کند.

مسئله ۱۵۸- بنا بر اقوی در تغطیه در حکم سر است بعض سر، پس نباید بعض سر را هم بپوشاند.

مسئله ۱۵۹- گوشها ظاهراً از سر محسوب است پس نباید آنها را پوشانید.

مسئله ۱۶۰- پوشانیدن رو برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نیست، پس در وقت خواب مانعی از پوشاندن آن نیست.

مسئله ۱۶۱- گذاشتن بند خیک آب بر سر از حکم پوشش استثنا شده و مانع ندارد.

مسئله ۱۶۲- دستمالی را که برای سردرد به سر می‌بندد عیب ندارد.

مسئله ۱۶۳- گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

مسئله ۱۶۴- اگر پارچه‌ای را روی کمانی بیندازد به نحوی که بالای سر باشد و سر را زیر آن کنند برای حفظ از پشه مانع ندارد،

ص: ۵۳

و همچنین رفتن در پشه‌بند اشکال ندارد.

مسئله ۱۶۵- زیر دوش حمام رفتن برای مُحرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فرو گیرد جایز نیست.

مسئله ۱۶۶- اگر سر را شست نباید با حوله و دستمال خشک کند و بعضی سر هم در حکم همه است.

مسئله ۱۶۷- در وقت خوابیدن مرد نباید سر خود را بپوشاند، و اگر بدون التفات بپوشاند باید فوراً آنرا باز کند، و همینطور اگر از

روی فراموشی بپوشاند واجب است فوراً سر را باز کند، و مستحب است تلبیه بگوید بلکه احوط است گفتن آن.

مسئله ۱۶۸- اگر سر را بپوشاند به نحوی از انحاء، کفاره آن بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است، و احتیاط واجب کفاره است

برای پوشاندن بعضی سر.

مسئله ۱۶۹- احوط آن است که اگر مکرر سر را بپوشاند مکرر کفاره بدهد، یعنی برای هر دفعه یک گوسفند کفاره است، گرچه

تعدد کفاره معلوم نیست و به نظر بعید نمی‌آید واجب بودن.

مسئله ۱۷۰- اگر سر را بپوشاند و گوسفند را برای کفاره ذبح کرد و باز سر را بپوشاند احتیاط به کفاره دادن دوباره خیلی مطلوب

است گرچه وجوبش معلوم نیست.

مسئله ۱۷۱- کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسئله و عمد سر را بپوشاند، پس اگر از روی ندانستن مسئله یا

ص: ۵۴

غفلت و سهو و نسیان بیوشاند کفاره ندارد.

هیجدهم: پوشانیدن زن است روی خود را به نقاب و روبند و برقع.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۷۲- پوشانیدن رو را به هر چیز اگر چه چیزهای غیر متعارف باشد مثل پوشال و گل و چیزهای دیگر جایز نیست بنا بر احتیاط، و جایز نیست با بادبزن روی خود را بیوشاند.

مسأله ۱۷۳- اقوی آن است که صورت را از بینی تا چانه بیوشاند اما نسبت به قسمت بالای صورت احتیاط واجب در عدم پوشش است.

مسأله ۱۷۴- اگر دست‌های خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.

مسأله ۱۷۵- اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

مسأله ۱۷۶- واجب است برای نماز سر را بیوشاند، و مقدمتاً برای پوشانیدن سر کمی از اطراف رو را بیوشاند، لکن واجب است بعد از نماز فوراً آن را باز کند.

مسأله ۱۷۷- جایز است برای روی گرفتن از نامحرم چادر یا جامه را که به سر افکنده پایین بیندازد تا محاذی بینی، بلکه چانه، بلکه در صورت احتیاج تا گردن، و چیزی بر او نیست.

مسأله ۱۷۸- بهتر آن است که آن چیزی را که در موقع حاجت از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگر دور از رو نگه دارد که به

ص: ۵۵

صورت نچسبد، بلکه این کار احوط است.

مسأله ۱۷۹- بعضی برای دور نگه نداشتن جامه را از صورت کفاره لازم دانسته‌اند، و آن احوط است گرچه اقوی واجب نبودن آن است.

مسأله ۱۸۰- در نقاب انداختن و پوشاندن رو به هر نحو که باشد کفاره لازم نیست گرچه موافق احتیاط است.

نوزدهم: سایه قرار دادن مرد است بالای سر خود در حال سیر و راه پیمودن.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۸۱- سایه قرار دادن جایز نیست از برای مردان، و برای زن‌ها و بچه‌ها جایز است، و کفاره هم ندارد.

مسأله ۱۸۲- حرام بودن سایه قرار دادن بالای سر مختص به حال منزل طی کردن است، و اما در حالی که در محلی منزل کرد در منی باشد یا غیر آن زیر سایه رفتن مانع ندارد، و با چتر و مثل آن سایه بر سر قرار دادن مانع ندارد اگر چه در حال راه رفتن باشد پس مانع ندارد که در منی از چادر خود تا محلی که ذبح می‌کنند یا محلی که رمی جمرات می‌کنند با چتر برود گرچه احتیاط مستحب ترک است در حال راه رفتن.

مسأله ۱۸۳- فرق نیست در حرام بودن سایه قرار دادن در وقت طی کردن منزل بین آنکه در محملی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سرپوشیده باشد یا در هواپیما باشد یا زیر سقف کشتی باشد.

ص: ۵۶

مسأله ۱۸۴- در وقت طی منزل حرکت در جنب محمل و استظلالات به محمل برای ماشی (پیاده) جایز است ولی احتیاط آن است که مُحرمی که سواره است به پهلوی محمل استظلالات نکند، اگر چه جایز بودن آن خالی از قوت نیست.

مسأله ۱۸۵- کسانی که از تهران یا جای دیگر می‌خواهند به مکه مشرف شوند با هواپیما اگر نذر کنند برای احرام بستن از تهران، نذر آنها صحیح است و باید مُحرم شوند، و اگر راه دیگری نباشد جز هواپیما باید بروند به عمره مفرده، لکن برای زیر سقف بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند.

مسأله ۱۸۶- کسی که نذر کند از تهران یا جای دیگر مُحرم شود باید مُحرم شود و می‌تواند در طی طریق از راهی برود که زیر سایه قرار بگیرد یعنی زیر سایه ثابت رفتن جایز است بنابراین عبور مُحرم از زیر تونل‌ها و پل‌ها و عبور از زیر سایه درختان که سایه ثابت دارند مانع ندارد.

مسأله ۱۸۷- کسانی که می‌خواهند با هواپیما به مکه بروند و عمره مفرده انجام دهند می‌توانند با هواپیما به مدینه بروند و از آنجا بنا بر احتیاط واجب در مسجد شجره مُحرم شوند و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه بروند و یا آنکه بروند جدّه به قصد رفتن به جُحفه و در جُحفه مُحرم شوند و با اتومبیل بی روپوش بروند به مکه معظمه و اگر رفتن به جُحفه امکان نداشت می‌توانند از ادنی الحَلّ برای

ص: ۵۷

عمره مفرده مُحرَم شوند و سپس اعمال عمره مفرده را انجام دهند.

مسأله ۱۸۸- نشستن در زیر سقف در حال طی منزل در شب خلاف احتیاط است گرچه جایز بودن آن به نظر بعید نیست. بنابراین

بعید نیست جایز بودن نشستن مُحرَم در هواپیمایی که شب حرکت می‌کند.

مسأله ۱۸۹- در جایز نبودن سایه بالای سر قرار دادن فرق نیست بین سواره و پیاده.

مسأله ۱۹۰- استظلال در وقت طی منزل برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جایز است، لکن باید كفاره بدهد.

مسأله ۱۹۱- كفاره سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است چه با عذر سایه افکننده باشد چه با احتیاط بنابر اقوی.

مسأله ۱۹۲- اقوی کفایت یک گوسفند است در احرام عمره مفرده، هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد.

بیستم: بیرون آوردن خون است از بدن خود.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۱۹۳- بیرون آوردن خون از بدن دیگری مثل حجامت کردن او یا دندان او را کشیدن در حال ضرورت حرام نیست.

مسأله ۱۹۴- جایز نیست به مثل خراشیدن بدن، خون از آن بیرون آورد، و همینطور جایز نیست به مسواک نمودن، خون از بُن

دندانها بیرون آورد.

ص: ۵۸

مسأله ۱۹۵- جایز است در حال احتیاج خون بگیرد به حجامت و غیر آن، و همینطور خون دمل را بیرون آوردن در حال احتیاج و جرب را خاریدن در صورتی که موجب آزار است، اگر چه از آن خون درآید.

مسأله ۱۹۶- خون از بدن در آوردن کفاره ندارد، اگر چه بدون عذر باشد.

بیست و یکم: ناخن گرفتن.

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۱۹۷- جایز نیست بعض ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب آزار شود، مثل آنکه بعض آن افتاده باشد و بعض دیگر موجب آزار او باشد.

مسأله ۱۹۸- جایز نیست ناخن پا را هم بگیرد چنانچه جایز نیست ناخن دست را بگیرد.

مسأله ۱۹۹- فرقی نیست بین آلات ناخن گیری قیچی باشد یا چاقو یا ناخن گیر، و اقوی آن است که ازاله ناخن نکند به هیچوجه حتی به سوهان و دندان.

مسأله ۲۰۰- اگر انگشت زیادی داشته باشد جایز نیست ناخن آن را بگیرد بنا بر احتیاط واجب، و همچنین اگر دست زیادی داشته باشد احتیاط لازم آن است که ناخن آن را نگیرد.

بیست و دوم: کندن دندان است هر چند خون نیاید بنا بر احتیاط،

ص: ۵۹

و احتیاط آن است که یک گوسفند کفاره بدهد.

بیست و سوم: کندن یا بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روییده باشد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۰۱- اگر گیاهی یا درختی در منزل مُحرم روییده شده باشد بعد از آنکه منزل او شده پس اگر آن را خودش کاشته باشد جایز است آنرا بکند و یا قطع کند.

مسأله ۲۰۲- اگر گیاه یا درختی در منزل او روییده، بعد از آنکه منزل او شده، لکن خودش آنرا نکاشته باشد احتیاط آن است که آن را قطع نکند گرچه اقوی جواز است.

مسأله ۲۰۳- اگر منزلی که در آن سکونت کرده و لو نخریده باشد دارای درخت و گیاه است نباید آنرا قطع کند.

مسأله ۲۰۴- درختهای میوه و درخت خرما از این حکم بیرون است و می‌تواند میوه‌های آنها و شاخه‌هایی از آنها را که در کمیت یا کیفیت میوه تأثیر می‌گذارند قطع کند اما خود آنها را نباید قطع کند، و در گیاهها (اذخر) که گیاه معروفی است از حکم مستثنی است و قطع آن مانع ندارد.

مسأله ۲۰۵- اگر درختی را که جایز نیست کندنش، بکند احتیاط آن است که اگر بزرگ باشد یک گاو کفاره بدهد و اگر کوچک باشد یک گوسفند.

ص: ۶۰

مسئله ۲۰۶- اگر بعضی درخت را قطع کند اقوی آن است که قیمت آنرا کفاره بدهد.

مسئله ۲۰۷- در قطع گیاه‌ها کفاره نیست بجز استغفار.

مسئله ۲۰۸- جایز است که شتر خود را بگذارد که علف بخورد حتی خودش هم می‌تواند برای ناقه‌اش علف‌ها را چیده و قطع کند.

مسئله ۲۰۹- آنچه ذکر شد از قطع درخت و گیاه حرم، مختص به محرم نیست بلکه برای همه کس ثابت است.

مسئله ۲۱۰- اگر به نحو متعارف راه برود و گیاهی از راه رفتن او قطع شود اشکالی ندارد.

بیست و چهارم: جایز نیست سلاح در برداشتن مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هر چه از آلات جنگ باشد مگر برای ضرورت.

و همراه داشتن سلاح اگر بگونه‌ای باشد که عرفاً مسلح به حساب بیاید حرام است و اگر مسلح بودن صدق نکند اشکال ندارد و

دلیلی هم بر کراهت آن قائم نشده است.

«مسائل متفرقه محرّمات احرام»

مسئله ۲۱۱- اگر مُحرم در حال احرام برای سردرد دستمالی به دور سر ببندد اگر چه تمام سر را بگیرد کفاره ندارد.

مسئله ۲۱۲- آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است. بنابراین اگر ماشین از زیر پلهایی که در مسیر واقع شده

برود

ص: ۶۱

و به ناچار مُحرمین از زیر پلها عبور کنند و یا در محل بنزین در زیر سقف متوقف شود و مُحرمین زیر سقف قرار گیرند اشکالی پیدا نمی‌شود و کفاره ندارد.

مسأله ۲۱۳- شخصی که با ماشین مسقف رانندگی می‌کند باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بدهد و با تکرار پیاده و سوار شدن کفاره تکرار نمی‌شود. و همچنین در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن.

مسأله ۲۱۴- پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی داشته باشد ولی تمام روی پا را نگیرد در حال احرام مانعی ندارد.

مسأله ۲۱۵- در شب، استظلال نیست بنابراین جایز است مُحرم در شب با ماشین سقف‌دار به مکه برود ولی در هوای ابری در روز جایز نیست مگر ابر بطوری تیره باشد که استظلال‌لصدق نکند.

مسأله ۲۱۶- جایز است از جاهای دور مثل تهران با نذر مُحرم شود ولی اگر زیر سقف سفر می‌کند باید کفاره بدهد.

مسأله ۲۱۷- تزریق آمپول در حال احرام مانع ندارد ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن می‌شود تزریق نکند مگر در مورد حاجت و ضرورت.

مسأله ۲۱۸- در حرام بودن سایه بر سر قرار دادن فرق است بین سایه‌ای که با شخص حرکت کند مثل چتر و ماشین مسقف و بین سایه ثابت مثل پل و تونل و غیره بنابراین حرمت استظلال سایه ثابت را شامل نمی‌شود لذا مُحرم می‌تواند از زیر پلها و تونل‌هایی که

ص: ۶۲

در جاده‌ها هست عبور کند، ولی در حرام بودن استظلال فرقی بین اجبار و اختیار نیست.

مسأله ۲۱۹- بعد از آنکه مُحرم به منزل رسید ولو در محله‌های جدید مکه که از مسجدالحرام دور هستند می‌تواند برای رفتن به مسجدالحرام در ماشینهای مسقف سوار شود یا زیر سایه برود.

س ۱- آیا کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، در حال احرام اشکال دارد؟

ج- از مُحرمات احرام محسوب نیست.

س ۲- آیا شوهر پس از مُحل شدن می‌تواند زوجه مُحرم خود را از روی التذاذ دست بزند؟

ج- بر مرد مزبور منعی نیست، و حُرمت در زن محل اشکال است اگر چه لذت می‌برد.

س ۳- فردی که از احرام در آمده، زنش را که مُحرم است می‌بوسد اگر چه زن راضی نیست، آیا این کار نسبت به مرد و زن چه حکمی دارد؟

ج- تحقق حرمت برای هیچکدام از آنها ثابت نیست و کفاره هم بر هیچیک از آنها لازم نیست.

س ۴- صابون و بعضی از شامپوها که بویی دارند، آیا می‌شود برای بدن استعمال کرد یا خیر؟ ضمناً خیلی بوی خوشی هم ندارند.

ج- چنانچه از انواع طیب‌های مُحَرَّم (از قبیل مشک و زعفران

ص: ۶۳

و کافور و عود و عنبر) در او بکار رفته باشد استفاده از آن جایز نیست و در غیر اینصورت احتیاط واجب در ترک است.

س ۵- حمل قمقمه آب که در محفظه دوخته نگهداری می شود برای مُحرم چهصورت دارد؟

ج- حکم همیان را دارد یعنی اگر مُحرم بتواند محفظه دوخته نشده تهیه کند نمی تواند از محفظه دوخته شده استفاده کند ولی دست گرفتن آن مانع ندارد.

س ۶- در مورد نظر کردن در آینه، گاهی نگاه می کند که خود را ببیند، و گاهی برای دیدن ماشین و غیره و یا مثلاً برای علاج دردی، آیا برای مُحرم فرق می کند و یا یکسان است؟

ج- احوط، اجتناب است در همه موارد ذکر شده در سؤال، در صورتیکه ضرورتی نباشد.

س ۷- در حال احرام عده‌ای از همدیگر عکس می گیرند، و در دوربین عکاسی که آینه است و یا حالت شفاف و آینه مانندی دارد نظر می کنند، بفرمایید اشکال دارد یا خیر؟

ج- نظر در آینه صدق نمی کند و اشکال ندارد.

س ۸- آیا سوگند معمولی به حال احرام اشکال دارد، همانند سوگندهای روزمره مردم کوچه و بازار؟

ج- قسم به غیر خدا و به غیر اسماء الله از مُحَرّمات احرام نیست.

س ۹- بعضی به علت عرق سوز شدن بدن، احتیاج به پمادی

ص: ۶۴

دارند که چربی دارد، آیا مُحرم می‌تواند از این پماد به بدن خود بمالد یا خیر؟

ج- نمی‌تواند مگر در مورد ضرورت، ولی کفاره ندارد ولو در غیر مورد ضرورت، مگر آنکه بوی خوش داشته باشد، که حرام است و کفاره آن بنا بر احتیاط یک گوسفند است.

س ۱۰- در موردی که کنده شدن مو با کشیدن دست به سر و صورت کفاره دارد، آیا فرقی بین عمد و سهو و غفلت هست؟

ج- فرقی نمی‌کند به شرط آنکه دست کشیدن عمدی باشد.

س ۱۱- اگر غیر مُحرم از مُحرم، ازاله مو کند یا یکی از کارهایی که بر مُحرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج- نسبت به مُحل مطلقاً کفاره‌ای نیست و نسبت به مُحرم اگر در موقع ازاله بی‌اختیار بوده و یا اسناد ازاله به مُحرم ولو تسبیحاً محرز نباشد کفاره ندارد.

س ۱۲- مُحرم سرش تراست، اگر بخواهد صبر کند تا خودش خشک شود و وضو بگیرد آفتاب طلوع می‌کند و نمازش قضا می‌شود، آیا وظیفه‌اش تیمم است؟

ج- اگر نمی‌تواند ولو با دست سر را خشک کند، احوط جمع بین وضو با این حال و تیمم است.

س ۱۳- کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای

ص: ۶۵

عمره مفرده مُحرَم شده و اعمال خود را انجام داده است آیا اشکال دارد؟

ج- ضرر به عمره مفرده ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سرش گذاشته است باید كفاره بدهد.

س ۱۴- کسی که از تنعیم مُحرَم می‌شود استظلال برای او چه حکمی دارد؟

ج- چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، استظلال در فرض سؤال مانع ندارد.

س ۱۵- میقات عمره مفرده در خود مکه واقع شده است، آیا کسی که در آنجا برای عمره مفرده احرام بست می‌تواند در اتوبوس

سقف‌دار سوار شود یا خیر، با توجه به اینکه محل سکونت او مکه است؟

ج- در فرض مذکور مانع ندارد.

س ۱۶- افرادی که از مسجد شجره مُحرَم شدند و شبانه برای مکه حرکت نمودند ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف‌دار به

خواب رفتند و بعد از طلوع آفتاب بیدار شدند و ماشین را نگاه داشتند، آیا برای مدتی که در حال سیر در زیر سقف بودند، كفاره

دارد یا خیر، و الآن که ایستادند و می‌خواهند پیاده شوند، چه حکمی دارد؟

ج- برای مدتی که خواب بوده‌اند، یا ماشین ایستاده، كفاره واجب

ص: ۶۶

نیست، ولی اگر بعد از بیدار شدن و التفات و قبل از ایستادن ماشین، استظلال شده ولو اضطراراً، کفاره واجب است.

س ۱۷- در حال احرام وقتی ماشینهای بی سقف حرکت می کند و سفر انجام می شود، آیا پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است، در صورتی که مستلزم گذشتن از زیر سقف قسمت جلو ماشین است، چه حکمی دارد؟
ج- مانع ندارد.

س ۱۸- آیا استظلال، مربوط به سایه حاصل از تابش عمودی خورشید است یا حاصل از تابش مایل خورشید را هم شامل می شود؟
ج- فرق نمی کند.

س ۱۹- آیا استظلال، مربوط به سایه بر سر می باشد یا اگر سایه فقط بر شانه بیفتد استظلال صدق می کند؟
ج- صدق نمی کند.

س ۲۰- آیا استظلال فقط مربوط به سقف می باشد یا شامل سایه حاصل از دیوار ماشین هم می شود؟
ج- شامل نمی شود.

س ۲۱- در شهر مکه تونل‌هایی احداث کرده اند که طولش بیش از ۱۵۰۰ متر می باشد آیا بعد از احرام عمره مفرده می شود داخل آن با اتومبیل سفر کرد با علم به اینکه مسقف است؟

ص: ۶۷

ج- مانع ندارد حتی اگر خودش آن راه را اختیار کند و از زیر آن سقف برود اشکال ندارد.

س ۲۲- آیا مُحرم به محض وصول به مکه می‌تواند استظلال نماید و یا بایستی به منزل برسد و بعد از اتخاذ منزل جایز است؟

ج- مکه منزل است، و با رسیدن به آن استظلال مانع ندارد.

س ۲۳- آیا گرفتن ناخن توسط مُحرم از غیر مُحرم جایز است؟

ج- اشکال ندارد.

س ۲۴- آیا مُحرم می‌تواند ناخن مُحرم دیگر را به قصد تقصیر بگیرد یا نه؟

ج- اشکال ندارد.

س ۲۵- کندن دندان که بر مُحرم حرام است مقصود دندان خودش می‌باشد یا شامل دندان غیر هم می‌شود؟ و در تقدیر حرمت

در صورت خون آمدن است یا مطلقاً؟

ج- شامل دندان غیر نمی‌شود، هر چند خون از آن بیرون آید.

س ۲۶- آیا در حال احرام می‌توان دندانی را که شدیداً درد دارد و دکتر سفارش می‌کند که آن را بکشید، کشید، گرچه باعث

خونریزی شود؟

ج- اگر ضرورت دارد مانع ندارد، و کفاره هم ندارد.

س ۲۷- هرگاه مُحرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند آیا یک کفاره باید بدهد یا دو کفاره؟

ص: ۶۸

ج- باید دو كفاره بدهد مگر در صورت جهل و نسيان.

س ۲۸- در بين مردم معروف است كه مُحرم نبايد به كسي دستور بدهد، مثلاً نبايد به كسي بگويد يك ليوان آب يا چاي يا چيز ديگر به من بدهيد و بايد خودش بردارد، آيا اگر در حال احرام چنين درخواستي از دوست خود بكنند گناه كرده است يا نه؟ و در صورت گناه آيا كفاره هم دارد يا نه؟

ج- اشكال ندارد.

«مستحبات دخول حرم»

۱- همين كه مُحرم به حرم رسيد، پياده شده و به جهت دخول حرم غسل نمايد.

۲- از براي تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جلّ و علا- پا برهنه شده و نعلین خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد.

۳- وقت دخول حرم مقداری از علف (اذخر) گرفته آنرا بجود.

«مستحبات دخول مکه معظمه»

برای دخول مکه معظمه نیز مستحب است مکلف غسل بنماید.

و هنگامی که وارد مکه می شود با حالت تواضع وارد شود، و کسی که از راه مدینه برود از بالای مکه داخل شده و وقت بیرون آمدن از

ص: ۶۹

پایین آن بیرون آید.

«آداب دخول مسجدالحرام»

مستحب است مکلف برای دخول مسجدالحرام غسل بنماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و هنگام ورود از درب «بنی شیبه» وارد شود و گفته‌اند که باب بنی شیبه در حال کنونی مقابل باب‌السلام است بنابراین نیکو این است که شخص از باب‌السلام وارد شده و مستقیماً بیاید تا از ستونها بگذرد.

و مستحب است بر درب مسجدالحرام ایستاده، بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.»

و در روایت دیگر وارد است که نزد درب مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ السَّلَامُ»

ص: ۷۰

عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحِمِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
 وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي
 حَيًّا ثَنَاءً وَجْهِيكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ وَفَدِهِ وَزُورِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ
 وَزَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ (لَمَكَ خ. ل) كُفُوءٌ أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ
 وَرَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ
 شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقِيبِي مِنَ النَّارِ»

پس سه مرتبه می گوید:

ص: ۷۱

«اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»

پس می گوید:

«وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَأَذْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

پس داخل مسجدالحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكَي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَدَدُ بِلَدِّكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأُؤَمُّ طَاعَتَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقُدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب می کند بسوی کعبه و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ

ص: ۷۲

وَالْعَزَىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نَدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد متوجه به سوی او شود و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْشَىٰ وَاحْتَدَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلِّمْ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ.»

و در روایت معتبر وارد است که وقتی که نزدیک حجرالاسود رسیدی دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را بجا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که عمل تو را قبول کند پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما. و اگر بوسیدن ممکن نشد استلام نما، و اگر آن هم ممکن نشد اشاره به آن کن و بگو:

اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَىٰ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

ص: ۷۳

اشْهَدُ أَنْ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَيْدَهُ لَأَشْرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ يَا لَجِبْتِ وَالطَّاعُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى وَعِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ.»

و اگر نتوانی همه را بخوانی بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَيْطُ يَدِي وَفِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتُ رَغْبَتِي فَأَقْبِلْ سُبْحَتِي وَاعْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.»

«مستحبات دیگر مکه معظمه»

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است:

۱- زیاد ذکر خدا نمودن و خواندن قرآن.

۲- ختم نمودن قرآن.

۳- خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.»

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ.»

۴- نظر نمودن به کعبه و بسیار تکرار کردن آن.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نمودن؛ در اول شب سه طواف، و در آخر شب سه طواف، و پس از دخولصبح دو طواف،

ص: ۷۴

و بعد از ظهر دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال؛ یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید و اگر این مقدار نشد پنجاه و دو مرتبه و اگر آن هم میسور نشد هر مقداری که بتواند.

۷- به خانه کعبه داخل شود خصوصاً کسی که سفر اول اوست و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ.»

پس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگزارد در رکعت اول بعد از حمد، «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه و بعد از نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعْدَدَ أَوْ اسْتَعَدَّ لِفُسَادِهِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَحِمَاءَ رَفِدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّيْتُ وَتَعَبَّيْتُ وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَحِمَاءَ رَفِدِكَ وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلِمَا تُحِبُّ الْيَوْمَ رَحِمَائِي يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ وَلَا شَفَاعَةٍ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ

ص: ۷۵

وَالْإِسَاءَهِ عَلَى نَفْسِي فَإِنَّهُ لَأُحْجَّهَ لِي وَلَا عُدْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بِرَغْبَتِي وَلَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ لِإِلَهِ الْأَنْتَ.»

و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگویند پس بگویند:

«اللَّهُمَّ لَاتَجْهَدُ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ.»

بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

ص: ۷۶

فصل پنجم:**«در طواف واجب و بعضی از احکام آن»**

کسی که مُحرم شد به احرام عمره و وارد مکه معظمه شد اوّل چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است آن است که طواف بکند به دور خانه کعبه برای عمره.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۲۰- طواف عبارت است از هفت مرتبه دور خانه کعبه گردیدن به نحوی که خواهد آمد، و هر دوری را شوط می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

مسأله ۲۲۱- طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند عمره او باطل است چه عالم به مسأله باشد و چه جاهل باشد.

مسأله ۲۲۲- چنین کسی که عمره خود را باطل کرد، تا طواف و سعی و تقصیر را انجام ندهد از احرام خارج نمی‌شود.

مسأله ۲۲۳- اگر از روی سهو ترک کرد طواف را، لازم است آنرا بجا آورد هر وقت که باشد، و اگر برگشته به محل خود و نتواند

ص: ۷۷

برگردد به مکه یا مشقت داشته باشد برگشتن، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

مسئله ۲۲۴- اگر سعی را بجا آورده پیش از آنکه طواف را بجا آورد احتیاط واجب آن است که سعی را هم بجا آورد، و اگر نماز طواف را بجا آورده باید آنرا هم بعد از طواف اعاده کند.

مسئله ۲۲۵- اگر شخص مُحرم بواسطه مرض، خودش قدرت نداشته باشد که طواف کند اگر ممکن است خود او را به یک نحو ببرند و طواف دهند و بهتر است در صورت امکان به هنگام طواف پاهای او به زمین کشیده شود و اگر امکان ندارد او را بدوش بگیرند یا بر تخت بگذارند و طواف دهند و اگر آنهم ممکن نباشد باید برای او نایب بگیرند.

مسئله ۲۲۶- شخص مریض را که طواف می‌دهند باید مراعات شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است بکنند.

«در واجبات طواف»

و آن دو قسم است:

قسم اول- چیزهایی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

اول: نیت است یعنی باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد و نیز نیت کند که هفت دور طواف خانه کعبه انجام می‌دهم برای عمره مفرده.

ص: ۷۸

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۲۷- نیت را لازم نیست به زبان بیاورد و لازم نیست به قلب بگذرانند، بلکه همانکه بنا دارد این عمل را بجا آورد و با این بنا بجا آورد، کفایت می‌کند و به عبارت دیگر، نیت در عبادت و کارهای دیگر در این جهت فرق ندارد، پس همانطور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود عبادت را اگر همانطور بجا آورد با نیت بجا آورده.

مسأله ۲۲۸- باید عبادت را برای اطاعت خدا بجا آورد و در این جهت با کارهای دیگر فرق پیدا می‌کند. پس باید طواف را برای اطاعت خداوند بجا آورد.

مسأله ۲۲۹- اگر در بجا آوردن طواف یا سایر اعمال عمره که عبادی است ریا کند؛ یعنی برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و عمل خود را خوب جلوه دادن بجا آورد طواف او و همینطور هر چه را اینطور بجا آورده باطل است، و در این عمل معصیت خدا را هم کرده است.

مسأله ۲۳۰- ریا بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی‌شود.

مسأله ۲۳۱- کفایت می‌کند در صحیح بودن عمل آنکه برای خدا بیاورد یا برای اطاعت امر خدا یا برای ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب.

ص: ۷۹

مسئله ۲۳۲- اگر در عملی که برای خدا می‌آورد رضای دیگری را هم شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد عمل باطل است. دوّم: آن است که طاهر باشد از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از حدث اصغر یعنی باید با وضو باشد. و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۲۳۳- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است، چه طواف عمره باشد یا طواف نساء.

مسئله ۲۳۴- طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، لکن کسی که جنب یا حائض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود، ولی اگر غفلتاً یا نسیاناً یا جهلاً طواف مستحب کرد صحیح است.

مسئله ۲۳۵- طواف- یعنی هفت دور اطراف خانه کعبه گردیدن- مستحب است، و بلکه هر چه شخص بتواند طواف کند خوب است.

و در این طواف طهارت شرط نیست.

مسئله ۲۳۶- اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته طواف واجب کند باطل است، چه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا نسیان یا ندانستن مسئله باشد.

مسئله ۲۳۷- اگر در اثنای طواف حدث اصغر عارض شود پس اگر پس از تمام شدن دور چهارم است باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همانجا که طواف را قطع کرده تمام کند.

ص: ۸۰

مسأله ۲۳۸- اگر در فرض سابق پیش از تمام شدن دور چهارم، حدث عارض شود چنانچه بعد از گذشتن از نصف و قبل از اكمال شوط چهارم باشد احتیاط واجب آن است که تمام کند طواف را و اعاده کند، بلکه بطلان آن خالی از قوت نیست اما اگر قبل از تمامیت نصف طواف باشد اقوی بطلان طواف است.

مسأله ۲۳۹- اگر در اثنای طواف حدث اکبر مثل جنابت یا حیض عارض شود باید فوراً از مسجدالحرام بیرون رود، پس اگر پیش از نصف طواف باشد بعد از غسل باید طواف را اعاده کند ولی اگر بعد از نصف طواف و قبل از تمام شدن شوط چهارم باشد بنابر احتیاط واجب بعد از غسل طواف قبلی را کامل و بعد از نماز طواف، طواف و نماز آن را اعاده نماید و اگر بعد از شوط چهارم باشد بعد از غسل طواف را کامل کند.

مسأله ۲۴۰- اگر عذری داشته باشد از وضو و غسل، و وقت طواف تنگ شود واجب است تیمم کند بدل از وضو یا بدل از غسل.
 مسأله ۲۴۱- اگر تیمم کرد بدل از غسل، و حدث اصغر عارض شد، برای حدث اکبر لازم نیست تیمم کند، بلکه برای حدث اصغر باید تیمم کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است همان تیمم اول کافی است، لکن احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل هم بکند.

مسأله ۲۴۲- احتیاط واجب آن است که اگر امید دارد که عذرش از احکام عمره مفرده (آیت الله فاضل لنکرانی)،

ص: ۸۱

وضو یا غسل مرتفع شود صبر کند تا وقتی که وقت تنگ شود یا امیدش قطع شود.

مسئله ۲۴۳- اگر با وضو بوده و شک کند که حدث عارض شده است یا نه، بنا بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد، و همچنین اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث عارض شده.

مسئله ۲۴۴- اگر محدث به حدث اصغر یا اکبر بوده و شک کند که وضو گرفته یا نه یا غسل کرده یا نه باید در فرض اول وضو بگیرد و در فرض دوم غسل کند.

مسئله ۲۴۵- اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آنرا بجا آورده یا نه یا شک کند با غسل آنرا بجا آورده یا نه طواف اوصحیح است، لکن برای اعمال بعد باید طهارت تحصیل کند.

مسئله ۲۴۶- اگر در اثنای طواف شک کند که وضو داشته یا نه، چنانچه قبل از شروع طواف هم نمی‌داند که آیا وضو داشته یا نداشته باید طواف را رها کند و وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب طواف را تمام کند و اعاده کند خواه بعد از دور چهارم باشد یا قبل از آن. و چنانچه بداند قبل از شروع طواف وضو داشته بنا بر طهارت بگذارد و طواف را تمام کند قبل از دور چهارم باشد یا بعد از آن و اگر بداند قبل از شروع طواف وضو نداشته باید طواف را رها کند و وضو بگیرد و آنرا اعاده کند قبل از دور چهارم باشد یا بعد از آن.

ص: ۸۲

مسئله ۲۴۷- در تمامصورت‌هایی که در شك گفته شد که بنا بر طهارت بگذارد یا طوافش صحیح است، بهتر آن است که تجدید وضو کند و رجاءاً غسل بجا آورد، چون ممکن است که بعد معلوم شود وضو یا غسل نداشته و اشکال پیدا می‌شود.

مسئله ۲۴۸- اگر در اثنای طواف شك کند که غسل کرده از جنابت یا حیض یا نفاس یا نه، باید فوراً از مسجدالحرام بیرون برود، پس اگر شوط چهارم را تمام کرده بود و شك کرده، بعد از غسل برگردد و تتمه را بجا آورد، و بنا بر احتیاط واجب دوباره آنرا اعاده کند و اگر قبل از شوط چهارم شك کرده بعد از غسل طواف را اعاده کند.

مسئله ۲۴۹- اگر آب و چیزی که به آن جایز است تیمم کند موجود نباشد حکم آن حکم غیر متمکن از طواف است، پس با مایوس بودن از پیدا شدن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد. و احتیاط وجوبی آن است که اگر جنب و حائض و نفساء نیست خودش نیز طواف کند و چون مستحاضه بدون بجا آوردن غسلهایی که بر او لازم است می‌تواند وارد مسجدالحرام شود و طواف کند، بنا بر این به احتیاطی که در غیر جنب و حائض و نفساء شد باید عمل کند، گرچه دخول مسجدالحرام نیز برای او خلاف احتیاط استحبابی است.

سوم: طهارت بدن و لباس است از نجاست.

و در آن چند مسئله است:

مسئله ۲۵۰- ظاهر آن است که از نجاساتی که در نماز عفو شده

ص: ۸۳

مثل خون، کمتر از درهم و جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند، مثل عرقچین و جوراب باید اجتناب کند ولی در انگشتر و ساعت و حلقه و مانند آنها که ثوب به آنها صدق نمی‌کند طهارت شرط نیست.

مسئله ۲۵۱- در خون قروح و جروح اگر تطهیر آن مشقت داشته باشد لازم نیست تطهیر کند.

مسئله ۲۵۲- در خون قروح و جروح تا آن اندازه‌ای که می‌شود تطهیر کرد و لباس را عوض کرد لازم است تطهیر کند یا جامه را عوض کند.

مسئله ۲۵۳- احتیاط آن است که اگر می‌تواند تأخیر بیندازد طواف را، تا بشود بی‌مشقت تطهیر کرد، تأخیر بیندازد به شرطی که وقت تنگ نشود.

مسئله ۲۵۴- اگر طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شود علم پیدا کند به نجاست در حال طواف، اظهر آن است که طوافش صحیح است.

مسئله ۲۵۵- اگر شك داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می‌تواند با آن حال طواف کند، و صحیح است چه بداند که بیشتر از این پاک بوده یا نداند، لکن اگر بداند که بیشتر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است نمی‌تواند با آن حال طواف کند بلکه باید تطهیر کند و طواف کند.

مسئله ۲۵۶- اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او عارض

ص: ۸۴

شود اظهر آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همانجا تمام کند، و طواف اوصحیح است. مسأله ۲۵۷- اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که در این حال نجاست حاصل شده ظاهراً حکم مسأله هفتم را دارد.

مسأله ۲۵۸- اگر در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده، ظاهراً طوافش صحیح است اگر چه احتیاط مستحبی آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند، و از همانجا بقیه طواف را تمام کند و بعد از آن طواف را اعاده کند، و در اینصورت بعد از اتمام، نماز طواف را بخواند و پس از آن طواف را اعاده کند. و نماز طواف را نیز اعاده کند.

مسأله ۲۵۹- اگر فراموش کند نجاست را و طواف کند، احتیاط واجب اعاده است، و همینطور است اگر در بین طواف یادش بیاید، ولی اگر بعد از نماز یادش بیاید فقط نماز طواف را اعاده کند و اعاده طواف لازم نیست.

چهارم: ختنه کردن است در حق مردان و بچه‌های ممیز و این شرط در زنها نیست، و احتیاط واجب آن است که درباره بچه‌های غیر ممیز هم مراعات شود.

مسأله ۲۶۰- اگر بچه را که ختنه نشده وادار به احرام کنند یا او را مُحرم کنند احرام اوصحیح است ولی طواف اوصحیح نیست، اما

ص: ۸۵

اگر غیر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب طواف صحیح نیست، پس اگر مُحرم به احرام عمره مفرده شود چون طواف نساء او باطل است بنا بر احوط حلال شدن زن بر او مشکل می‌شود مگر آنکه او را ختنه کنند و طواف دهند یا خودش بعد از ختنه شدن طواف کند یا آنکه نایب برای او بگیرند تا طواف کند، گرچه نیابت قبل از ختنه صحیح نیست.

مسأله ۲۶۱- اگر بچه ختنه کرده به دنیا بیاید طواف او صحیح است.

پنجم: ستر عورت است، پس اگر بدون ساتر عورت طواف کند باطل است، و معتبر است در آن اباحه، پس بنا بر احتیاط واجب با ساتر غصبی طواف صحیح نیست بلکه با لباس غصبی غیر ساتر نیز بنا بر احتیاط مستحب، و احتیاط آن است که مراعات شرایط لباس نماز گزار را بنماید.

مسأله- احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف واجب بکند، یعنی در بین دوره‌های طواف آنقدر طول ندهد که از صورت یک طواف خارج شود.

قسم دوم- چیزهایی است که گفته‌اند داخل در حقیقت طواف است، گرچه بعضی از آنها نیز شرط است از برای طواف، لکن در عمل فرقی نمی‌کند، و آن هفت چیز است:

اول: آنکه ابتدا کند به حجرالاسود.

ص: ۸۶

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۶۲- آنچه که برایصحت طواف لازم است آن است که شروع و ختم طواف عند العرف از حجر و محاذی حجر باشد و می‌تواند برای یقین به حصول این معنی از باب مقدمه علمیه کمی قبل از حجرالاسود یت کند انجام طوافی را که شروعش از حجر و ختمش به حجر باشد و از همانجا دورهای طواف را آغاز و در پایان کمی پس از حجر ختم کند.

مسأله ۲۶۳- در طواف باید به همان طوری که همه مسلمین طواف می‌کنند، از محاذات «حجرالاسود» بدون دقتهایصاحبان و سوسه، شروع کنند. و در دورهای دیگر بدون توقف دور بزنند تا هفت دور تمام شود.

مسأله ۲۶۴- گاهی دیده می‌شود که اشخاص نادان در هر دوری که می‌زنند می‌ایستند و عقب و جلو می‌روند که محاذات را درست کنند، و این موجب اشکال است و گاهی حرام است.

دوم: ختم نمودن هر دوری است به حجرالاسود و این حاصل می‌شود به اینکه بدون توقف، هفت دور را ختم کند به طوری که عرفاً بگویند به حجر ختم کرده است و لازم نیست در هر دوری بایستد و باز شروع کند، و کارهای جهال را نباید بکنند.

سوم: آنکه در طواف کردن، خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.

ص: ۸۷

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۶۵- لازم نیست در تمام حالات طواف خانه را حقیقتاً بشانه چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل علیه السلام خانه از طرف چپ قدری خارج شود مانع ندارد، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود لکن دور زدن به نحو متعارف باشد اشکال ندارد.

مسأله ۲۶۶- اگر در موقع رسیدن به گوشه‌های خانه شانه از محاذات کعبه خارج شود هیچ اشکالی ندارد اگر بطور متعارف دور زند، حتی اگر خانه متمایل به پشت شود.

مسأله ۲۶۷- گاهی دیده می‌شود که بعضی از نادانان برای احتیاط، دیگری را وادار می‌کنند که او را طواف دهد و خود طواف کننده اختیار را از خود سلب می‌کند، و به دست دیگری می‌دهد و تکیه به دست او می‌دهد و او را آن شخص دیگر با فشار دور می‌دهد، این طواف باطل است، و اگر طواف نساء را اینطور بجا آورد زنها یا مردها بر او حرام خواهند بود.

مسأله ۲۶۸- احتیاط به اینکه خانه در تمام حالات طواف حقیقتاً به طرف چپ باشد گرچه خیلی ضعیف است و قابل اعتنا نیست و باید اشخاص جاهل و اهل وسوسه از آن احتراز کنند و به همان ترتیب که سایر مسلمین دور می‌زنند دور بزنند، لکن اگر شخص عاقل عالمی بخواهد احتیاط کند و قدری شانه را چپ کند در موقع رسیدن

ص: ۸۸

به حجر اسماعیل یا ارکان کعبه بطوریکه خلاف متعارف و خلاف تقیه نباشد و موجب انگشت نمایی نشود مانع ندارد، گرچه احتیاط در ترک آن است.

مسأله ۲۶۹- اگر بواسطه مزاحمت طواف کنندگان مقداری از دور زدن به خلاف متعارف شد مثل آنکه روی طواف کننده به کعبه واقع شد یا پشتش واقع شد و یا عقب عقب طواف کرد باید آن مقدار را جبران کند و از سر بگیرد.

مسأله ۲۷۰- اگر بواسطه کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود، بردند و دور دادند کفایت نمی‌کند و باید آن دور را از سر بگیرد، اگر چه خانه هم طرف چپ او بوده.

مسأله ۲۷۱- در طواف کردن هر طور برود مانع ندارد، می‌تواند آهسته برود و می‌تواند تند برود و می‌تواند بدود و می‌تواند سواره طواف کند یا با دوچرخه طواف کند، لکن بهتر آن است که بطور میانه‌روی برود.

جهارم: داخل کردن حجر اسماعیل علیه السلام است در طواف، و حجر اسماعیل محلی است که متصل به خانه کعبه است، و باید طواف کننده دور حجر اسماعیل نیز بگردد.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۷۲- اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است، و باید اعاده کند.

ص: ۸۹

مسأله ۲۷۳- اگر عمداً اینکار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد که گذشت.

مسأله ۲۷۴- اگر سهواً اینکار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

مسأله ۲۷۵- اگر در بعضی از دورها، حجر اسماعیل را داخل در دور زدن نکرد اظهر آن است که آن دور را از سر بگیرد، و اعاده طواف لازم نیست.

مسأله ۲۷۶- اگر کسی در بعضی از دورها از روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام برود، احتیاط آن است که به دستور مسأله چهارم عمل کند، و در این فرض نیز به احتیاط واجب کفایت نمی‌کند تمام کردن دور را از آنجایی که از روی دیوار رفته است. پنجم: بودن طواف است بین خانه کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام از همه اطراف.

و در اینجا چند مسأله است:

مسأله ۲۷۷- مراد از اینکه طواف بین کعبه و مقام باشد آن است که ملاحظه شود مسافتی را که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است و در همه اطراف خانه کعبه طواف کننده از آن مقدار دورتر نباشد از خانه کعبه (و ما بین مقام و خانه چنانچه گفته‌اند تقریباً بیست و شش ذراع و نصف است) پس در همه اطراف باید همینقدر بیشتر دور نباشد.

مسأله ۲۷۸- اگر شخص از پشت مقام ابراهیم طواف کند که مقام

ص: ۹۰

ابراهیم هم داخل طوافش شود، طوافش باطل است و باید اعاده کند.

مسئله ۲۷۹- اگر بعضی از دورها راز پشت مقام طواف کند باید آن دور را با اعاده همان جزء تمام کند و احوط آن است که طواف را هم اعاده کند اگر چه ظاهراً اعاده لازم نباشد، بلکه بعید نیست کفایت اعاده همان جزء.

مسئله ۲۸۰- در طرف حجر اسماعیل علیه السلام محل طواف تنگ نمی شود زیرا در هیچ روایتی به آن اشاره نشده بنا بر این حدّ مطاف در طرف حجر اسماعیل علیه السلام از دیوار حجر تقریباً ۲۶/۵ ذراع است مانند سایر اطراف کعبه.

ششم: خروج طواف کننده است از خانه و آنچه از آن محسوب است.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۲۸۱- در اطراف دیوار خانه یک پیش آمدگی است که آنرا «شاذروان» گویند، و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آنرا هم داخل قرار دهد.

مسئله ۲۸۲- اگر کسی در بعضی از احوال بواسطه کثرت جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است، و باید آن را اعاده کند.

مسئله ۲۸۳- دست به دیوار خانه کعبه گذاشتن در آنجایی که

ص: ۹۱

شاذروان است بنا بر احتیاط واجب جایز نیست، و به طواف ضرر می‌رساند و باید همان قسمت را اعاده کند.

مسئله ۲۸۴- در حال طواف دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام بنا بر احتیاط واجب جایز نیست و به طواف ضرر می‌رساند و باید همان قسمت را اعاده کند.

هفتم: آنکه هفت شوط یعنی هفت دفعه دور بزند نه کمتر و نه زیادت.

و در اینجا چند مسئله است:

مسئله ۲۸۵- اگر از روی عمد، طواف کننده از اول قصد کند کمتر از هفت دور بجا آورد و یا بیشتر بجا آورد طوافش باطل است اگر چه به هفت دور تمام کند، و احتیاط واجب آن است که اگر از روی ندانستن حکم بلکه از روی سهو و غفلت باشد طواف را اعاده کند.

مسئله ۲۸۶- اگر در اثنای طواف از قصد هفت دور آوردن برگردد به قصد زیادت‌تر آوردن یا کمتر آوردن، از آنجا که این قصد را کرده بنا بر احتیاط اصل طواف باطل و هر چه به این قصد عمل کرده باطل است و باید اعاده کند، و اگر با این قصد زیادت‌تر آورد اصل طواف باطل می‌شود.

مسئله ۲۸۷- اگر از اول قصد کند که هشت دور بجا آورد لکن قصدش آن باشد که هفت دور آن طواف واجب باشد و یک دور قدم زدن دور خانه برای تبرک یا مقصد دیگر باشد طواف او صحیح است.

ص: ۹۲

مسأله ۲۸۸- اگر گمان کند که یک دور نیز مستحب است همانطور که هفت دور واجب است و قصد کند که هفت دور واجب را بیاورد و یکدور مستحب هم دنبال آن بیاورد طواف اوصحیح است.

مسأله ۲۸۹- اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به خیال آنکه یک دور نیز مستحبی جداگانه است هشت دور بجا آورد طوافش صحیح است.

مسأله ۲۹۰- اگر کم کند از طواف واجب، چه یکدور یا کمتر یا بیشتر از یکدور، از روی عمد واجب است آنرا اتمام کند، و اگر نکند حکمش حکم کسی است که طواف را عمداً ترک کرده- که در مسائل فصل قبل گذشت- به احتیاط واجب، و حکم جاهل به مسأله حکم عالم است.

مسأله ۲۹۱- اگر بعد از کم کردن از طواف کارهای بسیاری کند که موالات فوت شود حکمش حکم قطع طواف است که می آید.

مسأله ۲۹۲- اگر سهواً از طواف کم کند پس اگر تجاوز از نصف کرده باشد اقوی آن است که از همانجا تمام کند طواف را در صورتی که فعل کثیر نکرده باشد، والا احتیاط مستحب اتمام و اعاده است، در جایی که فعل کثیر انجام داده باشد.

مسأله ۲۹۳- اگر سهواً کم کرده و تجاوز از نصف نکرده، طواف را اعاده نماید، لکن احتیاط استجبایی به تمام کردن طواف ناقص و اعاده آن است.

ص: ۹۳

مسئله ۲۹۴- اگر متذکر نشود که ناقص کرده است طواف را مگر بعد از مراجعت به وطن خود احتیاط آن است که خودش برگردد و اگر نتوانست یا مشکل بود مراجعت، نایب بگیرد، و چون بین اجزای طواف فاصله زیاد شده و موالات بهم خورده احتیاط استحبابی در اتمام و اعاده است.

مسئله ۲۹۵- در طواف واجب، قران جایز نیست بلکه موجب باطل شدن طواف می‌شود، یعنی جایز نیست طواف واجب را با طواف دیگر دنبال هم آورد بدون آنکه بین دو طواف، نماز طواف فاصله شود، و در طواف مستحب مکروه است.

مسئله ۲۹۶- اگر زیاد کند دوری را یا کمتر یا بیشتر از دور بر طواف و قصدش آن باشد که زیاده را جزء طواف دیگر قرار دهد، داخل در قران میان دو طواف است که حرام است.

مسئله ۲۹۷- در فرض سابق اگر از اول قصد داشته یا در اثنای طواف قصد زیاده کرده باشد احتیاط واجب آن است که طواف اول را اعاده کند، و اگر بعد از تمام شدن، قصد بجا آوردن طواف دیگر برای او حادث شد و به دنبال طواف اول، زیاده را آورد اقویصحت طواف اول است، و احوط اعاده است.

مسئله ۲۹۸- اگر سهواً زیاد کند بر هفت دور پس اگر کمتر از یک دور است، قطع کند آن را و طوافش صحیح است، و اگر یک دور یا زیادتر است احوط آن است که هفت دور دیگر را تمام کند به قصد

ص: ۹۴

قربت بدون تعیین مستحب یا واجب و دو رکعت نماز قبل از سعی و بنا بر احتیاط واجب دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد بدون آنکه تعیین کند برای طواف اول یا طواف دوم است.

مسئله ۲۹۹- جایز است قطع طواف نافله را بدون عذر و اقوی جواز قطع طواف واجب است بدون عذر و به مجرد خواهش نفس، و بهتر قطع نکردن آن است، به این معنی که قطع نکند به طوری که ترک بقیه را کند تا موالات عرفیه بهم بخورد.

مسئله ۳۰۰- اگر بدون عذر طواف را قطع کرد احوط آن است که اگر چهار دور بجا آورده باشد طواف را تمام کند و بعد اعاده کند، و این در صورتی است که منافی بجا آورده باشد حتی مثل زیاد فاصله دادن که موالات عرفیه بهم بخورد.

مسئله ۳۰۱- اگر طواف را قطع کند و منافی بجا نیاورده باشد اگر برگردد و تمام کند طوافش صحیح است.

مسئله ۳۰۲- اگر در بین طواف عذری برای اتمام آن پیدا شد مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار، پس اگر بعد از تمام شدن چهار دور بوده بعد از رفع عذر برگردد و از همانجا تمام کند و اگر قبل از رسیدن به نصف طواف بوده طواف را اعاده کند و اگر از نصف گذشته و قبل از اتمام شوط رابع بوده احتیاط واجب آن است که بعد از رفع عذر طواف را تمام کند و بعد از نماز آن را اعاده کند.

ص: ۹۵

مسأله ۳۰۳- اگر شخصی که بخاطر مرض طواف را قطع کرده نتوانست بجا آورد تا آنکه وقت تنگ شد اگر ممکن است او را حمل کنند و طواف دهند، و اگر ممکن نیست نایب برای او بگیرند و بنابر احتیاط واجب نایب باید همه طواف را انجام دهد.

مسأله ۳۰۴- اگر مشغول طواف است و وقت نماز واجب تنگ شود واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، پس اگر بعد از چهار دور رها کرد از همانجا طواف را تمام کند، والا اعاده کند.

مسأله ۳۰۵- جایز است بلکه مستحب است قطع کند طواف را برای رسیدن به نماز جماعت یا رسیدن به وقت فضیلت نماز واجب، و از هر جا قطع کرد از همانجا بعد از نماز اتمام کند، و احتیاط آن است که به دستور مسأله ۲۰ عمل کند، و سزاوار نیست این احتیاط ترک شود.

مسأله ۳۰۶- اگر بعد از تمام شدن طواف و انصراف از آن شک کند که آیا طواف را زیاده‌تر از هفت دور بجا آورده یا نه یا شک کند کمتر بجا آورده یا نه در صورت اول اعتنا نکند و طوافش صحیح است ولی در صورت دوم اگر داخل در نماز طواف نشده عدم اعتنا به شک خالی از اشکال نیست لذا نباید احتیاط ترک شود.

مسأله ۳۰۷- اگر بعد از طواف شک کند که صحیح بجا آورده آن را یا نه مثلاً احتمال بدهد که از طرف راست طواف کرده یا مُحدث بوده یا از داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرده اعتنا نکند، و طوافش

ص: ۹۶

صحیح است اگر چه باز در محل طواف باشد و از آنجا منصرف نشده یا مشغول کارهای دیگر نشده باشد، در صورتی که هفت دور بودن معلوم باشد بی زیاده و نقیصه.

مسأله ۳۰۸- اگر در آخر دور که به حجرالاسود ختم شد شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا زیادتر، اعتنا به شک نکند و طوافش صحیح است.

مسأله ۳۰۹- اگر قبل از رسیدن به حجرالاسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می‌زند دور هفتم است یا هشتم طوافش باطل است.

مسأله ۳۱۰- اگر در آخر دور یا اثنای آن شک کند میان شش و هفت و هرچه پای نقیصه در کار است، طواف او باطل است.

مسأله ۳۱۱- اگر در طواف مستحب شک کند در عدد دورها، بنا بر اقل گذارد و طوافش صحیح است، اما در طواف واجب باطل است.

مسأله ۳۱۲- شخص کثیر الشک در عدد دورها اعتنا به شکش نکند و احتیاط آن است که کسی را وادار کند که عدد را حفظ کند.

مسأله ۳۱۳- گمان در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

مسأله ۳۱۴- اگر مشغول سعی بینصفا و مروه شد و یادش آمد که طواف بجا نیاورده باید رها کند و طواف کند و پس از آن سعی را اعاده کند.

مسأله ۳۱۵- اگر در حال سعی یادش آمد که طواف را ناقص بجا

ص: ۹۷

آورده باید برگردد و طواف را از همانجا که ناقص کرده تکمیل کند و برگردد تتمه سعی را بجا آورد و طواف و سعیش صحیح است، لکن احتیاط واجب آن است که اگر کمتر از چهار دور بجا آورده طواف را تمام کند و اعاده نماید، و سعی را در این فرض اعاده نماید و همچنین اگر سعی را کمتر از چهار بار انجام داده تمام کند و اعاده کند.

مسأله ۳۱۶- اگر سهواً یا غفلتاً یا جهلاً طواف را بی‌وضو بجا آورد طوافش باطل است، و همینطور اگر با حال جنابت یا حیض و نفاس بجا آورد.

مسأله ۳۱۷- اگر کسی مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خودش نیز قصد طواف کند طواف هر دو صحیح است.

مسأله ۳۱۸- در حال طواف تکلم کردن و خنده نمودن و شعر خواندن اشکال ندارد لکن کراهت دارد و مستحب است در حال طواف مشغول دعا و ذکر خدا و تلاوت قرآن باشد.

مسأله ۳۱۹- واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده طرف جلو باشد بلکه جایز است به یمن و یسار نگاه کند و صفحه صورت را برگرداند، بلکه به عقب نگاه کند و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

مسأله ۳۲۰- جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همانجا اتمام کند، ولی نباید

ص: ۹۸

آنقدر طول دهد که موالات عرفیه بهم بخورد، و اگر آن قدر نشست که موالات عرفیه بهم خورد احتیاط آن است که اتمام کند و اعاده نماید.

«مسائل متفرقه طواف»

مسئله ۳۲۱- در طواف در مقابل حجر اسماعیل باید طوری حرکت کند که طواف بیت، صادق باشد و به نحو متعارف باشد و مخفی نماند که حجر اسماعیل از بیت نیست هر چند باید در خارج آن طواف کرد.

مسئله ۳۲۲- در صورت امکان ولو در وقت خلوت باید طواف در حد بین مقام ابراهیم و خانه که مسافت بیست و شش ذراع و نیم است باشد و دورتر از آن حد کفایت نمی‌کند؛ یعنی با ورود به مسجدالحرام اگر بخاطر جمعیت زیاد نتواند در مطاف طواف کند باید منتظر بماند تا خلوت شود گرچه انتظار به شب یا روزهای بعد بیانجامد، و در صورت عدم امکان ولو در وقت خلوت، طواف در خارج حد مزبور مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

مسئله ۳۲۳- هرگاه در طواف خانه خدا مثلاً در چند قدم از طواف اشکالی پیش آمد مثل اینکه او را بی اختیار بردند، همان چند قدم را باید از سر بگیرد، و اگر از حجرالاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد. ولی اگر قبل از اصلاح و تدارک آن چند قدم به طواف

ص: ۹۹

ادامه دهد، آن چند قدم و هرچه از آن شوط بعد از آن انجام داده باطل است.

مسأله ۳۲۴- اگر در طواف بی‌اختیار او را ببرند، اعاده آن مقدر لازم است و باید طواف را صحیح انجام دهد و خودش به اختیار طواف کند و چنانچه ممکن نیست باید در وقت خلوت طواف نماید ولی باید دانست که منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود بلکه در اینصورت اگر قدمها را به اختیار خود برمی‌دارد ضرر ندارد و طواف صحیح است.

مسأله ۳۲۵- اگر در حال طواف در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به اینصورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، شخص را مقداری جلو ببرند باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده، اعاده شود و اگر نمی‌تواند برگردد با جمعیت بدون قصد طواف برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا تدارک نماید.

مسأله ۳۲۶- اگر طواف کننده در حال طواف، پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش اشکال پیدا نمی‌کند.

مسأله ۳۲۷- اگر کسی پس از انجام اعمال عمره فهمید که در طواف عمره چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل دور زده، عمره او صحیح است و بنابر احتیاط واجب آن چند شوط را اعاده کند و پس از آن اصل طواف را هم اعاده کند.

ص: ۱۰۰

س ۱- جوان ۱۷ ساله غیر مختون، که به تشخیص شورای پزشکی ختنه برای او خطر دارد، مُحرم شده برای عمره مفرده آیا تکلیف او نسبت به اعمال عمره و طواف چیست؟

ج- باید خودش طواف کند و نایب هم بگیرد برای طواف و بعد از طواف خودش یک نماز بخواند و بعد از طواف نایبش نیز، خودش نماز دیگر بخواند، و در صورتی که دو طواف باهم انجام شود یا با فاصله اندکی که به مبادرت و موالات بین طواف و نماز لطمه وارد نشود هر دو طواف تمام بشوند و بعد از هر دو طواف خودش یک نماز بخواند کفایت می‌کند.

س ۲- اگر در اثنای طواف، نماز جماعت برقرار شد و شخص از ادامه طواف معذور شد تکلیف چیست، و اگر در اثنای سعی باشد وظیفه چیست؟

ج- اگر بعد از شوط چهارم طواف یا سعی قطع شده، از همان جایی که قطع شده طواف یا سعی را تمام کند. و اگر قبل از شوط چهارم طواف بوده و فصل طویل شده طواف را از سر بگیرد، هر چند احتیاط آن است که طواف را اتمام و پس از خواندن نماز آن، طواف را اعاده کند و نماز طواف دیگری بخواند، و در سعی نیز احتیاط در اتمام و اعاده است.

س ۳- کسی که بعد از تقصیر در عمره متوجه شود که وضوی او باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف کرده و نماز طواف

ص: ۱۰۱

خواننده است، وظیفه او چیست؟

ج- طواف و نماز را اعاده کند و بنابر احتیاط سعی را نیز اعاده کند و عمره اوصحیح است.

س ۴- شخصی در حال طواف، کعبه را بوسیده و احتمال می‌دهد که در آن حال چند قدم راه هم رفته باشد، فعلاً وظیفه او چیست و البته این شک بعد از عمل برای او حادث شده است؟

ج- طواف اوصحیح است.

س ۵- اگر در اثنای طواف شک در صحت شوط سابق یا جزئی از شوطی که مشغول است و محل آن گذشته است بکند چه حکمی دارد؟

ج- اگر مسأله را می‌دانسته و می‌خواسته است عملصحیح را انجام دهد، یعنی غافل نبوده، طوافصحیح است و در غیر اینصورت باطل است.

س ۶- اگر طواف یا سعی یا نماز طواف در عمره به جهتی باطل شده باشد و شخص بدون توجه به آن، تقصیر نموده باشد و لباس پوشیده و بعد متوجه شده که عمل مزبور باطل بوده است وظیفه او چیست و کفاره دارد یا نه؟

ج- باید عمل باطل شده را جبران کند و اگر طوافش باطل بوده احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و ظاهر این است که از احرام خارج شده و کفاره ندارد.

ص: ۱۰۲

س ۷- کسی در شوط ششم طواف، نجاستی در بدن دیده و یقین کرده که از شوطهای قبل این نجاست در بدن او بوده است، بدون توجه به مسأله، طواف را تکمیل کرده و بعداً بدن را تطهیر نموده و طواف را اعاده کرده است و عمره را تمام کرده است، آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج- اگر طواف دوم به قصد ما فی الذمه «اعم از اتمام و اعاده» و به عنوان مقدمه علمیه برای یقین به براءت ذمه بوده باشد صحیح است در غیر اینصورت احتیاطاً باید نقص طواف قبلی را تکمیل و نماز آنرا بخواند و سپس طواف و نماز و سعی را اعاده کند و ظاهر این است که از احرام خارج شده و با اتمام طواف و نماز طواف مذکور عمل صحیح است.

س ۸- کسی در اثنای طواف آن را قطع کرده و از اول شروع کرده است آیا طواف او صحیح است یا خیر؟ و چنانچه اعمال مترتبه و تقصیر را انجام داده وظیفه او چیست؟

ج- اگر بعد از دور چهارم بوده به احتیاط واجب آن را تمام کند و بعد یک طواف دیگر بجا آورد و اگر قبل از دور چهارم بوده در فرض سؤال باید یک طواف دیگر بجا آورد، و با فرض جهل، ظاهر این است که اعمال مترتب صحیح و از احرام خارج شده است.

س ۹- کسی در شوط آخر مُحدث شده است و بدون طهارت شوط را اتمام کرده و بعد وضو گرفته و طواف را اعاده نموده است

ص: ۱۰۳

و نماز و سعی و تقصیر را انجام داده است، آیا صحیح است و وظیفه او چیست؟

ج- باید قسمتی از طواف را که بی وضو انجام داده با وضو بجا آورد و بعد از آن نماز طواف بخواند و سپس احتیاطاً سعی را اعاده کند مگر آنکه طواف دوم را به قصد ما فی الذمه «اعم از اتمام و اعاده» انجام داده باشد.

س ۱۰- کسی توهّم کرده است که در طواف، مقداری در اثر فشار جمعیت برده شده ولی برای او جزمی نیست، و چون نمی‌توانسته برگردد و تدارک کند، بقیه شوط تا محلّ تدارک را به قصد احتیاط و رجاء انجام می‌دهد که اگر شوط او باطل است زیادی لغو باشد و اگر شوط او صحیح است زیاده از طواف باشد و بعد بقیه اشواط طواف را بجا آورده و این شوط را به حساب نیاورده است، آیا این طواف صحیح است یا خیر؟

ج- صحیح نیست.

س ۱۱- کسی در وقت طواف شک در اشواط پیدا کرد و چون گمانش به یک طرف بیشتر بود، بنا را بر آن طرف گذاشت و بعد از انجام اعمال یقین بهصحت طواف خود پیدا کرد آیا طواف او صحیح است؟

ج- صحیح است.

س ۱۲- کسی در شوط چهارم از حجرالاسود تا اول حجر

ص: ۱۰۴

اسماعیل را پیمود و فکر کرده است که چون اول شوط چهارم نیت جدا در این شوط نداشته باید این قسمت شوط را اعاده کند لذا بقیه شوط را بدون نیت رفته، و از حجرالاسود به قصد شوط چهارم طواف کرده است، آیا اشکالی در طواف حاصل می‌شود؟
ج- اشکال دارد.

س ۱۳- کسانی در طواف بعد از انجام مقداری از آن، آن را رها می‌کنند و بلافاصله از نو شروع می‌کنند، طواف آنها چه صورت دارد؟

ج- اشکال دارد و اگر بعد از شوط چهارم طواف بوده بنابر احتیاط واجب باید آن را اتمام کنند و نماز بخوانند و دو مرتبه طواف و نماز آن را اعاده نمایند.

س ۱۴- درباره اشخاصی که قادر به طواف نیستند آیا نایب گرفته شود یا خودشان در تخت روان طواف داده شوند، با در نظر گرفتن اینکه متصدیان وسیله نامبرده، در خارج محدوده مطاف طواف می‌دهند؟

ج- احتیاطاً هر دو را انجام دهند. اگر چه طواف دادن در خارج مطاف کفایت می‌کند.

س ۱۵- شخصی در حال طواف اشتباهاً به قصد طواف وارد حجر اسماعیل علیه السلام می‌شود و بعد که متوجه شد برمی‌گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل می‌نماید، آیا طوافش صحیح است یا نه؟

ص: ۱۰۵

ج- اشکال دارد. بلی، اگر پس از تذکر در حجر اسماعیل از حجرالاسود شوط فاسد را اتیان می‌کرد طوافش اشکال نداشت ولی بهتر آن است که طواف و نماز را اعاده کند.

س ۱۶- اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز شک کند که شوط چندم و یا رکعت چندم است، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد، بعد به یک طرف شک یقین کند، و اعمال را تمام نماید، آیا عملش به نحوی که ذکر شد صحیح است؟

ج- اگر طواف یا سعی را در حال شک ادامه داد و بعد یقین به صحت پیدا کرد اشکال ندارد، و طواف و سعی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی محل اشکال است، و احوط اعاده آن است.

س ۱۷- زنی با شوهرش که یک دور طواف را انجام داده بود، نیت طواف کرد، و با او ادامه داد و بعد از شوط آخر مرد که شوط ششم زن است، او بجای اینکه یک شوط دیگر بیاورد تا طوافش کامل شود، طواف را از سر گرفت، آیا طواف اول و دوم زن چگونه است؟

ج- باطل است و باید طواف و نماز را اعاده کند.

س ۱۸- در مطاف چیزهایی از افراد می‌افتد از قبیل ساعت، احرامی و غیره، و کسانی که طواف می‌کنند پا روی آن می‌گذارند، آیا برای طواف ضرر ندارد و موجب بطلان آن نمی‌شود؟

ج- موجب بطلان طواف نمی‌شود.

ص: ۱۰۶

س ۱۹- اگر انسان می‌داند که پا گذاشتن روی احرامی دیگران موجب اذیت و عدم رضایت او می‌گردد، آیا این عدم رضایت او به طواف ضرر ندارد؟

ج- به طواف ضرر نمی‌زند.

س ۲۰- شخصی طواف را از حجرالاسود شروع کرد، و در هر شوط به رکن یمانی که می‌رسید نیت ختم می‌کرد و از حجرالاسود نیت شوط بعد را می‌نمود و هفت شوط طواف را اینگونه تمام کرد به گمان اینکه ختم طواف و اشواط آن باید در رکن یمانی باشد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- این طواف اشکال دارد، و باید اعاده شود.

س ۲۱- گاهی مأمورین نظافت مسجدالحرام از کنار کعبه دست به دست هم می‌دهند و همان طور توسعه می‌دهند تا انسان از مَطاف خارج می‌شود، آیا به همین مقدار بیرون کردن از مَطاف، ضرورت حاصل است که طوافش در خارج از مَطاف صحیح باشد یا باید صبر کند تا نظافت تمام شود، و اگر افرادی گمان می‌کردند که ضرورت است و طواف را انجام دادند حال تکلیفشان چیست؟

ج- اگر امکان دارد که در حد، طواف کند باید صبر کند و در حد طواف کند، و در اینصورت طواف در خارج حد صحیح نیست. و افرادی که به طریق مذکور عمل کرده‌اند اگر از روی جهل بوده اعمال مترتبه بر طواف صحیح واقع شده و از احرام خارج شده‌اند اما

ص: ۱۰۷

طواف و نماز آن را باید اعاده کنند و بنابر احتیاط سعی را هم اعاده کنند و اگر کیفیت مزبور در طواف نساء واقع شده باشد زن بر آنها حلال نشده است.

س ۲۲- کسی که از اول بلوغ، سال خمسی برای خود قرار نداده است، اگر به عمره مشرف شود و با همان پول که دارد احرامی تهیه و مصارف در عمره بکند آیا برای عمره او ضرر ندارد؟

ج- اگر پول او از درآمد کسب و حقوق است و معلوم نیست که ربح بین سال است، بدون تخمیس حکم غصب را دارد که بنابر احتیاط واجب طوافصحیح نیست.

س ۲۳- شخصی که با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن مُحرم شده، و طواف و نماز بجا آورد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره اوصحیح است، ولی در صورتی که جاهل مقصر باشد بنابر احتیاط واجب باید طواف و نماز را اعاده کند.

س ۲۴- اگر با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است یا نه لباس احرام بخرد آیا لازم است خمس آن را بدهد و اگر نداد طواف با آن چه صورت دارد؟

ج- با فرض شک لازم نیست خمس بدهد و طوافصحیح است هر چند احتیاط مطلوب است.

س ۲۵- شخصی در سال گذشته که عمره خود را انجام

ص: ۱۰۸

می‌داده، تنها نماز طواف را به گمان اینکه کفایت می‌کند بدون طواف، انجام داده است و سپس باقی اعمال را انجام داده، آیا چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- با فرض اینکه طواف عمره را از روی جهل به مسأله ترک کرده و به محلس برگشته است باید طواف و نماز را اعاده کند و سعی را نیز بنا بر احتیاط واجب بعد از آن انجام دهد.

س ۲۶- تعدادی مشغول طواف عمره بودند، که شروع کردند مسجد را نظافت کنند، ناچار طواف کننده‌ها از مطاف خارج شدند، مدتی طول کشید خیال کردند موالات عرفیه بهم خورده است، طواف را از سر گرفته‌اند، بفرمایید در صورتی که بهم خوردن موالات مشکوک باشد، طوافشان درست است یا نه؟

ج- اشکال دارد.

س ۲۷- کسی که وظیفه‌اس اتمام و اعاده طواف است، اتمام کرد و مشغول اعاده بود که دوباره در یکی از شوطها طواف قطع شد مثل اول، آیا این طواف را نیز باید اتمام و اعاده نماید؟

ج- فرقی نیست.

س ۲۸- شخصی در حال طواف افتاد و غش کرد و چند ساعت بعد به هوش آمد، آیا می‌تواند از همان جا که طواف را قطع کرده بود شروع کند و باقی اعمال را ادامه دهد یا نه؟

ج- اگر قبل از شوط چهارم و قبل از رسیدن به نصف طواف

ص: ۱۰۹

بوده، وضو بگیرد و طواف را اعاده کند. و اگر از نصف گذشت و قبل از اتمام شوط رابع چنین عذری واقع شد احتیاط واجب آن است که بعد از رفع عذر طواف را تمام کند و بعد از نماز آن را اعاده کند، و اگر بعد از شوط چهارم بوده باید وضو بگیرد و طواف را اتمام کند.

س ۲۹- آیا بعض شوطهای طواف و سعی برای کسانی که قادر نباشند خودشان انجام دهند، قابل نیابت است یا نه؟

ج- باید آنها را با تخت و امثال آن طواف دهند اگر ممکن نباشد بنا بر احتیاط واجب در همه طواف نیابت انجام شود.

س ۳۰- اگر جمعیت زیاد باشد بطوریکه عده‌ای از ضعفا نتوانند در مَطاف طواف کنند، آیا توسعه در مَطاف هست؟ و نیز خلف مقام که یا نمی‌شود نماز خواند و یا مصادف با اذیت طواف کنندگان است و اطمینان از تمام کردن نماز مخصوصاً برای ضعفا نیست، نماز خواندن در دورتر چه حکمی دارد؟ و آیا شخصی که وارد مکه شد می‌تواند فوراً به اعمال طواف و نماز هر جور که ممکن باشد مشغول شود یا باید در حال احرام بماند تا مَطاف خلوت شود؟

ج- اگر می‌توانند ولو در وقت خلوت در مَطاف طواف کنند باید در حد آن طواف نمایند، و نماز خواندن در مکان دور در مورد ضرورت مانع ندارد، و صبر لازم نیست.

س ۳۱- شخصی در اثنای طواف، مُحدث شده و خجالت کشیده بگوید و با همین حالت اعمال را تمام کرده و به ایران

ص: ۱۱۰

بازگشته، مستدعی است بفرماید:

۱- عمره اش چه صورت دارد؟

۲- اگر اعاده لازم است، آیا می‌تواند نایب بگیرد یا باید شخصاً انجام دهد؟

ج- اگر با اعتقاد صحت، اعمال را اتمام کرده عمره اش صحیح است و نسبت به اتمام یا اعاده طواف باید به تفصیلی که در مسأله ۵ و ۶ در شرط دوم فصل پنجم بیان شده است عمل نمایند و اگر کار او عمدی بوده یا با تردید و عدم اعتقاد به صحت انجام شده در بعضی از صور آنصحت عمره مشکل است.

س ۳۲- ما در شب، ساعت ۹ از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کردیم، در نزدیکی اذان صبح به کعبه رسیدیم، و چون زائران قبلی مشغول نماز صبح بودند سرپرست کاروان از ما تقاضا کرد مقدار کمی صبر کنیم تا پس از نماز ما را طواف دهد، ولی در این مهلت به علت خستگی زیاد چند بار من خوابم برد چون آب در دسترس خود نمی‌دیدم و جایی را نمی‌شناختم، تیمم کردم و طواف و نماز آن را انجام دادم، آیا عمل عمره من با این توصیف صحیح است یا نه؟

ج- با اینکه برای شما امکان داشته که وضو بگیرید ولو به این نحو که به منزل بروید و مثلاً برای روز بعد اعمال را انجام دهید، تیمم صحیح نبوده است، و اگر عمل شما با اعتقاد به صحت بوده از

ص: ۱۱۱

احرام خارج شده‌اید و باید طواف‌ها و نماز آنها را اعاده کنید و احتیاطاً سعی را نیز اعاده نمایید، و اگر خودتان نمی‌توانید بروید باید نایب بگیرید.

س ۳۳- اگر کسی قبل از حجرالاسود طواف را شروع نمود و به همانجا ختم کرد، آیا طوافش باطل است؟
ج- بلی، طواف باطل است.

س ۳۴- اگر در هنگام خروج از مطاف، بعد از پایان هفت شوط مقداری مسافت را به قصد جزئیت بجا بیاورد، آیا مُبطل طواف است؟

ج- اگر عمدی باشد مُبطل است، و در صورت سهو قطع کند، و طوافش صحیح است.

س ۳۵- شخصی بیش از چهار شوط از طواف انجام نداد، و بدون اینکه نماز طواف را بخواند سعی را شروع کرد و یکی دو شوط از سعی را انجام نداده تقصیر نمود و از احرام خارج شد، تکلیف او چیست؟

ج- اگر این شخص قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عملش باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند. و اگر قصد هفت شوط را هم در ابتدا داشته و عمداً یا با جهل تقصیری طواف را به این کیفیت انجام داده باشد باطل است و باید تمام اعمال را اعاده کند.

ص: ۱۱۲

س ۳۶- کسی نتوانسته است بیش از دو شوط از طواف خود را انجام دهد، و بقیه اشواط را دیگری به جای او انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج- با فرض بقای عذر و عدم امکان طواف دادن او نیابتصحیح است ولی بنا بر احتیاط واجب باید در همه طواف نیابت گرفته شود.
س ۳۷- آیا می‌شود قبل از شوط چهارم، طواف را بدون عذر بهم زد و آن را کأن لم یکن دانست، و یا مانند نماز قطع کردن آن جایز نیست؟

ج- قطع مانع ندارد، ولی قبل از فوات موالات نمی‌توان آن را از سر گرفت.

س ۳۸- کسی که از طواف حتی در خارج مطاف عاجز است و بخاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای او مشکل است، آیا طواف نیابی در محدوده از او کفایت نمی‌کند؟

ج- اگر از طواف با تخت روان نیز معذور یا برایش حرجی باشد نایب بگیرد.

س ۳۹- اگر کسی یک شوط طواف را از درون حجر بجا آورده و بقیه اعمال را انجام داده است تکلیف او چیست؟

ج- باید یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند و بنا بر احتیاط واجب سعی را نیز اعاده کند و اگر با اعتقاد صحت بوده بقیه

ص: ۱۱۳

اعمال صحیح است.

س ۴۰- در مواردی که شخص شك در اشواط کند حکم به بطلان طواف می‌فرماید، حالا اگر کسی تجدید طواف نمود و در این میان کشف شد که طواف اول شش شوط داشته، و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده است، تکلیف او چیست؟
ج- طواف دوم محکوم بهصحّت است همان را به اتمام رساند.

س ۴۱- بعضی به تصوّر اینکه طواف ۱۴ دور است با این کیفیت طواف انجام داده‌اند، آیا مُخل به طواف است؟
ج- اگر به قصد ۱۴ شوط طواف کرده، طوافش باطل است.

س ۴۲- اگر کسی طواف عمره را فراموش کرد و یا آنرا ناقص انجام داد تکلیف چیست؟ و آیا انجام و یا متمیم آن فوریت دارد؟
ج- در صورت اول باید قضا کند و بنابر احتیاط سعی را نیز بعد از آن بجا آورد و در صورت دوم چنانچه بیش از چهار شوط انجام داده طوافش را تکمیل کند و احتیاطاً سعی را نیز اعاده کند و اگر کمتر از نصف طواف را انجام داده طواف و سعی را اعاده کند و اگر کمتر از چهار شوط و بیشتر از نصف طواف را انجام داده احتیاط واجب آن است که تکمیل کند و سپس طواف و نماز و سعی را اعاده کند.

س ۴۳- شخصی طواف خود را انجام داده است و بعداً دو شوط طواف رجاءاً برای جبران نقص احتمالی بجا می‌آورد، آیا این عمل خللی به طواف او می‌رساند؟

ص: ۱۱۴

ج- ضرر ندارد، ولی جبران نقص نمی‌کند.

س ۴۴- شخصی در دور پنجم طواف عذری برایش پیش آمد، آیا بعداً باید همین طواف را تکمیل کند، یا طواف دیگری انجام دهد؟

ج- باید همین طواف را تکمیل کند و احتیاطاً سعی را اعاده کند.

س ۴۵- شخصی در حین طواف، اندکی خون در بینی خود می‌بیند و آن را با دستمال پاک می‌کند و طواف خود را تمام می‌نماید، آیا این طواف صحیح است؟

ج- اگر بینی او نجس شده باید بینی خود را آب بکشد و در صورتیکه با تطهیر موالات بهم نخورده باشد طواف را تکمیل کند و چنانکه با تطهیر موالات بهم خورده باشد اگر قبل از نصف طواف باشد طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از نصف طواف و قبل از چهار شوط باشد بنا بر احتیاط واجب آنرا تمام کند و پس از نماز طواف دوباره طواف و نماز را اعاده کند و اگر بعد از چهار شوط باشد پس از تطهیر آنرا تکمیل کند و همچنین است اگر دستمال نجس یا متنجس همراه او بوده باشد.

س ۴۶- شخصی در شوط دوم طواف شک می‌کند که آیا طواف را به نیت منوب عنه یا به نیت خود آغاز کرده است، وظیفه او چیست؟

ج- باید طواف را رها کند و صبر کند تا موالات عرفیه بهم بخورد

ص: ۱۱۵

و بعد اعاده کند ولی بهتر است طواف را بهمان نیتی که بوده تمام کند و بعد از نماز آنرا اعاده کند.

س ۴۷- شخصی در اثنای طواف بر اثر فشار جمعیت چند گام به جلو رانده شده است، پس از آن به جای اینکه همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورده، که مجموعاً هفت شوط تمام و یک شوط ناقص می‌شود، آیا این طواف صحیح است؟
ج- طواف او اشکال دارد و باید آن را اعاده کند.

س ۴۸- شخصی بر اثر شلوغی، مقداری از طواف را در خارج مَطاف انجام داد، و بعد نیز بقیه اعمال را انجام داده است، تکلیف او چیست؟

ج- اگر ممکن نبوده ولو در وقت دیگر که در حد، طواف کند اشکال ندارد، و گرنه باید طواف و نماز اعاده شود و احتیاطاً سعی را نیز اعاده نماید.

س ۴۹- کسی که وظیفه او وضوی جبیره‌ای و تیمم است اما از روی جهل، بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، وظیفه او چیست؟

ج- طواف و نماز آن و احتیاطاً سعی را باید اعاده کند.

س ۵۰- شخصی شوط اول طواف را خارج از مَطاف و به قصد طواف انجام داده، بعد متوجه شده است که طواف باید در محدوده معینی باشد، لذا مجدداً طواف را در مَطاف آغاز نموده و بعد از طواف

ص: ۱۱۶

اعمال دیگر را انجام داده است، آیا اشکال دارد؟

ج- مانع ندارد.

س ۵۱- کسی که اشتبهاً طواف را از رکن یمانی شروع و به همانجا ختم کرده و نماز طواف را خوانده و پس از آن متوجه شده، حکمش چیست؟ و چنانچه در اثنای طواف متوجه شد و طوافش را به حجرا لاسود ختم کرد، مقدار زیادی، مُضر به طوافش می‌باشد یا خیر؟

ج- طواف و نماز را باید اعاده کند، و فرقی بین دو صورت نیست.

س ۵۲- کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد که مقداری از طوافش را بدون اختیار انجام می‌دهد، یعنی جمعیت او را می‌برند، آیا می‌تواند از اوّل نسبت به آن مقداری که جمعیت او را می‌برند نیز قصد طواف کند و آن مقدار را مثل طواف سواره حساب کند؟

ج- باید طواف را شروع کند، و اگر در اثناء بدون اختیار او را بردند همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه دهد.

س ۵۳- مواردی که باید احتیاطاً طواف را تمام کند و نماز طواف بخواند و طواف را با نمازش اعاده کند آیا اگر یک طواف به قصد اعم از تمام و اتمام (یعنی چنانچه آن مقدار انجام شده، باطل بوده تمام هفت شوط را قصد طواف داشته باشد، و چنانچه صحیح بوده به متمم آن قصد طواف داشته باشد) انجام دهد و دو رکعت

ص: ۱۱۷

نماز بخواند، کافی است یا خیر؟

ج- این عمل صحیح است.

س ۵۴- شخصی در عمره بعد از تقصیر فهمید طواف و سعیش باطل بوده مجدداً طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، آیا مجزی و صحیح است یا نه؟ و در فرض مذکور آیا باید تقصیر را هم تکرار کند یا نه؟

ج- طواف و سعی او صحیح است، و اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است.

س ۵۵- شخصی چند متری از یک شوط را خراب کرده است و چون دقیقاً اول و آخر آن معلوم نیست، یک شوط کامل از حجرالاسود شروع و به آنجا ختم می‌کند به قصد اینکه آنچه خراب شده به نحو صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه علمیه باشد، آیا این طواف صحیح است؟

ج- صحیح است، مگر بعد از خراب شدن آن قسمت طواف را ادامه داده باشد که در این صورت تصویری دارد که در بعضی از آنها اقوی بطلان است.

س ۵۶- کسی که به حدود مَطاف آگاهی ندارد، بعد از فراغ از طواف شک می‌کند که در مَطاف بوده است یا نه، آیا طواف صحیح است یا نه؟

ج- اگر از اول در مَطاف بود و شک در خارج شدن دارد، طوافش

ص: ۱۱۸

صحیح است. و اگر از اول شک دارد، با جهل مذکور در سؤال نمی‌تواند به طواف مزبور اکتفا کند.

س ۵۷- شخصی در شوط اول طواف بود که نماز جماعت شروع شد، طواف را قطع می‌کند و مشغول نماز می‌شود و پس از نماز،

طواف را از سر می‌گیرد و هفت شوط کامل بجا می‌آورد، آیا طواف اوصحیح است؟

ج- اگر موالات عرفیه بهم خورده طواف دوّمصحیح است والا باطل است و باید اعاده کند.

س ۵۸- شخصی با علم به حرمت تماس با بدن زن در حین طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس می‌نماید و از این تماس ملتذذ

می‌گردد، آیا طواف او اشکال پیدا می‌کند یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- مضر به طواف نیست. اما اگر موجب انزال شود طواف باطل است و کفّاره هم دارد.

س ۵۹- اگر کسی طواف را فراموش کند یا باطل انجام دهد، آیا می‌تواند در ماههای بعد انجام دهد؟

ج- مانع ندارد.

س ۶۰- شخصی شوط اول طواف را در حالی که ناقص بوده رها می‌کند و پس از آن شش شوط دیگر بجا می‌آورد و بعد از آن

نقیصه شوط اول را بجا می‌آورد، آیا طواف اوصحیح است؟

ص: ۱۱۹

ج- اگر هنوز موالات عرفیه بهم نخورده باید نقصان شوط اول را جبران و اتمام کند و بنابر احتیاط اعاده هم بکند.

س ۶۱- اگر کسی در عدد اشواط طواف و سعی به دیگری اعتماد کند کافی است؟

ج- اگر اطمینان به عدد پیدا کند مانع ندارد.

س ۶۲- شخصی به علت مریضی یا مسن بودن، در دور اول طواف خسته شده و از مطاف بیرون آمد و بعد از کمی استراحت از

همانجا که طواف را قطع نموده بود شروع می‌کند، آیا چون به دور چهارم نرسیده است طوافش چه حکمی دارد؟

ج- اگر موالات بهم نخورده صحیح است.

س ۶۳- آیا واجب است برای درک خلوتی مطاف و طواف در محدوده بیت و مقام، طواف را تأخیر بیندازد یا مستحب است یا

رجحان دارد؟

ج- در صورت امکان طواف در حد، ولو در وقت خلوت، باید در حد طواف کند ولو با تأخیر، گرچه به شب یا روزهای بعد برسد.

س ۶۴- آیا مُحرم قبل از انجام طواف واجب خود، چه طواف عمره و چه طواف نساء، می‌تواند همین طوافها را برای معذور نیابت

کند؟

ج- مانع ندارد.

س ۶۵- شخصی در طواف عمره در اثر فشار احساس می‌کند

ص: ۱۲۰

که لنگِ احرامش تر و نجس شده ولی اعتنا نمی‌کند و با همان حال طواف را تمام می‌کند و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام می‌دهد و به منزل می‌رود، بعد از بررسی می‌بیند مقداری نجاست خارج شده و احرامش را آلوده کرده است، یقین پیدا می‌کند که در همان حال طواف چنین شده است، بعد از مراجعت به وطن به او می‌گویند باطل است، مستدعی است حکم الله را با توجه به اینکه نماز و سعی را هم با همان حال انجام داده درباره این شخص بفرمایید، و اگر اعمالش باطل باشد آیا هنوز در حال احرام است یا خیر؟

ج- اگر در حال طواف، شبهه داشته و یقین نداشته که نجس شده و وضوی او باطل شده، از احرام خارج شده است، و فقط باید طواف و نماز و احتیاطاً سعی را اعاده کند هر چند بعد از اعمال یقین پیدا کرده باشد.

س ۶۶- آیا یقین به هل خوردن در حین طواف، مصداق عدم امکان طواف در محدوده معین و مجوز برای تجاوز به غیر این محدوده می‌شود یا خیر؟

ج- شامل نیست.

س ۶۷- شخصی غسل مس میت به گردنش بوده ولی بعد از اعمال عمره متذکر می‌شود، وظیفه او چیست؟

ج- اگر بعد از مس میت غسل جنابت کرده باشد- چون جنب هم بوده یا بعداً جنب شده- غسل جنابت کفایت می‌کند و عملش

ص: ۱۲۱

صحیح است، والا باید طواف و نماز آن و احتیاطاً سعی را اعاده کند.

س ۶۸- مُحَرَّمی است که مبتلا به خروج ریح است، یعنی مرتب ریح از او جدا می‌شود، و در عرض سال شاید یکی دو ماه فی‌الجمله تخفیف پیدا می‌کند، ولی نوعاً به فاصله یکی دو دقیقه وضویش باطل می‌شود، تکلیف چنین شخصی در طواف و نماز چیست؟ چند وضو باید بگیرد؟

ج- حکم مبطون را دارد، و علی‌ای حال چنانچه نتواند در اثنای طواف وضو بگیرد یا حرجی باشد اکتفا به یک وضو برای طواف کافی است، ولی اگر بتواند ولو با حمل آب در اثنای طواف وضو بگیرد واجب است تجدید وضو کند، و بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد و همچنین است حکم در نماز طواف.

س ۶۹- مدتی است که به علت ابتلای به بیماری و در اثر عمل جراحی هنگام خروج مدفوع احساس نمی‌کنم و از کیسه مخصوصی استفاده می‌کنم، ولی چون به امید خدا تصمیم دارم خانه خدا را زیارت کنم، مستدعی است در رابطه با انجام مراسم عمره تکلیف شرعی بنده را مرقوم فرمایید؟

ج- اگر در طواف و نماز آن، رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارید بنمایید، عمل عمره شما صحیح است. لکن بنا بر احتیاط واجب باید نایب هم بگیرید.

س ۷۰- شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلاً

ص: ۱۲۲

کیسه‌ای بسته است که بول او قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد، لکن نه از مجرای بول بلکه از موضع جراحی که در پهلوی اوست، آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟

ج- حکم مسلوس را دارد.

س ۷۱- کسی نیت طواف را در دل گذرانده و به قصد طواف حرکت می‌کند، مقداری که می‌آید گمان می‌کند نیت طواف را باید به زبان بگوید، لذا برمی‌گردد و نیت را به زبان می‌گوید و طواف را از نو شروع می‌کند، آیا طوافش صحیح است یا خیر؟

ج- اشکال دارد.

س ۷۲- به خاطر اهمیت زیادی که در اعمال و اداء مناسک داده می‌شود، و بخصوص در طوافها و نماز آن، غالباً یک عملی را به عنوان احتیاط و رجاء چندین بار بجا می‌آورند ولو اینکه عمل نزد خودشان نقصی ندارد، البته به حد و سواس هم نمی‌رسد، آیا این گونه تکرار در اعمال، اشکالی دارد؟

ج- و سواس همین است، و نباید به وسوسه اعتنا شود، و در تکرار طواف و سعی در برخی از صور موجب بطلان است اگر چه بدون وسواس هم باشد، بلی انجام عمل احتیاطی بدون وسوسه مانع ندارد.

س ۷۳- کسی که به جهتی طواف یا سعیش قطع می‌شود و به جلو می‌رود، می‌خواهد از همان جا که قطع شده شروع کند ولی در

ص: ۱۲۳

اثر ازدحام نمی‌تواند خود را به آنجا برساند و در مُحاذی آنجا به طرف چپ یا راست قرار می‌گیرد، آیا می‌تواند از مُحاذی جایی که قطع شده شروع کند، یا باید همان نقطه باشد؟

ج- لازم نیست همان نقطه باشد، بلکه مُحاذات کافی است، و باید طواف تکمیل شود.

س ۷۴- قران که در طواف حرام است آیا طواف را باطل می‌کند یا خیر؟

ج- اگر از اوّل یا در اثنای طواف اوّل، قصد قران داشته احتیاط در اعاده طواف است، و اگر بعد از تمام شدن طواف اوّل قصد قران کرده طواف باطل نمی‌شود.

س ۷۵- آیا یک شوط و دو شوط طواف هم استحباب دارد، یا باید طواف هفت شوط باشد، و اگر کسی گمان داشت که مستحب است و بعد از هفت شوط طواف واجب، یکی دو شوط طواف مستحبی بجا آورد و بعد نماز طواف را خواند، آیا طوافش اشکالی دارد؟

ج- استحباب آن ثابت نیست، ولی طواف مزبور صحیح است.

س ۷۶- معیار در کثیرالشک بودن در طواف چیست؟

ج- عرفی است.

س ۷۷- طواف کردن در محدوده ۲۶/۵ ذراع، و نماز خواندن پشت مقام هر چه نزدیکتر به مقام، آن طوری که در مناسک بیان

ص: ۱۲۴

شده است، گویی نزد آنان بدعت است، آیا باید همان گونه که آنان در خارج از حد طواف می‌کنند و دور از مقام نماز می‌خوانند انجام شود؟

ج- چنین چیزی نیست، و باید به وظیفه عمل شود.

س ۷۸- اینکه فرموده‌اید در بعضی موارد باید طواف و سعی را اتمام و اعاده کند، بفرمایید که ترتیب هم لازم است یا نه؟

ج- بلی، احتیاط به این است که قبلاً اتمام کند طواف را و نماز بخواند، و سپس اعاده نماید.

س ۷۹- کسی که در سعی یا طواف عمره مفرده، نیاز به نایب پیدا کرده است، آیا نایب باید در حالی که مُحرم است، نیابت کند یا

خیر؟ بر فرض عدم لزوم احرام آیا باید با لباس احرام طواف کند یا در لباس مَخیط هم جایز است؟

ج- در فرض سؤال هیچیک از احرام یا لباس در نایب لزوم ندارد.

س ۸۰- شخصی مسلوس است، برای طواف و نماز آن، وظیفه او چیست؟

ج- اگر وقتی دارد که بتواند طواف را با وضو و نماز را با وضو انجام دهد باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و

بدن پاک بجا آورد و بقیه اعمال را بعد از آن اتیان نماید، و اگر چنین وقتی ندارد در صورتی که مشقت نداشته باشد برای هر بار

که حدث

ص: ۱۲۵

از اوصاف شود یک وضو بگیرد و اگر مشقت دارد برای طواف یک وضو و برای نماز هم یک وضو بگیرد، و بنا بر احتیاط واجب نایب هم بگیرد.

س ۸۱- آیا در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود لازم است با لباس احرام باشد؟

ج- لازم نیست.

س ۸۲- هرگاه مُحرم لباس احرام را کنار بگذارد و با لباس دوخته اعمال عمره را از طواف و سعی انجام دهد، جهلاً یا عمدتاً، آیا طواف و سعی اوصحیح است؟ و عمره او مجزی است یا نه؟

ج- طواف و سعی مزبور صحیح، و عمره مذکور مجزی است.

س ۸۳- هرگاه مُحرم به احرام عمره جنب باشد و آب برای او ضرر دارد یا آب ندارد، آیا طواف و نماز با تیمم کافی و مجزی است؟

یا باید نایب هم بگیرد؟

ج- نایب گرفتن لازم نیست.

س ۸۴- شخصی در عمره طواف را تمام کرده است، ولی می‌گوید دلچسب نشد لذا یک طواف دیگر بدون خواندن نماز طواف اول بجا می‌آورد و نماز و سعی بجا می‌آورد و تقصیر می‌کند، آیا عملش صحیح است یا نه؟

ج- عمل اوصحیح است.

س ۸۵- اکل و شرب در حال طواف جایز است یا نه؟

ص: ۱۲۶

ج- مانع ندارد.

س ۸۶- کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می‌کند، و ممکن است در این حال گامی به طرف جلو بردارد و در این حال توجه به طواف ندارد، در نتیجه نمی‌داند که آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- باید آن مقدار را احتیاطاً تدارک کند.

س ۸۷- کودک نابالغی با اذن پدر مُحرم شد و طواف را نیمه کاره به تصوّر اینکه همین مقدار کافی است رها کرده و سعی را نیز از طبقه دوّم انجام داده است، تکلیف چیست؟

ج- اگر از اوّل قصد هفت شوط نداشته، طواف او باطل است و باید طواف و نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

س ۸۸- کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرد و نتوانست که ادامه دهد، و دیگری بجای او بقیه را بجا آورد، ولیکن نماز طواف را خودش خوانده و بعداً متوجه شده است که استراحت در خلال طواف، به طواف ضرر نمی‌رساند و او با استراحت می‌توانست خودش طواف خود را تمام نماید، اکنون تکلیف او چیست؟

ج- بقیه طواف را تمام کند و نماز را اعاده نماید.

س ۸۹- شخصی طواف خود را بهم می‌زند و طواف دوّم را شروع می‌کند، آن را نیز بهم می‌زند و طواف سوّم را آغاز کرده به

ص: ۱۲۷

اتمام می‌رساند، وظیفه او چیست؟

ج- اشکال دارد و باید طواف را اعاده کند ولی اگر بعد از قطع طواف دو مصبر کند تا موالات عرفیه بهم بخورد و سپس طواف سوّم را شروع کند و به اتمام برساند طواف سوّم صحیح است.

س ۹۰- اگر شخصی رکن مستجار (رکن یمانی) را یقین کرد که رکن حجرالاسود است، لذا طواف را از مستجار به عنوان حجرالاسود شروع کرد و هفت شوط کامل بجا آورد، بعداً فهمید که یقین او خطا بوده است، تکلیف او چیست؟

ج- طواف مزبور باطل است، و باید تدارک شود.

س ۹۱- گاهی انسان شک می‌کند که این شوط طوافم بهم خورد یا نه، آیا می‌شود بعد از طواف یک شوط هم به عنوان احتیاط، اضافه بر هفت شوط آورد و بعد نماز بخواند یا خیر؟

ج- به وسوسه نباید اعتنا کرد، و اگر قسمتی از طواف اشکال پیدا کند همان قسمت باید تصحیح شود، و ادامه بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، موجب اشکال در طواف می‌شود، و با آوردن یک شوط بعد از طواف احتیاطاً اشکال رفع نمی‌شود.

س ۹۲- شخص در حالی که مشغول طواف است در شوط پنجم یقین کرد که ۵ متر در شوط اوّل و ۵ متر در شوط سوّم بی‌اختیار طواف کرده است، تکلیف او چیست؟

ج- باید از همانجایی که در شوط اوّل طواف را خراب کرده

ص: ۱۲۸

طواف را تصحیح و اتمام و احتیاطاً اعاده هم بکند و اگر موالات عرفیه بهم خورده ظاهراً همان اعاده کافی است.

س ۹۳- شرایطی که در طواف واجب، لازم الرعایه است آیا در طواف مستحبی نیز معتبر است یا نه؟

ج- ظاهر آن است که آنچه در مناسک استثناء نکرده معتبر است.

س ۹۴- آیا در طوافهای مستحبی هم ختنه شرط است یا نه؟

ج- بلی شرط است.

س ۹۵- مُحرم وارد مکه شد، آیا می‌تواند قبل از اعمال عمره طواف مستحبی بجا آورد یا خیر؟ و اگر بجا آورد به عمره اش ضرر

می‌زند یا نه؟

ج- احوط ترک طواف مستحبی است در فرض سؤال، ولی به عمره ضرر نمی‌زند.

س ۹۶- آیا می‌شود هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنین بجا آورد، یا باید مجموع هفت شوط را برای یک نفر بجا

آورد؟

ج- نیابت در یک شوط صحیح نیست، ولی می‌تواند مجموع را به نیت چند نفر انجام دهد.

س ۹۷- آیا جایز است طواف مستحبی را خارج از حد طواف واجب بجا آورد یا نه؟

ص: ۱۲۹

ج- جایز نیست مگر در مورد ضرورت.

س ۹۸- آیا طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد که باید نماز آن خلف مقام باشد یا حکم طواف استحبابی را دارد و در هر جای مسجد الحرام می‌توان نماز آنرا خواند؟

ج- حکم طواف واجب را دارد و باید نماز آن، خلف مقام باشد.

«آداب و مستحبات طواف»

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى ظُلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا.»

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِيْرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُعَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي.»

ص: ۱۳۰

وصلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه می‌رسد. و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ فَفَيْرُكَ مَسِيرُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَّيْتُ دَقَّ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبِيدُ عِبِيدُكَ وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتَقْنِي وَوَالِدِي وَأَهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ.»

و وقتی به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَعِافِيَّتِي مِنَ السُّقْمِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ.»

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعَفُهُ لِي وَتَقَبَّلَهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.»

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

ص: ۱۳۱

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَجَعَلَ عَلَيْنَا إِمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ لَه خِيَارَ خَلْقِكَ وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ.»

و چون میان رکن یمانی و حجرالاسود برسد بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.»

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ.»

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که انشاءالله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْحُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَأَعْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.»

و آنچه خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالاسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي.»

ص: ۱۳۲

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه کعبه و حجرالاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِيَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ.»

ص: ۱۳۳

فصل ششم:

«در نماز طواف است»

و در آن مسائلی است:

مسأله ۳۲۸- واجب است بعد از تمام شدن طواف عمره دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح.

مسأله ۳۲۹- می‌تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که خواست بخواند مگر سوره‌های سجده، و مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد» سوره «قل هو الله احد» را بخواند، و در رکعت دوم سوره «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

مسأله ۳۳۰- جایز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

مسأله ۳۳۱- شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است، و باید اعاده کند و ظن در افعال و رکعات نماز حجت است. و در احکام، این نماز با نماز یومیه مساوی است.

مسأله ۳۳۲- اقوی آن است که بعد از طواف مبادرت به نماز کند و زود بجا آورد.

مسأله ۳۳۳- واجب است که این نماز نزد مقام ابراهیم واقع شود.

ص: ۱۳۴

و اظهر آن است که پشت مقام بجا آورد که سنگی که مقام است بین او و خانه کعبه واقع شود، و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیک‌تر بایستد، لکن نه بطوری که مزاحمت با سایرین کند.

مسأله ۳۳۴- اگر بواسطه زیادی جمعیت نتوانست پشت مقام بایستد بطوری که گفته شود نزد مقام نماز می‌کند بواسطه دوری زیاد، در یکی از دو جانب بجا آورد در جایی که گفته شود نزد مقام نماز می‌خواند.

مسأله ۳۳۵- اگر ممکن نشد در دو جانب نزد مقام نماز را بجا آورد باید در پشت مقام با رعایت الاقرب فالاقرب بخواند و بهتر آن است که اگر در یکی از دو طرف می‌تواند نماز نزدیکتر به مقام نسبت به جانب پشت بخواند و عرفاً هم بر هیچکدام نماز در نزد مقام صدق نمی‌کند نماز را در آنجا اعاده کند و احتیاط بیشتر آن است که تا زمانی که وقت سعی ضیق نشده اگر امکان نماز در پشت مقام فراهم آمد نماز را در آنجا اعاده کند.

مسأله ۳۳۶- جایز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد بجا آورد اگر چه در حال اختیار، بلکه گفته‌اند که آنرا می‌تواند عمداً ترک کند.

مسأله ۳۳۷- اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم بجا آورد و به همان دستوری که در مسأله ۶ به بعد ذکر شده عمل نماید.

ص: ۱۳۵

مسئله ۳۳۸- اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی بینصفا و مروه یادش بیاید از همانجا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همانجا تمام کند.

مسئله ۳۳۹- شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده اعاده آنها ظاهراً لازم نباشد اگر چه احتیاط استحبابی در اعاده است.

مسئله ۳۴۰- اگر برگشتن به مسجدالحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هر جا یادش آمد نماز را بجا آورد اگر چه در شهر دیگر باشد و می‌تواند نایب هم بگیرد و برگشتن به حرم لازم نیست اگر چه آسان باشد، لکن بهتر است که برگردد به حرم.

مسئله ۳۴۱- اگر کسی این نماز را بجا نیاورد و بمیرد واجب است بر پسر بزرگ او که آنرا قضا کند به نحوی که در کتاب «صلاة» تفصیل داده شده است.

مسئله ۳۴۲- جاهل به مسئله در احکامی که برای ناسی ذکر شد شریک است با او.

مسئله ۳۴۳- واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش کسی درست کند که تکلیف الهی را بطور صحیح بجا آورد، خصوصاً کسی که می‌خواهد به مکه برود باید نماز را تصحیح کند، چون بعضی گفته‌اند اگر نماز او درست

ص: ۱۳۶

نباشد عمره او باطل است، و بنابر این قول ممکن است چیزهایی که در احرام بر او حرام شده بود مثل زن و چیزهایی که گذشت بر او حلال نشود.

مسئله ۳۴۴- اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش بجا آورد و کافی است، و اگر ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را تلقین او کند، و احتیاط آن است که در مقام ابراهیم به شخص عادلین اقتدا کند، لکن اکتفا به نماز جماعت نکند چنانچه نایب گرفتن نیز کافی نیست.

مسئله ۳۴۵- نماز طواف را در همه اوقات می‌شود خواند مگر آنکه مزاحمت کند با وقت نماز واجب که اگر نماز طواف بخواند موجب فوت یومیه شود پس باید اول نماز یومیه را بخواند.

مسئله ۳۴۶- اگر کسی از روی بی‌مبالائی مسامحه کرد در یاد گرفتن قرائت و ذکر واجب نماز تا وقت تنگ شد نماز را به هر نحو که می‌تواند باید بخواند و صحیح است، لکن معصیت کار است، و احتیاط آن است که به دستور مسئله ۱۷ عمل کند، و اگر ممکن است کسی را وادار کند که تلقین او کند.

«مسائل متفرقه نماز طواف»

مسئله ۳۴۷- نماز طواف استحبابی لازم نیست در نزد مقام ابراهیم باشد بلکه در هر جای مسجدالحرام جایز است بخصوص در موقع

ص: ۱۳۷

ازدحام، مناسب است مراعات سایر حجاج را بنمایند.

س ۱- کسی نماز طواف عمره را در داخل حجر اسماعیل بجا آورده و بعد از تقصیر متوجه شده است، وظیفه او چیست؟
ج- باید نماز را اعاده کند.

س ۲- شخصی بعد از طواف وضوی او باطل شده و خجالت کشیده که بگوید نمازش را بی وضو خوانده است و بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و مُحل شده است، وظیفه او چیست؟
ج- باید نماز و سعی و تقصیر را اعاده کند.

س ۳- کسی که هر چه سعی نمود که موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند نتوانست و نیز شخصی دیگر را جهت اقتدا کردن و یا تلقین نمودن قرائت صحیح پیدا نکرد وظیفه اش چیست؟
ج- به هر نحو قدرت دارد بخواند، و به جماعت خواندن حتی در فرض امکان واجب نیست.

س ۴- در موقعی که شخص طواف می کرده جمعیت زیاد بوده و بعد از آن در اثر ازدحام، نتوانسته است که نزدیک مقام نماز بخواند و در آن وقت چاره‌ای به غیر از نماز خواندن دور از مقام نداشته، آیا نماز او صحیح است یا خیر؟
ج- اگر امکان نداشته با فرض اضطرار مانع ندارد.

س ۵- برای کسانی که قرائتشان درست نیست و می‌خواهند نماز طوافشان را به جماعت بخوانند، آیا می‌توانند نماز طواف عمره

ص: ۱۳۸

را به نماز طواف نساء یا بالعکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست اقتدا کنند یا نه؟

ج- اکتفا به جماعت نباید بکنند، و احتیاط در همه موارد سؤال حاصل می‌شود.

س ۶- کسی که قرائتش درست نیست، آیا می‌تواند تبرعاً از کسی که طواف واجب بر عهده دارد نیابت کند و یا عمره انجام دهد؟

ج- نیابت چنین شخصی صحیح نیست هر چند تبرعی باشد، مگر آنکه بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از ذوی‌الاعذار محسوب

نباشد، که در اینصورت می‌تواند نیابت را قبول نماید، ولی باید قرائت خود را درست کند.

س ۷- افرادی با اینکه قرائشان درست نیست و کلمات نماز را نمی‌توانند درست بگویند، در عمره نایب می‌شوند و عمره را به نیت

منوب عنه انجام می‌دهند، بعد متوجه می‌شوند که نمی‌توانند نایب شوند. این افراد چگونه از احرام خارج می‌شوند، و برای عمره چه

وظیفه‌ای دارند؟

ج- در صورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند، هر چند به

سالهای بعد بکشد لکن اگر بنظر عرفی به کلی امکان تصحیح قرائت در او وجود نداشته و ندارد احرامش باطل بوده و مُحرم نشده

است.

س ۸- کسی که مطمئن باشد قرائتش یا ذکرش که در نماز

ص: ۱۳۹

می‌گوید درست است و نماز طواف را اعم از طواف عمره و نساء همان گونه بخواند، بعد معلوم شود که اشتباه بوده است آیا باید چه کند؟

ج- اگر احتمال غلط بودن آن را نمی‌داده، نمازش صحیح است.

س ۹- چند روزی که اطراف کعبه به قدری شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم علیه‌السلام می‌آید، و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست مگر اینکه چند نفری اطراف انسان بایستند تا انسان نماز طوافش را بخواند، بفرماید آیا حتماً نماز باید خلف مقام و نزدیک آن باشد ولو به اینصورت، یا دورتر تا هر جا که می‌تواند به تنهایی نماز بخواند، کافی است؟

ج- اگر امکان دارد و محذوری در بین نیست، باید خلف و نزد مقام نماز بخواند ولو به کمک دیگران، و در مورد ضرورت، مقداری دورتر مانع ندارد با مراعات الاقرب فالاقرب.

س ۱۰- در نماز طواف که انسان مشغول ذکر بود او را حرکت دادند، ذکر را تکرار کرد، دوباره تکان دادند و تکرار کرد، آیا مانعی ندارد؟

ج- اگر طوری حرکت کرده که استقرار او از بین رفته مانع ندارد، و در غیر اینصورت تکرار نکند مگر به قصد احتیاط، به شرط آنکه وسوسه نباشد.

س ۱۱- آیا محمول نجس و متنجسی که در طواف معفو

ص: ۱۴۰

نیست، در نماز طواف مثل نمازهای یومیه معفو است یا نه؟

ج- در نماز طواف حکم نمازهای یومیه را دارد. در محمول منتجس اگر نمی‌تواند با آن ستر عورت کند معفو است و اگر بتواند با آن ستر عورت کند و یا اعیان نجسه باشد محل اشکال است.

س ۱۲- بین طواف و نماز آن اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگر بجا آورد، اشکال دارد یا نه؟

ج- احتیاط در ترک آن و مبادرت به نماز طواف است.

س ۱۳- گاهی در پشت مقام ابراهیم علیه السلام جمعیت زیاد است، و چون زن و مرد کنار هم قرار می‌گیرند احیاناً مورد فشار ازدحام واقع می‌شوند، بدون اینکه ریه و فسادی در بین باشد، آیا به نماز طواف ضرر نمی‌رساند؟

ج- در صورت امکان باید رعایت عدم تقدم زن از مرد و عدم محاذی بودن آنان بشود.

س ۱۴- احیاناً انسان می‌داند که اگر نماز طواف را شروع کند، طواف کننده‌ها می‌آیند و او را حرکت می‌دهند و جابجا می‌کنند، در عین حال نماز را شروع می‌کند، آیا اگر این نماز را تمام کند، صحیح است؟

ج- اگر صحیحاً تمام کند، مانع ندارد.

س ۱۵- در مناسک فرموده‌اید بر هر مکلفی واجب است قرائت نمازهای یومیه‌اش را یاد بگیرد خصوصاً برای زیارت خانه

ص: ۱۴۱

خدا، حال اگر کسی کوتاهی کرد و برای تعلم و یادگیری قرائت نماز اقدام ننمود، آیا همین نماز باطل کفایت می‌کند و یا اینکه باید نایب بگیرد، و در صورتی که نیابت را لازم نمی‌دانید، آیا همین نماز کافی است یا خیر؟

ج- اگر وقت ضیق شود به طوری که اگر بعد از طواف بخواند نماز را یاد بگیرد موالات بین نماز و طواف فوت می‌شود، خودش هر طور می‌تواند بخواند.

س ۱۶- کسی که نمازش را غلط می‌خواند و وقت تصحیح آن را ندارد می‌فرماید نماز طواف را به همان کیفیت که می‌تواند خودش بخواند، آیا چنین کسی می‌تواند عمره مفرده مستحبی بجا بیاورد؟

ج- اشکال ندارد.

س ۱۷- شخصی طواف عمره را بجا آورده و بدون نماز و سعی، تقصیر کرده است، تکلیف او چیست؟

ج- باید نماز و سعی را بجا آورد، و با فرض جهل یا نسیان اعاده تقصیر لازم نیست اگر چه احوط است.

س ۱۸- آیا مقصود از «نماز طواف نزد مقام» پشت مقام است یا شامل دو طرف مقام نیز می‌شود؟

ج- باید خلف مقام باشد.

س ۱۹- اگر کسی نماز را در غیر از مقام ابراهیم بخواند و با

ص: ۱۴۲

اعتقاد به صحت آن بقیه اعمال را انجام دهد، وظیفه او چیست؟

ج- فقط نماز را باید اعاده کند.

س ۲۰- اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، آیا نماز در طبقه بالا یا زیر زمین صحیح است؟

ج- در صورتی که احراز نشود خلف مقام نماز خوانده، صحیح نیست.

س ۲۱- شخصی نماز طواف را به اعتقاد اینکه حجر اسماعیل مقام ابراهیم است در حجر اسماعیل خوانده، چه باید بکند؟

ج- باید نماز را اعاده کند.

س ۲۲- آیا نماز طواف واجب را می‌توان با نماز جماعت یومیه بجا آورد؟

ج- صحت آن محل اشکال است.

س ۲۳- پشت مقام تا چه اندازه ای صادق است، و آیا حد معینی نمی‌توان برای آن فرض کرد؟

ج- عرفی است.

س ۲۴- آیا فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال دارد، و اصولاً چه مقدار فاصله مُخل است؟

ج- مانع ندارد، و میزان مبادرت عرفیه است. و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

س ۲۵- گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می‌رسد، آیا

ص: ۱۴۳

در اینصورت می‌شود نماز طواف را پشت سر طواف کنندگان بجا آورد، و آیا صدق پشت مقام می‌نماید؟

ج- صدق خَلْف، به نظر عرف است، لیکن در چنین شرایطی باید منتظر بماند تا خلوت شود بعد طواف و نماز را انجام دهد ولو به شب یا روزهای بعد بیفتد.

س ۲۶- شخصی مُحَرَّم به احرام عمره شده و وارد مکه شده است و هفت روز مثلاً در مکه توقف دارد و نماز او غلطهای زیادی

دارد، آیا واجب است که تا آخر وقت در احرام بماند و نمازش را اصلاح کند و بعد شروع به طواف کند یا وظیفه دیگری دارد؟

ج- اگر می‌تواند قرائتش را تصحیح کند باید طواف را تأخیر بیندازد و ابتداءً قرائت خود را تصحیح کند و اگر نتواند غلطهای خود را درست کند، به هر نحو می‌تواند نماز بخواند.

س ۲۷- اینجانب چند سال قبل به مکه معظمه مشرف شدم و در آنجا اولاً نماز طواف نساء و نماز طواف برای عمره مفرده را

نخوانده‌ام و ثانیاً در تعداد اشواط طواف دوم هم در شک می‌باشم، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

ج- اگر بعد از طواف و انصراف از آن، شک در عدد اشواط کرده‌اید به شک اعتنا نکنید و نمازهایی را که نخوانده‌اید اگر

نمی‌توانید به مکه بروید در محل خود بخوانید و تا نخوانده‌اید حرمت نساء باقی است. البته این حکم در موردی است که از روی

نسیان یا

ص: ۱۴۴

جهل باشد و می‌تواند نایب هم بگیرد.

«مستحبات نماز طواف»

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم طلب قبول نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَلِمَا تَجْعَلُهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي، الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَيَّ مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي وَطَهِّرْ قَلْبِي وَزَكِّ عَمَلِي.»

و در روایت دیگر است:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.»

و در بعضی از روایات است که حضرت تصادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می‌گفت:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا لِإِلَهِ الْأَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ»

ص: ۱۴۵

فَاغْفِرْ لِي فَإِنِّي مُتَّوِّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ.»

و بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

ص: ۱۴۶

فصل هفتم:**«در سعی و بعض احکام آن»**

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۳۴۸- واجب است بعد از بجا آوردن نماز طواف سعی کند بینصفا و مروه که دو کوه معروفند.

مسأله ۳۴۹- مراد از سعی آن است که از کوهصفا برود به مروه و از مروه برگردد بهصفا.

مسأله ۳۵۰- واجب است سعی بینصفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه شوط گویند، به این معنی که ازصفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه بهصفا برگشتن نیز یک شوط است.

مسأله ۳۵۱- واجب است اول ازصفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و اگر از مروه شروع کند هر وقت فهمید باید اعاده کند، و اگر در بین سعی بفهمد باید از سر بگیرد و ازصفا شروع کند.

مسأله ۳۵۲- احتیاط آن است که ابتدا کند از جزء اولصفا و از آنجا شروع به سعی کند، و در صورتی که روی کوه برود و همانطور به نحو متعارف سعی کند کفایت می‌کند.

مسأله ۳۵۳- در سعی مابینصفا و مروه جایز است سواره و بر

ص: ۱۴۷

روی محمل، چه در حال اختیار و چه با عذر لکن راه رفتن افضل است.

مسئله ۳۵۴- طهارت از حدث و خبث و ستر عورت در سعی معتبر نیست گرچه احوط مراعات طهارت از حدث است.

مسئله ۳۵۵- واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن بجا آورد، و اگر عمداً پیش از آنها بجا آورد باید بعد از طواف و نماز، آنرا اعاده کند.

مسئله ۳۵۶- اگر از روی فراموشی مقدم بدارد سعی را بر طواف، اقوی آن است که آنرا اعاده کند و همچنین است اگر از روی ندانستن مسئله مقدم بدارد.

مسئله ۳۵۷- واجب است رفتن و برگشتن از راه متعارف باشد، پس اگر از راه غیر متعارف بهصفا برود یا به مروه سعیش باطل است.

مسئله ۳۵۸- اگر بینصفا و مروه را دو طبقه یا چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد از هر طبقه جایز است سعی کند گرچه احوط سعی از همان راهی است که از اول متعارف بوده.

مسئله ۳۵۹- اگر طبقه زیر زمینی درست شد و کوه صفا و مروه ریشه‌دار بود و سعی بین آندو واقع شد صحیح است علی‌الظاهر، و احوط سعی از طبقه روی زمینی است.

مسئله ۳۶۰- واجب است در وقت رفتن به طرف مروه متوجه به آنجا، و وقت رفتن بهصفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب

ص: ۱۴۸

- برود یا پهلو را به طرفصفا یا مروه کند و برود باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست بلکه گاهی به پشت سر اشکالی ندارد.
- مسأله ۳۶۱- جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن برصفا یا مروه، و همینطور جایز است نشستن یا خوابیدن بین آنها برای رفع خستگی و لازم نیست عذری داشته باشد بنابر اقوی. ولی بنابر احتیاط واجب باید به مقداری نباشد که موالات عرفیه بهم بخورد زیرا موالات در همه اشواط معتبر است.
- مسأله ۳۶۲- جایز است تأخیر سعی از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا تخفیف گرمی هوا، و جایز است بدون عذر تأخیر بیندازد تا شب گرچه احتیاط در تأخیر نینداختن است.
- مسأله ۳۶۳- جایز نیست تأخیر انداختن تا فردا بدون عذر از قبیل مرض.
- مسأله ۳۶۴- سعی از عبادات است و باید آنرا با نیت خالص برای فرمان خدای تعالی بیاورد.
- مسأله ۳۶۵- سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو چنان است که در طواف گذشت.
- مسأله ۳۶۶- زیاد کردن در سعی بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است به تفصیلی که در طواف گذشت.
- مسأله ۳۶۷- اگر از روی فراموشی زیاد کند بر سعی چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر سعی اوصحیح است، اگر چه مستحب است که آنرا تا

ص: ۱۴۹

هفت شوط دیگر کامل کند.

مسأله ۳۶۸- اگر سعی را کم کند سهواً چنانچه قبل از تمام کردن شوط رابع باشد بنا بر احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد ولی اگر شوط رابع را تمام کرده واجب است آنرا اتمام کند هر وقت یادش بیاید و در هر دو صورت اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت ندارد باید مراجعت کند، و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد باید در کل سعی نایب بگیرد.

مسأله ۳۶۹- اگر کمتر از چهار شوط سعی کرد و بقیه را فراموش کرد بیاورد، احتیاط واجب آن است که سعی را از سر بگیرد، و اگر بعد از تمام کردن چهار شوط یا بیشتر فراموش کرد به هفت مرتبه برساند لازم است از همانجا سعی را تمام کند.

مسأله ۳۷۰- با تمام کردن سعی حلال نمی‌شود بر او آنچه حرام شده بود بواسطه احرام.

مسأله ۳۷۱- اگر فراموش کرد بعضی سعی را در عمره پس به گمان اینکه اعمال عمره تمام شده از احرام خارج شد و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد واجب است برگردد و سعی را اگر ۳ دور یا کمتر فراموش کرده تمام کند، و اگر ۴ دور یا بیشتر فراموش کرده احتیاط واجب سعی را از سر بگیرد و احتیاط واجب آن است که یک گاو برای کفاره ذبح کند.

مسأله ۳۷۲- اگر فراموش کرد بعضی سعی را در عمره و تقصیر کرد

ص: ۱۵۰

و بعد از آن نزدیکی با زنان کرد احتیاط واجب آن است که به دستور مسأله سابق عمل کند.

مسأله ۳۷۳- اگر شك کند در عدد رفت و آمدها بعد از تقصیر اعتنا نکند، چه شك در زیاده بکند و چه در نقیصه و همینطور است اگر بعد از فراغ از عمل شك در زیاده بکند.

و اگر شك در نقیصه کند بعد از آنکه از عمل فارغ شد و منصرف شد چون بناگذاری بر اتمام و اعتنا نکردن به شك خالی از اشکال نیست احتیاط آن است که آنچه احتمال نقص می‌دهد طبق مسائل قبل اتمام کند، خصوصاً اگر شك در ناقص گذاشتن در این باشد که عمداً برای حاجتی ترك کرده است.

مسأله ۳۷۴- اگر بعد از فارغ شدن از سعی یا از هر دوری شك در درست آوردن آن کند اعتنا نکند و سعیش صحیح است، و همینطور اگر در بین رفت و آمد شك در صحیح بجا آوردن جزء پیش کند اعتنا نکند.

مسأله ۳۷۵- اگر در مروه شك کند که هفت دفعه رفت و آمد کرده یا زیاده‌تر مثل اینکه شك کند بین هفت و نه اعتنا نکند، و اگر قبل از رسیدن به مروه شك کند که این دور هفت است یا کمتر ظاهراً سعی او باطل است، و همچنین است هر شکی که به کمتر از هفت تعلق بگیرد، مثل شك بین یک و سه یا دو و چهار و هکذا.

مسأله ۳۷۶- اگر طواف را در روزی بجا آورد و روز بعد شك کرد که

ص: ۱۵۱

سعی کرده است یا نه اگر چیزی که مشکوک است تأخیر انداختن سعی بدون عذر است بعید نیست بناگذاری بر آوردن اگر چه احتیاط مستحب در آوردن است و اگر چیزی که مشکوک است تأخیر با عذر باشد در اینصورت وجهی برای بناگذاری بر این که آورده شده نیست.

«مسائل متفرقه سعی»

مسأله ۳۷۷- کسی که می‌دانسته باید هفت مرتبه بینصفا و مروه سعی کند و با همین نیت از صفا شروع کرده ولی رفت و برگشت را یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده احتیاط آن است که سعی را اعاده کند اگر چه اقوی کفایت همان سعی است.

مسأله ۳۷۸- کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را بجا می‌آورد و سعی را شب انجام می‌دهد اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود مانع ندارد و احتیاط آن است که تا شب تأخیر نیندازد اگر چه اقوی کفایت است.

مسأله ۳۷۹- سعی در طبقه فوقانی اگر محرز نیست که بین صفا و مروه است، جایز نیست.

س ۱- کسی که در اثنای سعی متوجه شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده تکلیف او چیست؟

ص: ۱۵۲

ج- احتیاطاً سعی را رها کند تا موالات عرفیه از بین برود، پس از آن همه را اعاده کند.

س ۲- اگر از مروه شروع و بهصفا ختم کرده و بعد فهمیده است، وظیفه او چیست به خصوص اگر تقصیر کرده باشد؟

ج- باید سعی را اعاده کند و اگر تقصیر نکرده تقصیر کند. و اگر با اعتقاد بهصحت تقصیر کرده، تقصیر اعاده ندارد مگر از باب احتیاط و در غیر اینصورت باید تقصیر را اعاده کند.

س ۳- کسی بعد از اتمام شوط ششم سعی درصفا گمان تمام شدن هفت شوط را کرد و تقصیر نمود ولی فوراً به او گفته‌اند که باید یک شوط دیگر بیاوری، او هم انجام داد و بعد بار دیگر تقصیر نمود، آیا عمل او صحیح است یا خیر، و كفاره دارد یا نه؟

ج- عمل صحیح است و كفاره ندارد.

س ۴- کسی در اثنای سعی برای آب خوردن از مسیر منحرف شده و پس از خوردن آب ادامه داده است چه صورت دارد؟

ج- چنانچه مقدار انحرافی را به عنوان سعی انجام نداده و در برگشت از جایی که سعی را قطع کرده یا محاذی آن سعی را تمام کرده صحیح است.

س ۵- شخصی در اثنای عمره مفرده، در شوط پنجم سعی، مریض شده و نتوانسته است عمره را تمام کند، او را به ایران برده‌اند و بعد از بهبودی هم نتوانسته به مکه بیاید فعلاً وظیفه او چیست؟

ص: ۱۵۳

توضیح آنکه کسی نایب شده که وظیفه او را انجام دهد و عملی را که وظیفه اوست و او را از احرام خارج می‌کند بجا آورد.
 ج- وظیفه او در مکه این بود که در صورت امکان بوسیله چرخ و مانند آن در دو شوط باقیمانده او را سعی می‌دادند و پس از آنکه خودش تقصیر می‌کرد او را طواف نساء داده بعد نماز طواف نساء بجا می‌آورد اتمیا وظیفه فعلی او با فرض اینکه خود شخص نمی‌تواند مراجعت کند، نایب برای خروج منوب عنه از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به منوب عنه خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای طواف نساء نایب بگیرد، و توضیح آنکه مسأله از موارد حصر نیست، چون شخص مریض فعلاً خوب شده و اینکه نمی‌تواند به مکه بیاید از جهت مرض نیست.

س ۶- کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است آیا طواف و نماز را باید اعاده کند؟

ج- لازم نیست ولی اختیاریاً نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.

س ۷- اگر کسی یقین کند که هفت شوط سعی بینصفا و مروه را تمام کرده است ولی بعد از تقصیر متوجه می‌شود که پنج شوط بوده، اولاً آیا کل سعی را باید از سر بگیرد یا دو شوطی را که ناقص بوده است باید تکمیل کند؟ و ثانیاً آیا تقصیر هم باید بکند، یا

ص: ۱۵۴

تقصیر اول کافی است؟

ج- باید سعی را اتمام کند، و احتیاطاً تقصیر را اعاده نماید، گرچه وجوب این احتیاط معلوم نیست.

س ۸- شخصی بعد از طواف عمره گم شده و بعد از پیدا شدن به رفقاییش گفته که سعیصفا و مروه را بجا آورده‌ام، و تقصیر نمود بعد از مراجعت به ایران متوجه می‌شود لذا چند بار به پسرانش گفته اعمال من ناقص شده، و قبل از فوتش وصیت نموده است برای او نایب بگیرند، اگر عمل شخص فوق الذکر باطل باشد وراثت او حاضرند این جانب را بفرستند تا اعمال عمره او را انجام بدهم، آیا نظر حضرت عالی چیست؟

ج- ورثه می‌توانند شما را نایب کنند برای عمل عمره، ولی باید نایب سعی را جداگانه به نیابت آن مرحوم انجام دهد. گرچه در فرض مرقوم بیش از نایب گرفتن برای سعی لازم نیست.

س ۹- بینصفا و مروه طوری است که از یک طرف می‌روند و از طرف دیگر آن برمی‌گردند، یعنی بین رفت و برگشت دو سه متری فاصله است، آیا اگر امکان باشد از همان مسیری که بهصفا رفته، به مروه برگردد اشکال دارد؟

ج- اشکال ندارد، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

س ۱۰- شخصی در حال سعی کردن بود، یک وقت دید مقداری را که برای هروله علامت گذاری کرده‌اند بطور عادی سیر

ص: ۱۵۵

کرده است، گمان می‌کرد لازم است هَزُوله کند و لذا برگشت و مقداری را که عادی رفته بود، با هروله تکرار کرد، آیا سعی اشکال دارد؟

ج- اشکال دارد.

س ۱۱- شخصی در سعی بینصفا و مروه، از جایی که به صفا یا مروه رسید برای شوط بعدی شروع نمی‌کند، بلکه تقریباً مقدار دو سه متر هلالی شکل و یا مستقیم به شکل عرضی می‌آید و شروع می‌کند، و در این مقدار متوجه نیست که با نیت سعی است یا نه، ولی اگر از او سؤال شود: چه می‌کنی؟ چوَاب می‌دهد: سعی می‌کنم، آیا مضر نیست؟

ج- راه رفتن مزبور روی کوه مضرّ به سعی نیست، و در فرض مسأله سعی صحیح است.

س ۱۲- آیا سعی کردن از همانجا که مریضها را با چرخ می‌برند و برمی‌گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر از ابتدای سرایشی شروع می‌کنند) صحیح و کافی است؟ یا حتماً باید از اوّل کوه صفا شروع و در مروه هم به سنگهای سیاه بعد از سنگهای صاف که بقایای کوه است برسند؟

ج- سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود، و لازم نیست بالا برود.

س ۱۳- در مناسک فرموده‌اید کسی که بینصفا و مروه، سعی

ص: ۱۵۶

می‌کند واجب است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است توجهش به مروه باشد و بالعکس، آیا این وجوب توجه تکلیفی است و یا وضعی و تکلیفی؟

ج- وضعی است.

س ۱۴- زیادی در سعی جهلاً، آیا حکم زیادی سهوی را دارد یا عمدی؟

ج- محل اشکال است.

س ۱۵- کسی که نمی‌تواند بدون سوار شدن در چرخهای معمولی در مسیعی سعی کند لکن تمکن مالی ندارد، چون ارز خود را صرف سوغات کرده، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر می‌تواند با چرخ سعی کند ولو با فروش چیزی یا قرض باید خودش سعی کند و استناب‌صحیح نیست مگر آن که مشقت و حرج در کار باشد.

س ۱۶- شخصی شوط سوم سعی را بهم زد و با فاصله اندکی هفت شوط دیگر بجا آورد، و تقصیر نمود، آیا این سعی صحیح است؟

ج- اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

س ۱۷- شخصی به اعتقاد اینکه هر شوط سعی رفت و برگشت از صفا به مروه است سعی را شروع می‌کند و در شوط سوم متوجه مسأله می‌شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه می‌دهد،

ص: ۱۵۷

سعی او چه حکمی دارد؟

ج- سعی اوصحیح است.

س ۱۸- شخصی در حال سعی گاهی عقب عقب به طرف مروه و یاصفا رفته است، تکلیف او چیست؟

ج- باید آن مقدار را تدارک کند. و اگر از آن محل گذشته سعی او اشکال دارد و احتیاط در اتمام و اعاده است.

س ۱۹- سعی از طبقه دوّم فعلی که بالاتر از کوهصفا و مروه می‌باشد، جایز است یا نه؟

ج- اشکال دارد.

س ۲۰- شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی گاهی به عقب برمی‌گشته و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی

می‌کرده، آیا سعی اوصحیح است؟

ج- اشکال دارد و باید سعی را اعاده کند.

س ۲۱- شخصی سعی بینصفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که مجموعاً ده شوط می‌شود انجام داده است، و آنگاه که متوجه

مسأله شد سعی را از همان جا قطع نمود و تقصیر کرد، تکلیف چیست؟

ج- در فرض سؤال احوط اعاده سعی است.

س ۲۲- شخصی به تصوّر اینکه رفتن بالای کوهصفا یا مروه لازم است، چون این مقدار مسافت را تحت فشار جمعیت رفته لذا

ص: ۱۵۸

برای اعاده آن مقداری وارد سعی شده و بعد به نیت سعی برگشته است و در واقع مقداری مسافت را دوبار طی کرده است، آیا سعی او درست است؟

ج- اگر به نیت احتیاط عمل کرده باشد ضرر ندارد.

س ۲۳- شخصی به تصوّر اینکه سعی نیز نیاز به وضو دارد بعد از یک شوط و نیم سعی خود را قطع می‌کند و وضو می‌گیرد و هفت شوط دیگر سعی می‌نماید، تکلیف او چیست؟

ج- اشکال دارد، و باید سعی را اعاده کند، اما اگر بعد از وضو و فوت موالات عرفیه سعی کند صحیح است.

س ۲۴- کسی که قدر متیقّن عدد اشواط را می‌داند، اما تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده یا نه، مثلاً می‌داند پنج شوط انجام داده، ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، تکلیف او چیست؟

ج- فرض مزبور شک در اشواط است، و مُبطل است.

س ۲۵- اگر کسی سعی را به طور کلی فراموش کرد و تقصیر نمود، تکلیف او چیست؟

ج- از احرام خارج شده، و هر وقت یادش آمد سعی را بجا آورد.

س ۲۶- اگر کسی قبل از رسیدن به مروه، در آوردن هفت و نه شک کرد، تکلیف او چیست؟

ج- مُبطل است، و باید سعی را اعاده کند.

س ۲۷- آیا موالات در تمام اشواط معتبر است، و یا اختصاص

ص: ۱۵۹

به بعضی دارد.

ج- بنا بر احتیاط واجب موالات در تمام اشواط سعی معتبر است.

س ۲۸- شخصی در حال سعی در عدد اشواط شک می‌کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می‌دهد و در فکر است که عدد را ضبط کند، پس از تأمل و بعد از آنکه صد متر سعی کرده یا وارد شوط بعدی شده است یقین به عدد حاصل می‌کند و با یقین، باقی سعی را هم انجام می‌دهد، آیا این سعی صحیح است یا نه؟

ج- صحیح است.

«مستحبات سعی»

مستحب است بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رفته یک یا دو دلو آب بکشد و آنرا بیاشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ.»

پس از آن به نزد حجرالاسود بیاید، و مستحب است از دری که محاذی حجرالاسود است به سوی صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالا یصفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجرالاسود در اوست رو نماید و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و نعمتهای الهی را بخاطر بیاورد آنگاه این اذکار را بگوید:

ص: ۱۶۰

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه.

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد، پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنْبَأْنَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ.» سه مرتبه.

پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه.

پس بگوید:

ص: ۱۶۱

«اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه.

پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَهُ وَنَصَرَ عَدُوَّهُ وَعَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَفِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.»

و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم.

پس بگوید:

«اسْتَئْذِنِ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ وَأَعِدْنِي مِنَ الْفِتْنَةِ.»

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه.

پس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند، پس یکبار تکبیر بگوید و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد هر

ص: ۱۶۲

قدر که می‌تواند بخواند.

و مستحب است که رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْتُ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَزَحَّمَنِي وَإِنْ تُعَذِّبَنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّي وَعَذَابِي وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبَنِي وَلَمْ تَظْلِمْنِي أَصِيبْتُ أَتَقِي عَذَابَكَ وَلَا أَخَافُ جُورَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَادِلٌ لَيَجُورُ ارْحَمْنِي.»

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَأَلُهُ وَلَا يَنْفَدُ نَائِلُهُصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ.»

و در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود ایستادن برصفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین

می‌آید بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَصَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ.»

سپس احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

ص: ۱۶۴

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا رَبَّ الْعَفْوِ الْعَفْوُ الْعَفْوُ.»

و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعا بسیار کند و بخواند این دعا را:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَصِدْقَ النَّيِّهِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ.»

ص: ۱۶۵

فصل هشتم:**«در تقصیر یا سر تراشیدن»**

و در آن چند مسأله است:

مسأله ۳۸۰- واجب است بعد از آنکه سعی کرد تقصیر یا حلق کند، یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند، و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند، و از مو هم قدری بزند، بلکه موافق احتیاط است و کندن مو هم کفایت نمی‌کند اگر چه حرمتش محرز نباشد و یا بجای تقصیر سر بتراشد.

مسأله ۳۸۱- این عمل نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و خالی از قصد غیر اطاعت خدا بیاورد و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره‌اش می‌شود مگر آنکه جبران کند.

مسأله ۳۸۲- اگر تقصیر را فراموش کند تا وقتی که از مکه خارج شود می‌تواند هر کجا باشد تقصیر کند و از احرام خارج شود.

مسأله ۳۸۳- اگر عمداً تقصیر یا حلق را ترک کند تا از مکه خارج شود از احرام بیرون نمی‌رود و محرمات احرام تا تقصیر یا حلق نکند بر او حرام می‌باشد.

ص: ۱۶۶

- مسأله ۳۸۴- بعد از آنکه شخص مُحرم تقصیر یا حلق کرد حلال می‌شود بر او به غیر از زن وصید که بعد از انجام طواف نساء و نماز آن، زن هم بر او حلال می‌شود و افاصید کردن در حرم حرام است برای همه کس چه مُحرم باشد و چه مُحَلِّ.
- مسأله ۳۸۵- همانطور که گفته شد در عمره مفرده پس از سعی مردان مخیرند بین حلق و تقصیر ولی زنها باید تقصیر کنند یعنی مقداری از مو یا ناخن خود را بگیرند و ظاهراً برای آنها سر تراشیدن کافی نیست.
- مسأله ۳۸۶- احتیاط آن است که کسی که سر را می‌تراشد تمامش را بتراشد.
- مسأله ۳۸۷- جایز است سر را خود انسان بتراشد یا به سلمانی بدهد و همچنین در تقصیر ولی باید خودش نیت کند.
- مسأله ۳۸۸- تراشیدن ریش کفایت نمی‌کند از تقصیر یا حلق.
- مسأله ۳۸۹- بنا بر احتیاط، جایز نیست بواسطه زیادی مو، اول سر را ماشین کنند و بعد آنرا بتراشند، هر چند فوراً بتراشند و در صورت علم و عمد کفاره دارد ولی می‌توانند به نیت تقصیر قدری از موی سر را بچینند بعداً سر را ماشین کنند.
- مسأله ۳۹۰- کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید نمی‌تواند قبل از اینکه خودش حلق یا تقصیر کند سر او را بتراشد ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد.

ص: ۱۶۷

مسأله ۳۹۱- جایز نیست مقداری از سر خود را با تیغ بتراشد و بقیه را ماشین کند و تا حلق تمام نشده کوتاه کردن موی سر جایز نیست و وقتی که تمام سر را بتراشد از حلق کفایت می‌کند.

«مسائل متفرقه تقصیر یا سر تراشیدن»

مسأله ۳۹۲- در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه میزان، کوتاه کردن است به هر وسیله‌ای باشد و اکتفا به کوتاه کردن موی زیر بغل و نحو آن مشکل است و ظاهر آن است که تحقق تقصیر با گرفتن ناخن یا چیدن ریش یا شارب یا موی سر است.

س ۱- آیا کسی که تقصیر یا سر تراشیدن او محکوم به بطلان است و بعد از آن مُحَرَّمات احرام را بجا آورده و جاهل به مسأله بوده کفاره دارد یا خیر؟

ج- با جهل کفاره ندارد مگر درصید به تفصیلی که در کتب ذکر شده است.

س ۲- کسی که بعد از سعی در عمره تقصیر یا حلق کرد، بعد به شک افتاد که آیا تقصیر یا حلقی که کردم صحیح است یا نه، آیا اشکال دارد یا نه؟

ج- اگر در حال عمل عالم به مسأله و ملتفت بوده، اشکال ندارد.

س ۳- یکی از خدمه کاروانها به احرام عمره مفرده از میقات مُحَرَّم می‌شود و به مکه می‌آید و طواف و نماز آن و سپس سعی

ص: ۱۶۸

بینصفا و مروه را به همان عنوان بجا می‌آورد، ولی برای تقصیر، گمان می‌کرد نتف یعنی کندن مو کافی است و چند نخ مو را به عنوان تقصیر گنید و به حساب خودش از احرام خارج شد، سپس طواف نساء و نماز آنرا بجا می‌آورد. اعمالش چگونه است و در آینده وظیفه‌اش چیست؟

ج- کندن مو در تقصیر کافی نیست و باید از احرام عمره مفرده با تقصیر صحیح یا حلق خارج شود.

س ۴- اگر کسی تقصیر عمره مفرده را فراموش کرد، آیا می‌تواند در هر جایی تقصیر کند یا نه؟ زیرا به ایران بازگشته است، و آیا نیازی به طواف نساء مجدد هست؟

ج- تقصیر را در هر جا می‌تواند انجام دهد، ولی باید طواف نساء را اعاده کند. و اگر خودش نمی‌تواند برود، نایب بگیرد.

س ۵- هرگاه سنی برای شیعه تقصیر نماید چه صورت دارد؟

ج- اشکال ندارد.

س ۶- شخصی بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرد و سپس سعی را بجا آورد و دوباره تقصیر کرد، وظیفه‌اش چیست؟

ج- اگر جاهل یا ساهی بوده چیزی بر او نیست.

س ۷- اگر کسی به جای تقصیر حلق نمود آیا کفایت می‌کند؟

ج- در عمره مفرده کفایت می‌کند.

س ۸- کسی که بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصیر کرده

ص: ۱۶۹

است، وظیفه‌اش چیست؟

ج- مانع ندارد.

س ۹- در مناسک آمده است اگر کسی تقصیر را به ریا انجام دهد عمره‌اش باطل است، مقصود از بطلان عمره چیست؟ دیگر اینکه وظیفه او چه می‌شود؟

ج- مقصود این است که اگر در تقصیر ریا کند و بدون تدارک تقصیر طواف نساء و نماز آنرا انجام دهد در اینصورت حکم کسی را دارد که بدون تقصیر وارد اعمال بعد شده است و در هر صورت لازم است با تقصیر صحیح از احرام خارج شود و طواف نساء و نماز آنرا اعاده کند.

س ۱۰- اگر کسی در اثنای سعی تقصیر نمود، وظیفه او چیست؟

ج- اگر عمداً تقصیر نموده باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند، بلی اگر از روی نسیان یا جهل تقصیر کرده احوط اعاده تقصیر است و اگر از اول سعی، قصد هفت شوط نداشته سعی اعاده دارد.

س ۱۱- اگر کسی از روی جهل، تقصیر یا حلق را ترک نمود چه حکمی دارد؟

ج- در این مسأله جهل حکم عمد را دارد.

س ۱۲- در عمره مفرده اگر کسی تقصیر را عمداً یا از روی

ص: ۱۷۰

جهل و نسیان ترک نمود و طواف نساء را انجام داد، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- باید تقصیر نماید و طواف نساء را اعاده نماید، و فرقی بینصور عمد و سهو و علم و جهل نیست علی الاحوط.

ص: ۱۷۱

فصل نهم:**«در طواف نساء»**

مسأله ۳۹۳- طواف نساء را در عمره مفرده باید بعد از تقصیر یا سرتراشی بجا آورد و کیفیت و شرایط آن مانند طواف عمره است که به تفصیل گذشت و هیچگونه فرقی با طواف عمره ندارد مگر در نیت که باید به نیت طواف نساء طواف کند.

مسأله ۳۹۴- شخص مُحرم که بواسطه احرام چیزهایی بر او حرام شد که در سابق به تفصیل ذکر شد بعد از تقصیر یا سر تراشیدن همه چیز حلال می‌شود مگر زن و صید از جهت احرام نیز حلال می‌شود نه از جهت حرم، بعد از بجا آوردن طواف نساء و نماز آن که در کیفیت مثل طواف و نماز عمره است که گذشت زن نیز بر او حلال می‌شود و اَمَاصید کردن در حرم حرام است برای همه کس چه مُحرم و چه محلّ.

مسأله ۳۹۵- طواف نساء اختصاص به مرد ندارد بلکه بر زن و خنثی و خصی و بچه ممیز نیز لازم است که اگر طواف نساء نکنند زن به همان تفصیل که سابق گفته شد بر آنها حلال نمی‌شود، و نیز

ص: ۱۷۲

اگر زن آن را ترک کند مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه طفل غیر ممیز اگر ولی، او را مُحرم کرد باید او را به احتیاط واجب طواف نساء بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال شود.

مسئله ۳۹۶- طواف نساء و نماز آن اگر چه واجب است و بدون آن زن حلال نمی‌شود، لکن رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن عمره نمی‌شود، بلکه واجب است بر کسی که عمره بجا آورده آنرا بجا آورد، و اگر بجا نیاورد زن بر او حلال نمی‌شود، بلکه آنچه از زن بر او حرام شده بود مثل عقد کردن و خطبه کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی‌شود بنا بر احتیاط واجب.

مسئله ۳۹۷- جایز نیست مقدم داشتن سعی را بر طواف عمره یا بر نماز آن اختیاراً، و جایز نیست مقدم داشتن طواف نساء را بر طواف عمره و بر سعی اختیاراً، و اگر مقدم داشت اعاده کند تا ترتیب حاصل شود.

مسئله ۳۹۸- جایز است طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد در حال ضرورت مثل ترس از حیض و نتوانستن اقامت به مکه تا زمان پاکی، لکن احتیاط در آن است که نایب بگیرد که بعد از آن بجا آورد.

مسئله ۳۹۹- اگر سهواً طواف نساء را قبل از سعی بجا آورد یا بواسطه ندانستن حکم مقدم بدارد طواف و سعی صحیح است، و احتیاط در اعاده طواف است.

مسئله ۴۰۰- اگر طواف نساء را سهواً یا عمداً بجا نیاورد تا برگشت

ص: ۱۷۳

از مکه پس اگر می‌تواند باید خودش برگردد و بجا بیاورد، و اگر نمی‌تواند یا مشقت دارد نایب بگیرد و پس از بجا آوردن زن به او حلال می‌شود.

مسئله ۴۰۱- اگر کسی طواف واجب را- چه طواف عمره و چه طواف نساء- فراموش کرد و برگشت و با زن نزدیکی کرد در صورتی که نسیان مبدل به علم شود و استمرار نداشته باشد باید یک هدی در مکه قربانی کند. والا چیزی بر او نیست و بهتر آن است که شتر باشد، و اگر می‌تواند خودش برود و طواف و نماز آن را بجا آورد.

و احتیاطاً در غیر طواف نساء سعی را هم بجا آورد. و اگر نمی‌تواند یا مشقف دارد نایب بگیرد.

مسئله ۴۰۲- اگر کسی طواف عمره را از روی جهل به مسئله بجا بیاورد و برگشت به محل خود باید عمره را اعاده کند و یک شتر قربانی کند اگر چه با زن هم نزدیکی نکرده باشد.

مسئله ۴۰۳- اگر شخص، چندین عمره مفرده بجای آورده باشد و در هیچکدام طواف نساء نکرده باشد یک طواف نساء برای تمام آنها کفایت می‌کند.

مسئله ۴۰۴- نایب، در طواف نساء باید طواف را برای خود انجام دهد نه به نیت منوب عنه ولی اگر نایب در خصوص طواف نساء باشد باید به نیت منوب عنه انجام دهد.

س ۱- آیا پیش از بجا آوردن طواف نساء و بعد از انجام حلق یا

ص: ۱۷۴

تقصیر، تمام انواع تلذذ و تمتع از زن حرام است و یا اختصاص به جماع دارد؟
ج- از مطلق تلذذ از زن باید اجتناب نماید.

س ۲- آیا تأخیر طواف نساء تا چند روز، جایز است یا خیر؟

ج- مانع ندارد، و جواز تأخیر طواف حدّ مشخصی ندارد.

س ۳- شخصی بعد از بازگشتن از مکه ازدواج کرد و دارای اولاد شد، بعداً متوجه می‌شود که در عمره طواف نساء را نیاورده است، حال که متوجه شده است، حکم زن و فرزند او چگونه است و نسبت به طواف باید چه کند؟

ج- با فرض جهل، فرزند او حکم حلال زاده را دارد ولی عقد ازدواج باطل است، و باید طواف نساء را انجام دهد، و اگر بخواهد بعد از آن تجدید عقد نماید.

س ۴- مردی به زنش گفت وظیفه من طواف نساء است، ولی تو باید طواف رجال بجا آوری! زن بجای نیت طواف نساء طواف رجال ذکر کرد، آیا کافی است یا نه؟

ج- اگر منظورش ادای وظیفه است مانع ندارد.

س ۵- کسی که عمره مفرده انجام می‌داد بدون اینکه تقصیر یا حلق کند طواف نساء را بجا آورد، آیا وظیفه او چیست، و عمره او باطل است یا نه؟

ج- عمره باطل نمی‌شود، لکن باید بعد از تقصیر یا حلق، طواف

ص: ۱۷۵

نساء را اعاده نماید، و بدون آن حرمت نساء باقی است.

س ۶- شخصی پس از مراجعت از مکه شک می‌کند که طواف نساء عمره مفرده را بجا آورد یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- اگر التفات به وجوب طواف نساء نداشته، باید طواف نساء را انجام دهد، و همچنین است در صورت التفات علی الاحوط، بلکه خالی از قوت نیست.

س ۷- اگر کسی بعد از شوط چهارم طواف نساء عمره مفرده با زوجه خود مواجهه نماید، آیا به عمره لطمه‌ای وارد نکرده و کفاره هم ندارد؟

ج- عمل صحیح است و کفاره ندارد، اگر چه حرام مرتکب شده است.

س ۸- بجا نیاوردن طواف نساء از روی جهل چه صورت دارد؟

ج- ترک طواف نساء، عمره را باطل نمی‌کند و کفاره هم ندارد، ولی حرمت نساء بدون آن باقی است و ارتکاب آن کفاره دارد.

س ۹- شخصی قبل از طواف نساء با زوجه خود ملاعبه نموده و از روی شهوت به او دست زده است، آیا کفاره دارد؟

ج- کفاره دارد مگر در صورت جهل.

س ۱۰- اگر نایب، طواف نساء را بجا نیاورد، آیا فقط زن بر او حرام است یا ذمه‌اش هم مشغول است، هر چند بعد از مردن باشد، که باید برای او قضا کند؟

ص: ۱۷۶

ج- ذمه او هم مشغول است، ولی خودش باید در حیاتش انجام دهد و اگر نمی‌تواند، نایب بگیرد.

س ۱۱- شخصی طواف نساء عمره مفرده را فراموش کرده و بعد برای عمره مفرده دیگر مُحرم شده است آیا طواف نساء فراموش

شده را بعد از انجام اعمال عمره مفرده بجا آورد یا قبل از آن؟

ج- طواف نساء عمره مفرده دوّم کفایت از آن می‌کند.

س ۱۲- پیرمردان و پیرزنانی که عمل زناشوئی از آنان ممکن نیست و ازدواج هم نمی‌کنند و نیز کسی که عنین است، آیا اگر

طواف نساء را نیاورند اشکال دارد؟

ج- گرچه طواف نساء جزء اعمال نیست، لکن عمل واجبی است که باید انجام داده شود.

س ۱۳- شخصی به عمره مفرده رفته و پس از مراجعت به وطن شك می‌کند که طواف نساء را انجام داده یا نه؟ وظیفه او چیست؟

ج- احتیاط واجب آن است که در صورت عدم امکان یا مشقف نایب بگیرد و طواف نساء را انجام دهد.

«طواف وداع»

بدانکه برای هر کسی که می‌خواهد از مکه بیرون برود مستحب است طواف وداع نماید، و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی

ص: ۱۷۷

در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسید مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد بجا آورد و آنچه خواهد دعا نماید بعداً حجرالاسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف درب گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنْبِكَ وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِجاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ.»

و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب حنّاطین که مقابل رکن شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن یک درهم خرما خریده و آنرا بر فقرا تصدّق نماید.

ص: ۱۷۸

فصل دهم:

«مسائل زنان در احرام عمره مفرده»

مسأله ۴۰۵- اگر حائض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند و بواسطه زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد شجره مُحرم شود، باید نزدیک مسجد مُحرم شود و نیاز به تجدید احرام در جحفه یا تنعیم ندارد، و همینطور است حکم زنی که در حال نفاس است.

مسأله ۴۰۶- زن حائض اگر مسأله نمی‌دانست و عقیده داشت که نباید در میقات مُحرم شود و بدون احرام از میقات عبور کرد می‌تواند برای عمره مفرده از ادنی الحَلِّ «مسجد تنعیم» مُحرم شود.

مسأله ۴۰۷- زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاک، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون دیده، با شرائط حیض، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده، حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده است و اعمالش صحیح است و در صورت اول عمره اوصحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند.

ص: ۱۷۹

س ۴۰۸- زنی که احتمال می‌دهد خون حیض ببیند و نتواند داخل مسجدالحرام شود، آیا می‌تواند برای عمره مفرده مستحبی مُحرم شود و اگر خون دید برای طواف و نماز نایب بگیرد، و همچنین مریض اگر احتمال می‌دهد نتواند اعمال عمره مفرده را انجام دهد؟ ج- اشکال ندارد و چنانچه وظیفه او نایب گرفتن شد عمل به وظیفه نماید. و همچنین مریض می‌تواند در میقات مُحرم شود ولی اگر می‌تواند باید خودش طواف کند و اعمال عمره مفرده را بجا آورد و اگر نتواند باید او را طواف و سعی بدهند و چنانچه هیچکدام امکان نداشته باشد نایب از طرف او طواف و سعی کند و در هر ۳ صورت نماز طواف‌ها و تقصیر را خود مریض باید انجام دهد.

س ۴۰۹- در مناسک مرقوم است که زنهای حائض باید عبوراً از مسجد شجره مُحرم شوند و اگر نمی‌توانند در خارج و نزدیک مسجد مُحرم شوند، آیا بر آنان لازم است که محاذی جُحفه تجدید احرام کنند؟ و آیا اجازه می‌فرمایید که اینگونه اشخاص در مدینه با نذر مُحرم شوند؟

ج- تجدید احرام در محاذی جُحفه بر آنها لازم نیست، و احرام در خارج و نزدیک مسجد شجره صحیح است و نذر لزوم ندارد، و احرام قبل از میقات نیز با نذر صحیح است و زنهای حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند می‌توانند در مدینه با نذر برای

ص: ۱۸۰

عمره مفرده مُحرم شوند و در اینصورت لازم نیست به مسجد شجره بروند ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.

س ۴۱۰- زن حائضی که از مدینه عازم مکه بود گمان می‌کرد که در حال عبور در مسجد شجره می‌تواند مُحرم شود و وظیفه‌اش را انجام دهد، ولی وقتی که به محوطه حیاط مسجد رسید، دید به جهت ازدحام نمی‌تواند با عبور مُحرم شود، لذا از شوهرش که حاضر بود اجازه نذر گرفت و چند قدمی از مسجد فاصله گرفت و با نذر مُحرم شد آیا کفایت می‌کند یا خیر؟

ج- اگر احراز کند که قبل از میقات، با نذر مُحرم شده است مانع ندارد، و همچنین می‌تواند از خارج و نزدیک مسجد مُحرم شود و نذر لازم نیست.

س ۴۱۱- زن در حال حیض به خیال اینکه می‌تواند در حال عبور، در مسجد شجره احرام ببندد وارد مسجد شد و بلافاصله احرام بست و تلبیه را هم گفت و چند قدمی هم به طرف دری که می‌خواست خارج شود رفت، ولی چون دید نمی‌شود عبور کرد برگشت و از همان دری که وارد شده بود خارج شد، آیا احرامش چگونه است؟

ج- صحیح است.

س ۴۱۲- کسانی که به علت عادت ماهانه نمی‌توانند داخل مسجد شجره مُحرم شوند باید در خارج آن مُحرم شوند و در

ص: ۱۸۱

مُحَاضِي جُحْفَه تجديد احرام نمايند، با توجه به اينکه مُحَاضِي جُحْفَه نقطه مشخصی نيست، وظيفه چيست؟

ج- تجديد احرام برای آنها لازم نيست، احرام از خارج و نزديک مسجد شجره براي صاحب عادت ماهانه کافي است.

س ۴۱۳- زن حائضی که نمی‌توانست صبر کند تا پاک شود، نزديک مسجد شجره مُحَرَم شد و بنا داشت مُحَاضِي جُحْفَه احرام را تجديد کند، در ماشين خوابش برد و وارد مکه شد، آیا احرام او درست است؟

ج- تجديد احرام برای او لازم نيست زیرا احرام از خارج مسجد و نزديک آن صحيح است و بايد اعمال ديگر عمره مفرده را انجام دهد.

س ۴۱۴- هرگاه حائض يا جنب عصباناً وارد مسجد شجره شود و مانند ديگران توقف نمايد و مُحَرَم شود، آیا احرام او صحيح است يا نه؟

ج- احرام صحيح است.

س ۴۱۵- زن بدون اذن شوهرش نذر می‌کند و قبل از ميقات با نذر مُحَرَم می‌شود به احرام عمره مفرده آیا احرامش درست است و چنانچه با همان احرام اعمالش را بجا آورده باشد چگونه است؟

ج- بعيد نيست که اگر اصل سفر زن با اجازه شوهر باشد اين اجازه شامل نذر هم بشود و ديگر در خصوص نذر نيازى به اذن جديد نيست.

ص: ۱۸۲

- س ۴۱۶- با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، آیا چانه هم جزء صورت محسوب می‌شود و باید باز باشد یا اینکه اگر مقنعه‌ای بر سر گذاشته شود که چانه را تا لبها بپوشاند مانعی ندارد؟
- ج- زیر چانه جزء صورت محسوب نمی‌شود، ولی پوشاندن به نحوی که در سؤال ذکر شده اشکال دارد.
- س ۴۱۷- آیا زن مُحرم می‌تواند صورت خود را با حوله پاک کند، یا حکم سر مرد را دارد که نمی‌تواند روی آن را بپوشاند؟
- ج- جایز نیست.
- س ۴۱۸- زنها که در حال احرام برای پوشیدن و در آوردن مقنعه، صورتشان پوشیده می‌شود، چه صورت دارد؟
- ج- باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر عامداً و از روی علم پوشیده نشود مانع ندارد.
- س ۴۱۹- آیا حجاب زن در طواف مثل حجاب او در نماز است یا فرق دارد؟
- ج- در حال طواف برای زن حفظ از نامحرم و جوب نفسی دارد ولی شرط برای طواف نیست.
- س ۴۲۰- اگر مقداری از موهای سر زن یا جاهای دیگر بدن او که باید در حال طواف بپوشاند ظاهر باشد، آیا به طواف او ضرر می‌رساند یا نه؟ و اگر با ظاهر بودن موی سر طواف را انجام داده

ص: ۱۸۳

طواف او باطل است یا نه؟

ج- اگر عمدی باشد ظاهراً طواف صحیح است اما معصیت کرده و در غیر مورد عمد صحیح است.

س ۴۲۱- در طواف مستحبی زنان می‌دانند که به بدن مردان نگاه می‌کنند و احياناً هم در بین فشار مردان قرار می‌گیرند، از نظر شرع اشکال دارد یا نه؟

ج- اگر اختیاراً نگاه به نامحرم نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام بهتر است مراعات کنند و در هر صورت طواف صحیح است.

س ۴۲۲- در صورتی که یقین دارد در حال طواف در محدوده معین با اجنبی یا اجنبیه برخورد می‌کند باز هم واجب است در محدوده معین طواف کند؟

ج- آنچه ذکر شده عذر نیست.

س ۴۲۳- اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه که عددش مثلاً هفت روز است، روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال عمره را بجا آورد ولی بعداً لک دید، اعمالش چگونه است؟

ج- اگر خون دیده و از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است والا محکوم به استحاضه است و در صورت اول که محکوم به حیض است باید طواف‌ها و نمازهایی را که در آن حال خوانده و احتیاطاً سعی را اعاده کند.

س ۴۲۴- بعضی از زنان به جهت خوردن قرص، نظم عادت

ص: ۱۸۴

ماهانه‌شان برهم می‌خورد؛ به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لک می‌بینند، آیا وظیفه اینگونه زنان در عمره چیست؟

ج- اگر شرایط حیض را داشته باشد محکوم به حیض است والا محکوم به استحاضه است.

س ۴۲۵- اگر زن در حال طواف در عمره مفرده حیض ببیند وظیفه او چیست؟

ج- باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود پس اگر می‌تواند در مکه بماند تا پاک شود پس از تطهیر چنانچه حیض قبل از نصف طواف بوده، طواف را اعاده کند و اگر بعد از نصف و قبل از چهار شوط بوده بنا بر احتیاط واجب طواف را تکمیل کند و بعد از نماز دوباره طواف و نماز را اعاده کند و اگر بعد از چهار شوط بوده پس از تطهیر باید آنرا تکمیل کند، ولی اگر نمی‌تواند تا زمان پاک شدن در مکه بماند باید برای طواف‌ها و نماز آنها نایب بگیرد ولی سعی و تقصیر را خودش انجام بدهد.

س ۴۲۶- زنی عمره را انجام داد، بعد متوجه شده که طواف او باطل بوده است، پس از اینکه متوجه شد، ملاحظه نمود دید عذر زنانه دارد تکلیف او چیست؟

ج- هر وقت عذر او مرتفع شد، طواف‌ها و نماز آنها و احتیاطاً سعی را اعاده کند، و اگر قبل از خروج از مکه پاک نمی‌شود برای

ص: ۱۸۵

طواف‌ها و نماز آنها نایب بگیرد و احتیاطاً سعی را خودش اعاده کند.

س ۴۲۷- زنی مسأله را نمی‌داند، بعد از پاک شدن از حیض، خیال می‌کرده جنب است و لذا غسل جنابت را نیت می‌کرد و با همین حال عمره انجام داد، بفرمایید عمره او چگونه است؟

ج- اگر منظور او غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و اسم آن را جنابت گذاشته، عملش صحیح است.

س ۴۲۸- آیا مستحاضه کثیره باید برای طواف یک غسل، و برای نماز طواف غسل دیگر بکند یا یک غسل برای هر دو کافی است؟

ج- برای هر یک غسل لازم است، مگر آنکه از وقت غسل برای طواف تا آخر نماز خون قطع باشد.

س ۴۲۹- زنی به حساب شناسنامه، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و یک سال و نیم خون ندیده است، ولی در مکه خون می‌بیند، بنابر این آیا در یائسگی او می‌توان تردید داشت یا نه؟ و وظیفه او چیست؟

ج- اگر اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده و سیده نیست حکم مستحاضه را دارد.

س ۴۳۰- آیا نماز و طواف، برای زن مستحاضه یک حکم دارند یا هر کدام از طواف و نماز، جدا و مستقل هستند؟

ج- مستقل هستند.

ص: ۱۸۶

س ۴۳۱- زنی بعد از ورود به مکه حیض می‌شود، با مصرف قرص، خون قطع می‌گردد و اعمال را انجام می‌دهد ولی بعد از آن لک می‌بیند، وظیفه او چیست؟

ج- اگر شرایط حیض را نداشته با انجام وظیفه مستحاضه عمل اوصحیح است و اگر شرایط حیض را داشته و اعمال را هم تمام کرده باید طواف و نماز طواف و احتیاطاً سعی را اعاده نماید.

س ۴۳۲- زنی در حال طواف، مستحاضه قلیله می‌شود، وظیفه او چیست؟

ج- اگر بعد از تمام شدن دور چهارم بوده پس از تجدید وضو و تطهیر بدن و لباس طواف را تمام کند، و اگر بعد از نصف طواف و قبل از ۴ شوط بوده به احتیاط واجب پس از تجدید وضو و تطهیر، آن را اتمام و سپس اعاده نماید، و اگر به نصف طواف نرسیده پس از تطهیر و تجدید وضو طواف را از سر بگیرد.

س ۴۳۳- زن مستحاضه‌ای بعد از غسل و وضو مشغول طواف می‌شود، در اثنای طواف لک می‌بیند، وظیفه او چیست؟

ج- اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست، و در غیر اینصورت حکم حدث جدید را دارد.

س ۴۳۴- زنی به تصوّر اینکه پاک شده است، طواف انجام می‌دهد و در اثنای سعی متوجه می‌شود که هنوز پاک نشده است،

ص: ۱۸۷

آیا سعی او نیز باطل است، و اگر بعد از سعی متوجه شود چگونه است؟

ج- در فرض اول سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند، و احتیاط آن است که پس از اعاده طواف و نماز سعی را اتمام و اعاده نماید، و در فرض دوم نیز اعاده طواف و نماز لازم، و اعاده سعی مبنی بر احتیاط است.

س ۴۳۵- زن مستحاضه که باید غسل کند و وضو بگیرد و با این کار فاصله‌ای بین اعمال پیش می‌آید که شاید طولانی هم باشد، مثلاً باید برود منزل غسل کند و برگردد، آیا این فاصله اشکال ندارد؟

ج- اگر خون قطع نمی‌شود برای هر یک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد، و باید طوری باشد که بعد از غسل و وضو مبادرت به عمل نماید، بنابر این اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجدالحرام غسل کند و وضو بگیرد.

س ۴۳۶- زن مستحاضه که باید برای هر نماز و طواف غسل کند طبق وظیفه‌اش غسل کرد و یا وضو گرفت و طواف را شروع کرد، بین طواف نماز ظهر شروع شد، نماز را خواند، و با همان طهارت اول، بعد از نماز، طواف را ادامه داد، آیا طواف صحیح است؟

ج- اگر از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع بوده، طواف صحیح است، و در غیر اینصورت احوط آن است که این طواف را تمام کند و پس از غسل اعاده نماید.

ص: ۱۸۸

س ۴۳۷- زنی که حیض نمی‌شود ولی هر دو ماه یکبار، دو سه روزی لک و ترشحات می‌بیند، وظیفه‌اش چیست؟
ج- اگر خون استمرار تا سه روز ندارد ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت باطن فرج آلوده باشد، حکم استحاضه را دارد.

س ۴۳۸- هرگاه زن قرشیه پس از شصت سال، و غیر قرشیه پس از پنجاه سال، چند روز متوالی خون ببیند که همه به اوصاف حیض باشد در طوافها و نماز چه کند؟

ج- حکم مستحاضه را دارد، و حکم حیض بر خون مزبور مترتب نیست، حتی در صورت توالی یا داشتن صفات.
س ۴۳۹- زنهایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می‌کنند که موقع طواف گرفتار حیض نباشند و ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه کم رنگ ببینند، آیا این خون استحاضه حساب است یا خون قروح و جروح، و در هر صورت به طواف ضرر می‌زند یا خیر؟

ج- حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه مستحاضه عمل کنند، و اگر در اثنای طواف لک دیده تفصیلی بین ماقبل از تمام شدن نصف طواف و بعد از آن تا اتمام شوط رابع و مابعد دور چهارم هست که در مناسک ذکر شده است.

س ۴۴۰- زنی که حیض بوده و نمی‌داندست و اعمال عمره را کلاً بجا آورد بفرماید باید دوباره بجا آورد یا کافی است؟

ص: ۱۸۹

ج- اگر می‌تواند در مکه بماند تا پاک شود پس از پاک شدن از حیض و انجام غسل باید طواف‌ها و نماز آنها را اعاده کند و اگر نمی‌تواند بماند باید برای طواف‌ها و نماز آنها نایب بگیرد و در هر صورت عمره اش صحیح است.

س ۴۴۱- اگر زنی به نیت عمره مفرده مُحرم و بعد از آن عادت شود و در همه روزهایی که می‌تواند در مکه باشد حیض است، برای عمره مفرده باید چه کند؟ و اگر آنجا اعمالی انجام نداده و فعلاً به ایران آمده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- در فرض سؤال باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره را خودش بجا آورد و چنانچه به ایران آمده، اقدام کند و برگردد و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد ولی باید خودش تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال مراعات شود و تا اعمال را بجا نیاورد، آنچه به وسیله احرام بر او حرام شده، بر او حلال نمی‌شود.

س ۴۴۲- دختری در کودکی و یا اوائل سنین بلوغ جنب شده و تا کنون هم ازدواج نکرده است، با توجه به اینکه جاهل قاصر بوده و در سنین بالاتر نمی‌دانسته به واسطه فعلی که در کودکی انجام شده جنب گشته است و در نتیجه غسل جنابت را تا حال انجام نداده است و با این کیفیت به عمره نیز رفته است، تکلیف او چیست؟ آن غسلهایی که یقیناً انجام داده است، حیض و جمعه بوده است با

ص: ۱۹۰

توجه به موارد یاد شده فوق، این سؤالها مطرح است؟

- ۱- وضع نماز و روزه و کلیه عباداتی که بعد از بلوغ تا کنون انجام داده است چیست؟
- ۲- آیا در زمان حال مُحرم است، و بهصورت احرام وارد مکه و خارج شده است؟ و درصورت مُحرم بودن آیا تا زمانی که اعاده عمره نکند، جمیع مُحرّمات که در آن ایام حرام است بر این شخص حرام می‌باشد یا خیر؟
- ۳- در صورتی که فقط عمره‌اش باطل باشد ولی مُحرم نباشد چگونه می‌تواند با وضع اعزام زائرین به بیت‌الله الحرام که چند سال یکبار این توفیق حاصل می‌شود، اعاده عمره کند؟
- ج- اگر یقین دارد که جنب شده، بدون غسل جنابت نماز و طواف اوصحیح نیست و غسلهای دیگر کفایت از غسل جنابت نمی‌کند، و در فرض مسأله نمازهایی را که با این حال خوانده باید قضا کند، و اگر نمی‌دانسته جنب است و روزه گرفته روزه‌های اوصحیح است و قضا ندارد، و عمره در مفروض سؤال صحیح است ولی طوافهای عمره و نساء و نمازهای آنها را باید دو مرتبه بجا آورد، و احتیاطاً سعی را نیز بعد از طواف عمره انجام دهد و اگر خودش نمی‌تواند برود برای آنها نایب بگیرد، و تا طواف عمره و طواف نساء و نماز آنها را انجام نداده یا با عدم قدرت، نایب او بجا

ص: ۱۹۱

نیاورده باید از بوی خوش و ازدواج و مُحرماتی که با طواف نساء حلال می‌شود، اجتناب نماید.

س ۴۴۳- زنی نماز طواف خود را در حجر اسماعیل خوانده است و چون به منزل آمده ملتفت شده که حائض شده است و تا زمانیکه در مکه است پاک نمی‌شود وظیفه او نسبت به نماز چیست؟ و آیا عمل او صحیح است یا خیر؟

ج- در فرض سؤال عمره او صحیح است و باید برای نماز طواف نایب بگیرد.

س ۴۴۴- زنی مُحرم به احرام عمره شده و پس از ورود به مکه و انجام طواف قبل از اینکه نماز طواف بخواند حائض گردیده، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج- اگر می‌تواند تا زمان پاکی در مکه بماند پس از تطهیر نماز طواف و باقی اعمال را بجا آورد و اگر نمی‌تواند بماند برای نماز طواف و طواف نساء و نماز آن نایب بگیرد ولی سعی و تقصیر را خودش باید انجام بدهد.

س ۴۴۵- آیا زنهایی که از جهت عادت ماهانه برای طواف نایب می‌گیرند در سعی هم می‌توانند نایب بگیرند؟

ج- محل سعی مسجد نیست و سعی را باید خودشان بجا آورند با مراعات ترتیب بین طواف و سعی.

س ۴۴۶- گاهی انسان در اثر ازدحام جهت رفتن برای سعی

ص: ۱۹۲

- ناچار است از مسجدالحرام عبور کند، در اینصورت تکلیف حائض و نفساء چیست؟ و آیا برای سعی هم مثل طواف نایب بگیرند؟
- ج- اگر امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند باید تأخیر بیندازند و اگر آنهم ممکن نیست نوبت به نیابت می‌رسد، و بر فرض مخالفت چنانچه از آن راه رفت و خودش سعی کرد سعیش صحیح است هر چند گناه کرده است.
- س ۴۴۷- اگر در سعی، بعضی مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد آیا به سعی او ضرر می‌زند یا نه؟
- ج- ضرر نمی‌زند.
- س ۴۴۸- آیا حائض و جنب می‌توانند از مقدار توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی-ص- عبور کنند یا خیر؟
- ج- نمی‌توانند.

ص: ۱۹۳

فصل یازدهم:**«مسائل متفرقه»**

مسأله ۴۴۹- در وقتی که در «مسجدالحرام» یا «مسجدالنبی» نماز جماعت منعقد شد، مؤمنین نباید از آنجا خارج شوند و باید از جماعت تخلف نکنند و با سایر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

مسأله ۴۵۰- سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها چه مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک قبل از آنکه پخته شود، جایز است. و سنگهایی که در «مسجدالحرام» از این قبیل است سجده بر آنها اشکال ندارد و همینطور در «مسجد رسول الله» صلی الله علیه و آله و سلم.

مسأله ۴۵۱- در «مکه» و «مدینه» در مسافرخانه و هتل مناسب نیست نماز را به جماعت بخوانند و می‌توانند در جماعت سایر مسلمین در مساجد شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

مسأله ۴۵۲- تخییر بین قصر و اتمام در مکه و مدینه اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد و در تمام مکه و مدینه جاری است. پس مسافر می‌تواند نماز را در این دو شهر تمام بخواند

ص: ۱۹۴

همانطور که می‌تواند شکسته بخواند.

مسأله ۴۵۳- در تقصیرهایی که در عمره مفرده کرده است احتیاط واجب آن است که گوسفند یا غیر آن را در مکه سر ببرد، و اگر ترك کرد آنرا و برگشت به محل خود، در محل خود بکشد و صدقه بدهد.

مسأله ۴۵۴- کسی که در میقات یا جای دیگری که تکلیف اقتضا می‌کرد مُحرم شد نمی‌تواند احرام خود را بهم بزند و مُحل شود برای رفتن به مدینه منوره یا برای مقصد دیگری، و اگر لباس احرام را هم بکند و قصد بیرون آمدن از احرام را بکند احرامش بهم نمی‌خورد، و آنچه بواسطه احرام بر او حرام شده حلال نمی‌شود، و اگر کاری که موجب کفاره است بجا آورد باید کفاره بدهد.

مسأله ۴۵۵- اگر بواسطه عذری مثل مرض نتواند لباس دوخته خود را بکند و لباس احرام بپوشد باید در میقات نیت عمره کند و لَبِيْكَ بگوید، و کافی است، و هر وقت عذرش برطرف شد جامه دوخته را بکند، و اگر لباس احرام نپوشیده بپوشد، و لازم نیست به میقات برگردد، ولی برای پوشیدن لباس دوخته باید یک گوسفند قربانی کند.

مسأله ۴۵۶- کسی که از روی ندانستن مسأله یا نسیان از حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از مُحَرّمات احرام را ارتکاب نمود کفاره ندارد مگر صید که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر صید ارتکاب از روی عمد و علم موجب کفاره است.

ص: ۱۹۵

مسأله ۴۵۷- در هر یک از اعمال عمره اگر شک کند بعد از آنکه وارد عملی شده باشد که مترتب بر اوست اعتنا نکند، چه شک کند که آورده یا نه، یا شک کند که صحیح آورده یا فاسد.

مسأله ۴۵۸- شرایطی که برای هدی است که در حج تمتع باید ذبح کند هیچیک در حیوانی که برای کفاره تقصیر باید قربانی کند معتبر نیست پس می‌تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی کند.

مسأله ۴۵۹- غیر از هدی تمتع از هدی‌هایی که برای کفاره یا چیز دیگر بر انسان واجب می‌شود نمی‌تواند شخص کفاره دهنده از گوشت آنها بخورد، و اما از قربانی استجابی، جایز است بخورد.

مسأله ۴۶۰- مصرف کفارات؛ بنابر احتیاط فقراى مؤمن غیر سید می‌باشند.

مسأله ۴۶۱- اگر در حرم چیزی پیدا کرد بنابر احتیاط واجب آنرا بر ندارد.

مسأله ۴۶۲- اگر «لقطه» حرم را برداشت و از یک درهم کمتر باشد می‌تواند قصد تملک آنرا بکند و آنرا مصرف کند، و ضامنصاحبش نیست، و چنانچه تملک نکرد و تفریط نکرد ضامن نیست، ولی اگر بدون تملک نگاه داشت و در نگاهداری کوتاهی و تفریط کرد ضامن است، و اگر قصد تملک کرد و صاحبش قبل از تلف شدن پیدا شد باید آن را بهصاحبش رد کند به احتیاط واجب.

ص: ۱۹۶

مسأله ۴۶۳- اگر لقطه را که در حرم برداشت یک درهم یا بیشتر ارزش داشت باید یک سال تعریف کند و از صاحبش جستجو کند، پس اگر نیافت او را بعد از یک سال، مخیر است بین دو امر: یکی آنکه آن را برایش حبش حفظ کند، در اینصورت اگر در نگاهداری کوتاهی نکرد ضامن نیست در صورت تلف. دوم آنکه برایش صدقه بدهد، لکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد باید عوضش را به او بدهد، و جایز نیست آن را تملک کند، و اگر تملک کند مالک نمی‌شود و ضامن هم می‌شود.

مسأله ۴۶۴- کسی که بعد از محرم شدن نتوانسته باشد وظیفه‌ای انجام دهد که محلّ شود اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفه آنها که در آخر مناسک فصل دوازدهم ذکر شده عمل نماید و اگر مصدود یا محصور نیست در بعض موارد با انجام عمره مفرد می‌تواند محلّ شود.

مسأله ۴۶۵- در مسجدالنبی-صلی الله علیه و آله و سلم- اگر مخالف تقیه نباشد و موجب هتک و انگشت نما شدن نشود باید در محلی نماز بخوانند که بتوانند پیشانی خود را هنگام سجده بر سنگ‌های مسجد قرار دهند و در غیر اینصورت سجده کردن روی فرشهای مسجد مانع ندارد و مهر گذاشتن جایز نیست، و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند، و لازم نیست حصیر یا نحو آن با خود ببرند، ولی اگر مراعات کنند که موجب وهن نشود و حصیر

ص: ۱۹۷

- برای جانماز با خود داشته باشند و روی آن نماز بخوانند به طوری که متعارف سایر مسلمین است اشکال ندارد، لکن تأکید می‌شود که از عملی که موجب هتک و انگشت‌نما شدن باشد اجتناب نمایند.
- س ۴۶۶- در مسجدالنبی صلی الله علیه و آله بعد از اتمام نماز جماعت، آیا می‌توان روی فرشهای مسجد سجده نمود و یا اینکه باید برود در جایی که سنگفرش است و بر سنگ نماز بخواند؟
- ج- باید مراعات تقیه بشود و موجب هتک یا انگشت‌نما شدن نشود.
- س ۴۶۷- کسی که نماز را در مسجد الحرام به نحو استداره خوانده است، به طوری که رو در روی امام جماعت و یا طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟
- ج- اگر تقیه به طریق مذکور نماز خوانده اعاده ندارد و در غیر مورد تقیه صلاة استداره ای جایز نیست.
- س ۴۶۸- در صورتی که شخص نماز گزار وارد یکی از مساجد مدینه منوره و یا مکه معظمه شد و مشاهده کرد که جماعت خاتمه یافته است، ولی نماز گزاران در مسجد هستند، آیا می‌تواند نماز را فردی بر طبق شرایط موجود بجای آورد یا باید بیاید مسافرخانه و یا هتل و نمازش را با چیزی که سجده بر آن صحیح است انجام دهد؟
- ج- باید در منزل با رعایت شرایط معتبره نماز بخواند مگر تقیه اقتضای غیر آنرا داشته باشد.

ص: ۱۹۸

س ۴۶۹- حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده زائرین ایرانی و غیر ایرانی واقع می‌شود سجده بر آن جایز است یا خیر؟ با ملاحظه اینکه حصیر مزبور با نخ مخلوط است؟

ج- اگر عرفاً روی حصیر سجده می‌شود مانع ندارد.

س ۴۷۰- اگر انجام نماز به کیفیتی باشد که معلوم نیست موافق نظر اهل سنت باشد، مانند سجده بر پشت نماز گزارانصف جلو، و عدم رعایت اتصال و ... آیا نماز در اینگونه موارد باید اعاده شود؟

ج- اعاده دارد.

س ۴۷۱- کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می‌شوند و نمازهای خود را با جماعت می‌خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت نماز عشاء را بخوانند یا نه؟

ج- مانع ندارد، و اگر وقت نشده باید صبر کنند.

س ۴۷۲- کسی خیال می‌کرد که بر سنگ فرشهای مسجدالحرام- زاده الله شرفاً- سجده صحیح نیست و بر پشت دست سجده می‌کرده است، آیا نمازهایی که به این نحو خوانده چه حکمی دارد؟

ج- صحیح نیست، مگر جاهل قاصر باشد.

س ۴۷۳- در لیالی مقمره در مکه کسانی که نماز صبح را به جماعت با سایر مسلمین می‌خوانند، آیا باید بعد از روشن شدن فجر هم دوباره بخوانند، یا همان نماز که به جماعت خوانده‌اند، کافی است؟

ص: ۱۹۹

ج- فرقی بین لیالی مقمره و غیر مقمره نیست و در فرض مرقوم جماعت صحیح است و اعاده ندارد.

س ۴۷۴- شخصی مقلد هیچ یک از فقها نبوده، مثلاً ده سال، حالا می‌خواهد تقلید کند، در این ده سال مکه هم رفته است، آیا عبادت‌های او مثل نماز و روزه و عمره و حج صحیح است یا نه؟

ج- اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند باشد صحیح است.

س ۴۷۵- قرآنهایی که در مسجد الحرام است، بر بعضی نوشته شده که وقف است، ولی بر بعضی دیگر نوشته نشده است، شایع است آنها که کلمه وقف و یا عبارت دیگری که مفهوم وقف بودن باشد ندارد جایز است بردارند و چنین کاری احیاناً شده است، بفرمایید جایز است یا نه؟

ج- برداشتن آنها بدون اینکه از متصدی ذیربط بگیرند، جایز نیست و باید برگردانده شود.

س ۴۷۶- آیا مقداری از سنگ صفا و مروه، یا از مشعر را می‌شود با خود آورد یا نه؟

ج- از صفا و مروه جایز نیست، و از مشعر مانع ندارد.

س ۴۷۷- نیت تیمم از حدث اکبر در مسجِدین چیست؟

ج- اگر در مسجد جنب شده باید فوراً خارج شود و برای خروج از مسجد تیمم بدل از غسل جنابت کند، مگر آنکه زمان خروج کوتاه‌تر

ص: ۲۰۰

باشد از زمان لازم برای تیمم یا مساوی باشد با آن، که در اینصورت تیمم واجب نیست و با این التفات اگر تیمم کند صحیح و با نیت است.

س ۴۷۸- در تطهیر مسجد الحرام به نحوی که عین نجاست را برطرف می‌کنند و بعد با ظرف آب می‌ریزند و می‌شویند و از هر طرف با آب قلیل شسته می‌شود، انسان به نجاست تمام مسجد علم عادی پیدا می‌کند، آیا جواز سجده بر آن سنگها از باب عسر و حرج است یا جهات دیگر؟

ج- علم پیدا نمی‌شود، و با فرض شک نباید اعتنا شود.

س ۴۷۹- شخصی بدون اینکه خمس مال خود را پردازد به مکه رفته است و الآن می‌خواهد پردازد، آیا عمره او صحیح است یا خیر؟

ج- اگر لباس احرام با پول غیر مخمس نبوده، عمل او اشکال ندارد.

س ۴۸۰- اینجانب که تحت تکفل پدرم هستم اگر خدا بخواهد سال آینده به اتفاق مادرم به زیارت خانه خدا مشرف خواهم شد، لازم به یادآوری است که هزینه این سفر را از پولهایی که پدرم طی هفت یا هشت سال به عنوان هفتگی و یا پولی که برای پس انداز به ما داده پرداخته‌ایم، قابل ذکر است که پدرم تا این تاریخ هیچ گونه وجهی به عنوان خمس پرداخته است، خواهشمندم مرقوم بفرمایید که عمره ما با این پول چه صورتی پیدا می‌کند؟

ص: ۲۰۱

ج- اگر یقین به وجود خمس در پول مزبور ندارید عمره اشکال ندارد، و اگر یقین به وجود خمس در مال دارید لازم است احرام را از مال حلال یقینی تهیه نمایید.

س ۴۸۱- آیا شخص فقیر می‌تواند گوشت کفاره تقصیر خود را به مصرف فقرایی که نانخور او هستند برساند؟

ج- برای کسانی که نفقه آنان بر او واجب است نمی‌شود صرف نمود.

س ۴۸۲- کفاراتی که در احرام عمره بر گردن انسان می‌آید، در مکه معلوم است که فقیر مؤمن نیست، آیا باید صبر کند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد و این تأخیر عمدی مانع ندارد؟

ج- در فرض سؤال تأخیر مانع ندارد، در محل ذبح کند و به فقرای مؤمن غیر سید بدهد.

س ۴۸۳- اگر شخصی در مکه یا مدینه پول سعودی پیدا کند که نمی‌داند متعلق به ایرانی است یا غیر ایرانی، وظیفه او چیست؟

ج- با یأس از پیدا شدن صاحبش از طرف او به فقیر صدقه بدهد علی‌الاحوط.

س ۴۸۴- در مواردی که فرموده‌اید: اگر مشقت یا حرج داشته باشد ... بفرمایید منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج- باید خصوص مسأله ملاحظه شود، و اگر حکم دائر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی از آن منظور است.

ص: ۲۰۲

س ۴۸۵- اگر کسی تمام اعمال عمره را انجام داده و بعد فهمید وضویش باطل بوده است، آیا با تدارک طوافها و نماز، عمره اوصحیح است یا نه؟ و بر فرض فساد، چگونه از احرام خارج شود، و وظیفه او چیست؟

ج- بلی با تدارک طوافها و نماز و بنابر احتیاط واجب سعی، عمره اوصحیح است.

س ۴۸۶- اگر شخصی مبلغی از زر به فردی بدهد که عوض آنرا- به قیمت دولتی یا آزاد- پول ایرانی بگیرد، چه حکمی دارد؟

ج- در تبدیل پول باید باهم تراضی نمایند. و خلاف مقررات هم نباشد.

س ۴۸۷- شخصی بعد از احرام عمره دیوانه شده است، دوستان او بدون اجازه برایش نایب می‌گیرند و یا تبرعاً باقی اعمال او را انجام می‌دهند، آیا این اعمال برای شخص اول مجزی است و از احرام خارج می‌شود یا نه؟ و اگر پولی خرج شد، آیا می‌شود از ولّی کسی که دیوانه شده گرفت یا نه؟

ج- نیابت مزبور کفایت نمی‌کند و شخص اول همچنان در احرام باقی است و پولی که خرج شده از مال کسی است که خرج کرده است و نمی‌تواند به دیگری رجوع کند، مگر آنکه مغرور شده باشد.

س ۴۸۸- آیا قصد ابطال عمره یا بعض اجزای آن، مُبطل است یا نه؟

ص: ۲۰۳

ج- قصد ابطال، مُبطل نیست.

س ۴۸۹- آیا مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش می‌رسد، جایز است یا نه؟

ج- اگر ندانند از کجا وارد شده یا بدانند که از بلاد مسلمین است مانع ندارد، و اگر بدانند از بلاد کفر وارد می‌شود، در صورتی محکوم به حلیت است که وارد کننده مسلمان باشد و احتمال بدهند که احراز تذکیه آن را کرده و در دسترس مسلمین قرار داده است.

س ۴۹۰- اگر زائرین در مکه ۱۰ روز بمانند و در بین این ده روز برای زیارت اماکن مقدسه به عرفات و مشعر و منی بروند حکم

نمازشان از نظر قصر و اتمام چیست؟

ج- در مکه نمازشان تمام است.

س ۴۹۱- آیا غار حرا و ثور جزء محدوده مکه است؟

ج- در زمان ما هر دو جزء محدوده مکه است.

ص: ۲۰۴

فصل دوازدهم:**«حکم مصدود و محصور»**

مسأله ۴۹۲- مصدود عبارت است از کسی که دشمن او را منع کند از عمره، و محصور آن است که بواسطه مرض ممنوع شود از عمره.

مسأله ۴۹۳- کسی که مُحرم شد به احرام عمره مفرده، واجب است عمره را تمام کند و اگر نکند به احرام باقی خواهد ماند.

مسأله ۴۹۴- اگر کسی احرام عمره را بست و بعد از آن دشمنی یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را منع کنند از رفتن به مکه، و راه دیگری نباشد جز آن راهی که ممنوع است یا اگر باشد مؤونه آنرا نداشته باشد می‌تواند در همان محل که ممنوع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود، و احتیاط واجب آن است که به نیت تحلیل قربانی کند، و به احتیاط واجب قدری از مو یا ناخن خود را بگیرد، و می‌تواند بجای تقصیر سر بتراشد و در اینصورت بر او همه چیز حلال می‌شود حتی زن.

مسأله ۴۹۵- اگر کسی به احرام عمره وارد مکه شد و دشمنی یا کسی دیگر او را از بجا آوردن اعمال عمره منع کرد همان حکم

ص: ۲۰۵

مسئله پیش را دارد، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز منع کند همین حکم را داشته باشد.

مسئله ۴۹۶- کسی را که بواسطه بدهکاری که ندارد بدهد، حبس کنند یا به ظلم حبس کنند حکم سابق را دارد.

مسئله ۴۹۷- اگر بعد از احرام برای رفتن به مکه یا اجازه بجا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند پس اگر داشته باشد باید بدهد، مگر آنکه حرجی باشد، و اگر نداشته باشد یا حرجی باشد ظاهراً حکم مصدود را داشته باشد.

مسئله ۴۹۸- اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و مخارج رفتن از آن راه را دارد باید به احرام باقی بماند و از آن راه برود، و باید عمره مفرده بجا آورد و از احرام خارج شود.

مسئله ۴۹۹- کسی که مصدود است اگر امید یا گمان برطرف شدن مانع را داشته باشد نمی‌تواند در ابتداء به دستوری که گفته شد از احرام خارج شود.

مسئله ۵۰۰- کسی که مُحْرَم به احرام عمره مفرده شد و بواسطه مرض نتوانست برود به مکه اگر بخواهد مُحَلَّ شود یا باید در همانجا هدی کند و بعد تقصیر نماید و یا باید هدی یا پول آنرا بفرستد بوسیله امینی به مکه و با او قرارداد کند که در چه روز و چه ساعتی آنرا در مکه ذبح کند و وقتی که روز و ساعت موعود رسید تقصیر کند، پس از آن هر چه بر او حرام شده بود حلال می‌شود مگر

زن

ص: ۲۰۶

و احتیاط آن است که نایب در ذبح، قصد تحلیل منوب عنه کند.

مسئله ۵۰۱- کسی که بواسطه مرض محصور شد زن بر او حلال نمی‌شود مگر آنکه خودش بیاید و اعمال عمره را بجا بیاورد و طواف نساء بکند ولی اگر بوظیفه محصور عمل کرده و یا توسط نایب در مکه قربانی کرده و خودش تقصیر نموده یک طواف نساء کافی است، اما اگر عاجز شد از آمدن به مکه، بعید نیست کفایت عمل نایب برای تحلیل زن بر او و لکن احتیاط واجب آن است که در صورت امکان خودش برود.

مسئله ۵۰۲- اگر مریض بعد از آنکه هدی یا پولش را فرستاد قبل از تحلل به هدی و تقصیر حالش خوب شد بطوریکه توانایی رفتن به مکه را داشت باید برود و اعمال عمره را بجا آورد.

مسئله ۵۰۳- مصدود به دشمن در حکمی که برای مریض در مسئله پیش ذکر شده مانند اوست.

مسئله ۵۰۴- کسانی که مریض نیستند لکن بعلت دیگر بعد از احرام نتوانستند به مکه بروند مثل کسی که پایش یا کمرش شکسته یا بواسطه خونریزی ضعف بر او مستولی شده حکم مریض را دارند بنابراین اگر بتوانند به مکه بروند باید اعمال عمره را انجام دهند و اگر ممکن نشد باید آنها را طواف و سعی بدهند و اگر آن هم ممکن نشد نایب بگیرند، و چنانچه نمی‌توانند به مکه بروند حکم محصور را دارند.

ص: ۲۰۷

«مسائل متفرقه مصادود و محصور»

- س ۵۰۵- شخصی به نیت عمره برای یکی از معصومین علیهم السلام یا یکی از شهدا مُحرم شد و طواف و نماز طواف عمره را بجا آورد و قدرت بر اتمام عمل از او سلب شد آیا همان حکم محصور و مصادود را دارد؟
- ج- اگر مریض شده یا دشمن او را منع کرده و نمی‌تواند اعمال را تمام کند و نایب هم نمی‌تواند بگیرد، حکم محصور و مصادود را دارد.
- س ۵۰۶- آیا تصادف در احرام، حصر است و باید عملی که محصور انجام می‌دهد بجا آورد؟
- ج- بلی، با شرایط معتبره در حصر، حکم حصر بر آن مترتب می‌شود.
- س ۵۰۷- شخصی بعد از آنکه مُحرم شده دچار سکت قلبی می‌شود بگونه‌ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، وظیفه او چیست؟
- ج- حکم محصور را دارد.
- س ۵۰۸- شخصی در مدینه مصادوم می‌شود، او را به مسجد شجره می‌آورند و مُحرم می‌نمایند آیا احرام او صحیح است و وظیفه بعدی او چیست؟ و اگر نتواند عمره انجام دهد تکلیف او چیست؟

ص: ۲۰۸

ج- احرام اوصحیح است و چنانچه بتواند به مکه برود باید اعمال عمره را انجام دهد و اگر نتوانست باید او را طواف و سعی بدهند و اگر ممکن نشد باید برای طواف و سعی نایب بگیرد و چنانچه نتواند به مکه برود حکم محصور را دارد.

س ۵۰۹- اگر شخصی بعد از احرام توسط مأمورین دولت دستگیر شده و او را به ایران فرستاده‌اند و اجازه ندادند در آنجا قربانی کند و یا قربانی پیدا نشد تکلیف او چیست؟

ج- می‌تواند در محل خود هدی کند و پس از تقصیر از احرام خارج شود.

فصل سیزدهم:

«احرام اطفال و کودکان»

مسأله ۵۱۰- از برای بچه ممیز مستحب است عمره رفتن و صحیح است عمره او اگر چه ولی او اذن ندهد.

مسأله ۵۱۱- مستحب است ولی طفل غیر ممیز مُحرم کند او را و لباس احرام به او بپوشاند و نیت کند که «این طفل را مُحرم می‌کنم برای عمره» و اگر می‌شود تلبیه را تلقین کند به او، والا خودش به عوض او بگوید.

مسأله ۵۱۲- مقصود از ولی در این امر همان ولی شرعی است مانند: پدر و جدّ و یا وصی یکی از آن دو و همچنین حاکم و امین از طرف حاکم یا وکیل یکی از آنها بنابراین عمو و دایی و برادر و مادر و دیگران نباید بچه را مُحرم کنند.

مسأله ۵۱۳- بعد از آنکه طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولی، او را از محرمات احرام بازدارد، و اگر ممیز نیست خود ولی حفظ کند او را از محرمات.

مسأله ۵۱۴- بعد از اینکه طفل مُحرم شد اگر محرمات احرام را بجا

ص: ۲۱۰

آورد یا ولی، او را از آنها بازداشت کفاره بر ولی طفل است نه بر مال طفل بنابر اقوی درصید و بنابر احتیاط واجب در غیر آن. مسأله ۵۱۵- در تمام اعمال عمره باید ولی، طفل را وادار کند که بجا آورد و اگر نمی‌تواند ولی او به نیابت طفل بجا آورد و در اعمالی که نیاز به وضو دارد احتیاطاً طفل را هم وضو بدهد.

س ۵۱۶- اگر دختر بچه سه ساله را مادرش در سفر مکه معظمه همراه ببرد و در میقات نیت احرام و تلبیه را از جانب دخترش انجام بدهد و در طواف عمره و سعی بینصفا و مروه و طواف نساء، مادر از طرف دختر نیت نموده و خود دختر را طواف و سعی بدهد و آنچه از اعمال عمره که دختر قادر نیست مادرش از جانب او انجام دهد، آیا آن دختر بعد از بلوغ و رشد می‌تواند شوهر نماید یا خیر؟

ج- ولی شرعی می‌تواند طفل را مُحرم کند و اعمال عمره را از طرف او انجام دهد و مادر ولی شرعی نمی‌باشد.

س ۵۱۷- اگر اطفال غیر ممیز- پسر یا دختر- را پدر و یا مادر در سفر مکه معظمه همراه ببرند آیا واجب است که پدر یا مادر در صورت تمکن اطفال، خود اطفال را وادار به انجام اعمال عمره و طواف نساء نمایند و یا خود پدر و مادر و یا نایب ایشان اعمال عمره و طواف نساء را از جانب اطفال بجا آورند و اگر هیچ کدام کارهای مذکور فوق را پدر و مادر و اطفال عملی نکنند آیا این اطفال بعد از بلوغ و رشد می‌توانند ازدواج کنند و یا باید به مکه بروند

ص: ۲۱۱

و عمره و طواف نساء را انجام دهند و بعد ازدواج نمایند، و یا تنها طواف نساء بر گردن آنان است؟

ج- بر ولیّ طفل واجب نیست او را مُحرم کند یا از طرف او عمره انجام دهد، ولی اگر او را مُحرم کرد باید وظایف و اعمال را مطابق وظیفه‌ای که در مناسک و رساله ذکر شده است انجام دهند و گرنه در بعضی‌صوَر، طفل در احرام باقی می‌ماند و تا تدارک نکند نمی‌تواند ازدواج نماید و مادر، ولیّ شرعی طفل نمی‌باشد.

س ۵۱۸- پدری بچه غیر ممیّز خود را همراه خود برای عمره برده، اکنون طبق فتوای چه کسی باید او را مُحرم کند؟

ج- به فتوای مجتهدی که خودش از او تقلید می‌کند.

تذکر و یادآوری:

گرچه مُحرم کردن اطفال و کودکان مستحب است لیکن توصیه می‌شود کسانی که فرزندان خردسال و اطفال را همراه خود به مکه می‌برند و آشنایی کامل به مسایل و مناسک و اعمال عمره خصوصاً مسائل طواف ندارند از مُحرم کردن اطفال خود پرهیز کنند زیرا ممکن است نتوانند از عهده اعمال بخوبی برآیند و علاوه بر اینکه در انجام مُحَرّمات مرتکب معصیت می‌شوند در بعضی موارد اطفال در احرام باقی می‌مانند و مشکلاتی را برای آنان بوجود می‌آورند، بنابراین بهتر است اطفال را در مسجدالحرام در طواف‌های مستحبی شرکت دهند.

اماکن مقدّسه مکه معظمه و حوالی آن

اماکن مقدّسه در مکه معظمه و حوالی آن، بسیار است و به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مسجد الجنّ: در نزدیکی قبرستان ابوطالب واقع شده و سوره مبارکه جنّ در این مکان نازل گردیده است.

مسجد الرایه: در نزدیکی مسجدالحرام واقع شده و در هنگام فتح مکه معظمه، پرچم فتح و پیروزی در این مکان نصب گردید.

مسجد خیف: در منی واقع است و نماز در آنجا ثواب بسیاری دارد و امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید که هزار پیامبر در آنجا نماز خوانده است و در مستحبات منی ذکر گردید.

مسجد ابراهیم: در بالای کوه ابوقبیس واقع است.

مسجد البیعه: مسجدی است که نزدیک جمره عقبه واقع شده و در این مسجد، عده‌ای از انصار با حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردند.

مسجد التّحرّ: بین جمره اوّل و جمره دوّم واقع شده است.

مسجد الصّفایح: در جنوب مسجد خیف، و در دامنه کوه صّفایح واقع شده است.

در تمامی این مساجد، نماز خواندن مستحبّ می‌باشد.

ص: ۲۱۳

حطیم: بین درب کعبه مکرمه و رکن حجرالاسود را حطیم می‌گویند و جایگاهی است بسیار مقدس که دعا در آنجا به هدف اجابت رسیده و از شریفترین امکنه در مسجدالحرام بشمار می‌رود.

مُستجار: نزدیک رکن یمانی و محاذی درب کعبه از پشت بیت را مُستجار می‌گویند و در فضیلت آن مکان شریف، اخبار زیادی است که در مستحبات مسجدالحرام ذکر گردید.

محلّ ولادت حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم: در میدانی، نزدیک سوق اللیل واقع شده و فعلاً آن محلّ شریف، کتابخانه است.

محلّ ولادت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام: در داخل کعبه مکرمه واقع است.

محلّ ولادت حضرت فاطمه زهراء علیها السلام: و معروف به زقاق الحَجَر است و فعلاً آن خانه بصورت مسجد درآمده است.

و در این مکان گروهی از علویات و ذریّه حضرت فاطمه زهراء علیها السلام به رهبری جناب حسین بن علی بن حسن بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب - سلام الله علیهم اجمعین - قیام نموده و در روز ترویبه سال ۱۶۹ هجری بدست دژخیمان هادی عباسی شهادت رسیدند و در آن مکان دفن گردیدند.

قبرستان ابوطالب: در شمال شرقی مکه معظمه واقع شده و قبرستان قریش، قبرستان بنی هاشم، حُجون نیز خوانده می‌شود.

مزار مقدس جناب عبدالمطلب (جدّ حضرت پیامبر اکرمصلی الله علیه و آله و سلم) و جناب ابوطالب (پدر بزرگوار حضرت علی علیه السلام) و حضرت خدیجه

ص: ۲۱۴

(همسر گرامی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) و جناب عبد مناف، در آن قبرستان واقع است. علاوه بر اینها عدّه‌ای از بزرگان و علماء نیز همانند علامه میرزا محمد استرآبادیصاحب رجال کبیر، علامه میرمحمد مؤمن استرآبادیصاحب کتاب الرّجعه، و علامه شهید میرزین العابدین حسینی کاشانی و محقق بزرگوار شیخ محمّد فرزندصاحب معالم نیز در آنجا مدفون هستند.

قبر جناب آمنه (والده حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم): در محلی بنام ابواء (۱) بین راه مکه معظمه و مدینه منوره واقع است.

قبر جناب میمونّه (همسر گرامی حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم): در دو فرسخی مکه معظمه، در محلی بنام سرف واقع است.

کوه حراء: در شمال شرقی مکه معظمه و در راه عرفات قرار دارد و در آنجا غاری است که حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم در قبل از بعثت، مدتها در آنجا به پرستش خداوند متعال می‌پرداخت و در همین محلّ بود که جبرئیل امین، اولین وحی الهی را درباره نبوت و رسالت برای آن حضرت آورد.

کوه ثور: در جنوب شهر مکه معظمه واقع شده و در او غاری است که حضرت رسول اکرمصلی الله علیه و آله و سلم در هنگام هجرت برای رهایی از خطر مشرکین، چند روزی در آن غار مخفی شدند.

۱- - ابواء تا جحفه ۲۳ میل است، معجم البلدان، ج ۲، ص ۷۹

ص: ۲۱۵

مدینه منوره

اشاره

شهر مدینه منوره

زیارت قبر شریف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

زیارت حضرات ائمه بقیع علیهم السلام

قبرستان بقیع

کوه احد

اماکن مقدسه مدینه منوره و حوالی

ص: ۲۱۶

مدینه منوره

مدینه منوره در شمال شهر مکه معظمه و شمال شرقی شهر جدّه قرار گرفته که فاصله‌اش تا مکه معظمه در حدود ۸۵ فرسخ (۱) و تا جدّه در حدود ۷۳ فرسخ است.

نام اصلی این شهر مقدّس، پیش از هجرت، یثرب بود که پس از هجرت بنام مدینه النبی مشهور گشت و جایگاه تجلیات انوار حق و مرکز پیدایش توحید و دوّمین شهر مقدّس و با عظمت اسلام است.

مدینه سرزمینی است که سالها مرکز نزول جبرئیل و وحی الهی بود، و شعاع نور اسلام از این سرزمین بسراسر جهان پرتو افکند و مردم را از منجلاب سقوط و بدبختی به شاهراه هدایت و سعادت راهنمایی کرد.

در هر بخشی از این شهر مقدّس، سرگذشتهای، مجاهدتها، موعظه‌ها، اندرزها، مظلومیت‌ها و ظلم‌های از حدّ فزون نهفته است.

در این شهر مقدّس است که یگانه منجی عالم بشریت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت صدیقه طاهره علیها السلام و حضرت امام حسن و حضرت امام محمد باقر و حضرت امام زین العابدین و حضرت امام جعفر صادق - سلام الله علیهم اجمعین - بطور مظلومانه مدفون هستند.

ص: ۲۱۷

و گذشته از این حَضْرَات، گروهی نیز از خاندان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب و یاران آنحضرت در این شهر مدفون می‌باشند.

لذا بر زائرین بیت‌الله الحرام لازم است وقت را مُغْتَم شمرده و از فیوضات و برکات این شهر مقدّس بهره‌مند شوند. در شهر مدینه منوره، اماکن مقدّسه بسیاری وجود دارد که مهمترین آنها مسجدالنبی است.

ص: ۲۱۸

مسجدالنبی

اشاره

مسجدالنبی دوّمین مسجد مشهور جهان اسلام بشمار می‌رود که قسمت اصلی «(۱)» آن بوسیله خود حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ساخته شده و بعدها بمقتضای ضرورت، بارها توسعه یافته است و دارای ستونهای متعددی می‌باشد که مشهورترین آنها استوانه توبه «(۲)» و مَحْرَس و وفود است. مسجدالنبی دربهای ورودی متعددی دارد. «(۳)»

صَفَه

در جهت شمالی حجره مطهره، نزدیک باب جبرئیل، سکوئی به ارتفاع ۴۰ سانتیمتر و بطول ۱۲ متر و عرض ۸ متر وجود دارد که بنام محلّ اصحابِصَفَه معروف است.

- ۱- قسمت اصلی مسجدالنبی از شمال بجنوب ۳۵ متر و از مشرق بمغرب ۳۰ متر بود. مرآةالحرمین، ج ۱، ص ۴۶۱
- ۲- استوانه توبه، که استوانه ابولبابه نیز گفته می‌شود. می‌گویند ابولبابه بشیر بن عبدالمنذر در سپاه اسلام در غزوه تبوک، مرتکب خلافی شد و بعد پشیمان گشت و خود را بهمین ستون بست و سوگند یاد کرد که نخورد و نیشامد تا خداوند توبه او را قبول کند و مدّت هفت روز در این حال بود تا خداوند توبه او را قبول نمود
- ۳- مشهورترین دربهای مسجد عبارتند از: باب السلام، باب الرّحمه، باب النساء، باب جبرئیل و ..

ص: ۲۱۹

اصحابِ مَهْ جماعتی از فقرای مدینه بودند که چون در مدینه مسکن و مأوایی نداشتند در این محل که جایی سقف‌دار بود سکونت می‌کردند و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم توانگران را امر می‌فرمودند که به آنها کمک کنند و خود آنحضرت با آنان می‌نشست و غذا تناول می‌فرمود و به آنها قرآن را می‌آموخت و تعداد آنان را از ۱۰ تا ۹۳ نفر و بعضی تا ۴۰۰ نفر نقل نموده‌اند.

در روایت وارد شده یک رکعت نماز در مسجدالنبی از ده هزار رکعت نماز در مساجد دیگر (غیر از مسجدالحرام) افضل است و بهترین مکان در مسجد، مابین قبر و منبر است چنانکه فرموده: «مَا بَيْنَ قَبْرِی وَمَنْبَرِی رَوْضَةٌ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ». لذا بر زائرین محترم وظیفه است تا بتوانند فرصت را مغتنم شمرده و بسیار، نماز بجای آورند که زیارت این مکان شریف همیشه میسر نمی‌شود.

ص: ۲۲۰

قبر شریف پیامبر**اشاره**

در جنوب شرقی مسجدالنبی، آرامگاه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که بر حسب وصیت آنحضرت در خانه مسکونی خود مدفون گردید.

قبر مطهر دارای یک ضریح فولادی است که چهار درب ورودی دارد و گنبد بارگاه شریف نیز یک گنبد بسیار باشکوهی است که به سال ۱۲۵۵ ه. ق. رنگ سبز زده شده و به قُبَّةُ الْخَضْرَاءِ معروف می‌باشد.

آداب زیارت

علماء و فقهاء همانند مرحوم شهید و مجلسی - رضوان الله عليهم اجمعین - آداب و اعمالی را برای زائرین، بیان فرموده‌اند که به برخی از آن اشاره می‌شود.

۱- پیش از ورود به حرم مطهر، غسل زیارت نماید.

۲- در اثناء غسل، این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِزْزًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَآفَةٍ وَعَاهِيَةِ اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْرِي وَسَهِّلْ بِهِ أَمْرِي.

ص: ۲۲۱

و پس از غسل نیز این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَطَهْرًا وَحِزْبًا وَكَافِيًا مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَيْئَمٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهِيَةٍ وَطَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعِظَامِي وَلَحْمِي وَدَمِي
وَشَعْرِي وَمُخِّي وَعَصَبِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَاجْعَلْهُ لِي شَاهِدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي.

۳- جامه‌های نظیف و پاکیزه بپوشد.

۴- موقع ورود، اذن دخول بخواند.

۵- در هنگام وارد شدن پای راست و در موقع بیرون آمدن، پای چپ را مقدم بدارد.

۶- پس از خواندن زیارت، نماز زیارت بخواند و مستحب است در رکعت اول بعد از حمد، سوره مبارکه یس و در رکعت دوم پس از حمد، سوره الرحمن بخواند.

۷- آنچه می‌تواند دعا کند.

۸- آنچه می‌تواند قرآن تلاوت نماید.

ص: ۲۲۲

اذن دخول حرم شریف

(و هر یک از حرهای شریفه)

مستحب است که از باب جبرئیل وارد روضه مطهره شود و هنگام ورود بگوید:

اللَّهُمَّ اِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ ابْوَابِ بَيْتِ نَبِيِّكَ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ اَنْ يَدْخُلُوا اِلَّا بِاِذْنِهِ فَقُلْتُ يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَيْتَ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَعْتَقَدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا اَعْتَقَدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَاَعْلَمُ اَنَّ رَسُوْلَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُوْنَ بِرَوْحِ مَقَامِي وَيَسْمَعُوْنَ كَلَامِي وَيَرُدُّوْنَ سِيَلاَمِي وَاَنْكَ حَاجِبَتِ عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَدِيْدِ مُنَاجَاتِهِمْ وَاِنِّي اَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ اَوَّلًا وَاَسْتَأْذِنُ رَسُوْلَكَ لِيْ اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا ^(۱) وَالْمَلَائِكَةَ الْمُؤَكَّلِيْنَ بِهَذِهِ التَّبْعِيَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا اَدْخُلْ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ اَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ اَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللّٰهِ الْمُقَرَّبِيْنَ الْمُقِيْمِيْنَ فِيْ هَذَا الْمَشْهَدِ فَادْنُ لِيْ يَا

۱- اگر اذن دخول برای ورود به حرم مطهر یکی از امامان باشد بعد از کلمه ثانیاً بگوید: **وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْاِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ وَ سَبَسِ نَامِ اَنْ اِمَامِ رَا بَبِرِد وَ تَتْمَهُ رَا بَخَوَانِد**

ص: ۲۲۳

مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ اَفْضَلَ مَا اِذْنَتْ لِاحِدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ فَاِنْ لَمْ اَكُنْ اَهْلًا لِدَلِيكَ فَانْتَ اَهْلٌ لِدَلِيكَ.

پس عتبه مبارکه را ببوسد و داخل شود و بگوید:

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلَىٰ مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ.

کیفیت زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

هنگامی که داخل روضه مطهر شد صد مرتبه الله اکبر بگویند و دو رکعت نماز تحیت بگذارد و سپس به طرف حجره شریفه برود و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَاَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَاَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى اتَيْكَ الْيَقِينُ فَصَلِّ لِمَا تُرِيدُ اللَّهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

پس نزد ستونی که جانب راست قبر مطهر است رو به قبله بایستد بطوریکه دوش چپ بجانب قبر و دوش راست بجانب منبر باشد و بگوید:

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَاَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَيْحَتِ لِمَمَّتِكَ وَجَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ حَتَّى اتَيْكَ الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَاَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَاَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغُلِّظْتَ عَلَى الْكٰفِرِينَ فَبَلِّغِ اللَّهُ بِكَ اَفْضَلَ شَرَفِ

ص: ۲۲۵

مَحِلُّ الْمُكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرُكِ وَالضَّلَالَةِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ لِمَوَاتِكَ وَصِيْلَمَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَاهْبِلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَامِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَصِيْفِيكَ وَخَاصَّتِكَ وَصِيْفَوْتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ اعْطِهِ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَآتِهِ الْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَعْطِيهِ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ اللَّهُمَّ أَنْكَ قُلْتَ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً وَأَنْى اتَّيْتُكَ مُسْتَعْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَأَنْى اتَّوَجَّهْتُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّى وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي.

پس دستها را بلند کرده و حاجت خود را بخواهد که انشاءالله تعالی برآورده می شود آنگاه دعایی را که حضرت امام زین العابدین علیه السلام می خوانده بخواند:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْجَأْتُ أَمْرِي وَالِي قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اسْتَنْدْتُ ظَهْرِي وَالْقَبْلَةَ الَّتِي رَضَيْتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَقْبَلْتُ اللَّهُمَّ أَنى اصْبِرْ لِي مَا أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو لَهَا وَلَا أَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَحْذَرُ عَلَيْهَا اصْبِرْ لِي وَالْأُمُورَ بِيَدِكَ وَلَا فَقِيرَ أَفْقَرٍ مِنِّي أَنى لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ

ص: ۲۲۶

خَيْرٍ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ وَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ اللَّهُمَّ انِّي اعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ تُعَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتِكَ عَنِّي اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَحَمَلْنِي بِالنَّعَمِ وَأَعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَأَرْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ.

پس دو رکعت نماز به نیت نماز زیارت بجا آورده و سپس بگوید:

اللَّهُمَّ انِّي صَلَّيْتُ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدْيَةً مِنِّي اِلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي وَاجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ جِزَاءَ الْمُحْسِنِينَ اللَّهُمَّ لَكَصَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَحَدَّثَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّهُ لَا تَكُونُ الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ مِنِّي زِيَارَتِي وَأَعْطِنِي سُؤْلِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

وداع حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

هنگامی که اراده کرد آن حضرت را وداع نماید، بگوید:

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنَّ تَوْفِيقِي قَبْلَ ذَلِكَ فَأَنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّكَ قَدِ اخْتَرْتَ مِنِّي أَهْلَ بَيْتِي الْأَيْمَةَ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً فَاحْشُرْنَا مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لَوَائِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و همچنین بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْيَالِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تَنْجَسِكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسِكَ مِنْ مِيدَلِهَمَاتِ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ مُوقِنٌ بِجَمِيعِ مَا آتَيْتَ بِهِ رَاضٍ مُؤْمِنٌ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ أَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى

ص: ۲۲۸

وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ وَأَنْ تَوْفَيْتَنِي فَأَنْيَ اشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا اشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي
 أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ الْبَائِمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ أَوْلِيَاءُوكَ وَأَنْصَارُكَ
 وَحُجَجُكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ وَأَعْلَامِكَ فِي بِلَادِكَ وَخُرَّانِ عِلْمِكَ وَحَفْظَةِ سِرِّكَ وَتَرَاجِمُهُ وَحَيْكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ فِي سَاعَتِي هَذِهِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحْيِيهِ مِنِّي وَسِيَّلاماً وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.

زیارت حضرت فاطمه زهراء عليها السلام

در محلّ دفن حضرت تصدّیقه طاهره فاطمه زهراء - سلام الله علیها - بین روّات و محدّثین اختلاف است.

عده‌ای می‌گویند که قبر آن مظلومه در خانه خودش است.

جمعی نیز معتقدند که در روضه مطهره، مابین قبر و منبر مدفون است.

بعضی دیگر می‌گویند که آن مخدّره در طرف جنوبی ائمه بقیع مدفون شده است.

و اظهر آنستکه در بقیع مدفون شده است ولی بهتر آنستکه آن مخدّره در هر سه موضع، زیارت شود و چنین گوید:

يا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنِكَ اللهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ فَوَجِدَكَ لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَزَعَمْنَا أَنَّ لَكَ أَوْلِيَاءَ وَمُضِيَّةً دُقُونَ وَصَابِرُونَ لِكُلِّ مَا

اتانا بِهِ أَبُو كَصَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاتَى بِهِ وَصِيُّهُ فَأَنَا نَسْتُلُكَ أَنْ كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقَّتْنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا لُبَشْرٍ أَنْفُسَنَا بِأَنَا قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.

و همچنین بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللهِ

ص: ۲۳۰

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ امِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ
وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبُرِّيَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَيْنِ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ
اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَى شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّادِقَةُ الشَّهِيدَةُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَوْرَاءُ الْأَنْسِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّقِيَّةُ
النَّقِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْصُوبَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَرَحِمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ
وَأَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَرُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ أَشْهَدُ (۱) اللَّهُ وَرُسُلُهُ وَمَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ سَاحِطٌ عَلَى مَنْ

ص: ۲۳۱

سَخَطْتِ عَلَيْهِ مُتَبَرِّءٌ مَمَّنْ تَبَرَّئْتَ مِنْهُ مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتِ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ مُبْغِضٌ لِمَنْ ابْغَضْتِ مُحِبٌّ لِمَنْ احْبَبْتِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَازِياً وَمُثِيباً.

پس بر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام صلوات می فرستد بدین طریق:

اللَّهُ مَّصَلُّ وَسَيَلَّمُ عَلَى عَيْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَخَيْرِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَصَلِّ عَلَى وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَامَامِ الْمُسْلِمِينَ وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ وَصَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَصَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَصَلِّ عَلَى الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الْكَاظِمِ الْغَيْظِ فِي اللَّهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصَلِّ عَلَى الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَصَلِّ عَلَى التَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَصَلِّ عَلَى النَّقِيِّ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى الزَّكِيِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَصَلِّ عَلَى الزَّكِيِّ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ اللَّهُمَّ احْيِ بِهِ الْعِدَلَ وَامِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَاطْهَرْ بِهِ دِينَكَ وَسَيِّئَةَ نَبِيِّكَ حَتَّى لَا يَسْتَتَخْفَى بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَالْمَقْبُولِينَ فِي زُمْرَةِ أَوْلِيَائِهِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

ص: ۲۳۲

اللَّهُ مَصْلٌ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيراً.

آنگاه نماز زیارت بخواند و سپس بگوید:

اللَّهُمَّ اِنِّي اتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنا مُحَمَّدٍ وَبِاهْلِ بَيْتِهِصَلِّ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَاسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمُ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَاسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَبِاسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ ادْعُوكَ بِهَا وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي أَمَرْتَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ أَنْ يَدْعُو بِهِ الطَّيْرَ فَاجَابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ بَرْدًا وَبِاسْمِ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَاشْرَفَهَا وَأَعْظَمَهَا لَدَيْكَ وَاسْرِعْهَا اجَابَةً وَأَنْجِحْهَا طَلِبَةً وَبِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَجِيبُهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَأَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَارْعُبُ إِلَيْكَ وَأَتَضَرَّعُ وَالْحُجُّ عَلَيْكَ وَاسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَصَلِّ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزُّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ فَإِنَّ فِيهَا اسْمُكَ الْأَعْظَمَ وَبِمَا فِيهَا مِنْ اسْمَائِكَ الْعُظْمَى أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيَعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي وَتَفْتَحَ ابْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي وَتَرْفَعَهُ فِي عَلِّيْنَ وَتَأَذَّنَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي وَاعْطَاءِ أَمَلِي وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقُدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ

ص: ۲۳۳

وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ احْسَنَ الْأَسْمَاءِ يَا مَنْ سَمِيَ نَفْسُهُ بِالْأَسْمِ الَّذِي يُقْضَى بِهِ حَاجَتُهُ مَنْ يَدْعُوهُ اسْأَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ
 الْأِسْمِ فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُقْضِيَ لِي حَوَائِجِي وَتَسْمَعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ
 وَعَلِيَّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ
 عَلِيٍّ وَالْحُجَّةَ الْمُنتَظِرَ لِأَذِنِكَ صَلَوَاتِكَ وَسَلَامِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي لِيُشْفَعُوا لِي إِلَيْكَ وَتُشَفِّعَهُمْ فِيَّ وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا بِحَقِّ
 لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ.

حاجات خود را از خداوند بخواهد که انشاء الله تعالی برآورده می شود.

ص: ۲۳۴

قبرستان بقیع

قبرستان بقیع مشهورترین و قدیمی‌ترین قبرستان در تاریخ اسلام است که در شرق مدینه واقع شده که فاصله‌اش تا مسجدالنبی ۴۳۳ ذراع است.

قبر مطهر حضرت امام حسن مجتبی و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق - سلام الله علیهم اجمعین - در این قبرستان و در کنار هم قرار گرفته و بنا به گفته بعضی از مورّخین، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نیز در این قبرستان مدفون است. اول کسی که در قبرستان بقیع دفن گردید عثمان بن مظعون یکی از صحابه وفادار حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود.

صاحب مرآة الحرمین ^(۱) می‌گوید: که بیش از ده هزار نفر از اصحاب و تابعین و بنی هاشم در این قبرستان مدفون هستند از جمله: ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که قبرش نزدیک در بقیع واقع شده است. مخدّره جلیله فاطمه بنت اسد والده گرامی حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام.

۱- - مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۵

ص: ۲۳۵

عبّاس بن عبدالمطلب، که قبر هر دو نزدیک قبور ائمه بقیع است.
صَفِیّه و عاتِکه، عمّه‌های حضرت رسول اکرم‌صلی الله علیه و آله و سلم.
أمّ البنین، همسر گرامی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، که قبر آنها در بقیع قرار دارد.
زینب و رقیه و امّ کلثوم دختران حضرت رسول اکرم‌صلی الله علیه و آله و سلم که قبرشان نزدیک قبور ائمه بقیع است.
اسماعیل پسر حضرت امام جعفرصادق علیه السلام، قبرش در بقیع واقع شده است.
خلیمه سعیدیّه مادر رضاعی حضرت پیامبر اکرم‌صلی الله علیه و آله و سلم که قبرش در انتهای بقیع است.

زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

حضرت امام زین العابدین علیه السلام

حضرت امام محمد باقر علیه السلام

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

اگر کسی خواست این بزرگواران را زیارت نماید باید آنچه در آداب زیارت وارد شده همانند غسل و طهارت و پوشیدن جامه‌های

پاک و استعمال بوی خوش و ... انجام دهد و پس از ورود به حرم مطهر بگوید:

یا مَوَالِیَّ یا اِبنَاءَ رَسولِ اللّهِ عَبدُکُمْ وَاِبنُ اَمَتِکُمْ الذَّلِیلُ بَینَ اَیْدِیکُمْ وَالْمُضْعِفُ فی عُلُوِّ قَدْرِکُمْ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّکُمْ جَائِکُمْ مُسْتَجِیراً بِکُمْ
قاصِداً الی حَرَمِکُمْ مُتَقَرِّباً الی مَقامِکُمْ مُتَوَسِّلاً الی اللّهِ تَعالی بِکُمْ ءَاذِخُلُ یا مَوالیّ ءَاذِخُلُ یا اَوْلِیاءَ اللّهِ ءَاذِخُلُ یا مَلائِکَةَ اللّهِ الْمُحَدِّقِینَ
بِهَذا الحَرَمِ الْمُقِیمِینَ بِهَذا المَشْهَدِ.

با کمال خشوع و خضوع وارد شده و بگوید:

اللّهُ اکْبَرُ کَبِیراً وَالْحَمْدُ لِلّهِ کَثِیراً وَسُبْحانَ اللّهِ بُکْرَةً وَاَصِیلاً وَالْحَمْدُ لِلّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْوَاحِدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ

ص: ۲۳۷

الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ وَسَهْلَ زيارَةَ ساداتي بِإِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زيارَتِهِمْ مَمْنُوعاً بَلْ تَطَوَّلَ وَمَنَحَ.
آنگاه روبروی قبور مقدسه ایستاده و بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِيْمَةُ الْهُدَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِهْلِ التَّقْوَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِيْهِيَ الْحُجَّجِ عَلَى اِهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِيْهِيَ الْقَوَّامُ فِي الْبَرِيَّةِ
بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِهْلِ الصَّفْوَةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اِهْلِ النَّجْوَى اَشْهَدُ اَنْكُمْ قَدْ بَلَغْتُمْ وَنَصَيْحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي
ذَاتِ اللَّهِ وَكُذِّبْتُمْ وَاسِيءَ الْيُكُومِ فَغَفَرْتُمْ وَاشْهَدُ اَنْكُمْ الْبَائِئِمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَانَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَانَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ وَانَّكُمْ
دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَامَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَانَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَارْكَانُ الْأَرْضِ لَمْ تَزَلُوا بَعِيْنَ اللَّهِ يَنْسِيْ حُكْمَ مَنْ اضْيَلَّ مِنْ اَضْيَالِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ
مِنْ اَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدَسِّسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فَتَنُ الْأَهْوَاءِ طَبْتُمْ وَطَابَ مَبْتُتُكُمْ مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ
فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ اِذْنِ اللَّهِ اَنْ تُزْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صِلْمَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا اِذْ اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا
بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَيِّمِينَ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنَا اِيَّاكُمْ وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ اسْرِفٍ وَاخْطَا وَاسْتِكَانٍ وَاقْرَبِ مَا جَنَى
وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ وَانَّ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكِيِّ مِنَ الرَّدَى فَكُونُوا لِي شَفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ اِيْكُمْ اِذْ رَغَبَ

ص: ۲۳۸

عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَاتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسِيهُو وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ الْمَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَعَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّدَ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ وَاسْتَحْفُوا بِحَقِّهِ وَمَالُوا إِلَى سِوَاهُ فَكَانَتْ الْمِنَّةُ عَلَيْكَ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ فَلكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَلَا تُخَيِّبْنِي فِي مَا دَعَوْتُ بِحُزْمِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

هشت رکعت نماز (هر دو رکعت به یک سلام) بخواند.

زیارت دوم:

این زیارت را علامه مجلسی در کتاب مزار بحار الانوار ذکر نموده است و در اینجا بجهت مزید ثواب ذکر می‌شود:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّمَّةَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَادَةَ الْمُتَّقِينَ وَكُبْرَاءَ الصُّدِّيقِينَ وَأَمْرَاءَ الصَّالِحِينَ وَقَادَةَ الْمُحْسِنِينَ وَأَعْلَامَ الْمُهْتَدِينَ وَأَنْوَارَ الْعَارِفِينَ وَوَرَثَةَ الْأَنْبِيَاءِ وَصِيفَةَ الْأَصْفِيَاءِ وَخَيْرَةَ الْأَتْقِيَاءِ وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ وَشُرَكَاءَ الْفُرْقَانِ وَمَنْهَجَ الْإِيمَانِ وَمَعَادِنَ الْحَقَائِقِ وَشُفَعَاءَ الْخَلَائِقِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ ابْوَابُ نِعَمِ اللَّهِ الَّتِي فَتَحَهَا عَلَيَّ بِرَبِّيهِ وَالْأَعْلَامُ الَّتِي فَطَرَهَا لِإِرْشَادِ خَلِيقَتِهِ وَالْمَوَازِينُ الَّتِي نَصَبَهَا لِتَهْدِيْبِ شَرِيعَتِهِ وَأَنَّكُمْ مَفَاتِيْحُ رَحْمَتِهِ

ص: ۲۳۹

وَمَقَالِيدُ مَغْفِرَتِهِ وَسِدِّحَاتُ رِضْوَانِهِ وَمَفَاتِيحُ جَنَانِهِ وَحَمَلَةُ فُرْقَانِهِ وَخَزَنَةُ عِلْمِهِ وَحَفْظَةُ سِرِّهِ وَمَهْبِطُ وَحْيِهِ وَمَعَادِنُ امْرِهِ وَنَهْيِهِ وَامَانَاتُ الشُّبُوهِ
 وَوَدَائِعُ الرَّسَالَةِ وَفِي بَيْتِكُمْ نَزَلَ الْقُرْآنُ وَمِنْ دَارِكُمْ ظَهَرَ الْإِسْلَامُ وَالْإِيمَانُ وَالْيُكْمُ مُخْتَلَفٌ رُسُلِ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَأَنْتُمْ أَهْلُ إِبْرَاهِيمَ الَّذِينَ
 ارْتَضَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلْإِمَامِيَّةِ وَاجْتَبَاكُمْ لِلْخِلَافَةِ وَعَصَيْمَكُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَآكُمْ مِنَ الْعُيُوبِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَفَضَّلَكُمْ بِالنُّوعِ
 وَالْجِنْسِ وَاصْطَفَاكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ بِالنُّورِ وَالْهُدَى وَالْعِلْمِ وَالْتَقَى وَالْحِلْمِ وَالنُّهَى وَالسَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ وَالْخَشْيَةَ وَالْأَسْتِغْفَارَ وَالْحِكْمَةَ وَالْآثَارَ
 وَالتَّقْوَى وَالْعَفَافَ وَالرِّضَا وَالْكَفَافَ وَالْقُلُوبَ الزَّاكِيَةَ وَالنَّفُوسَ الْعَالِيَةَ وَالْأَشْخَاصَ الْمُنِيرَةَ وَالْأَحْسَابَ الْكَبِيرَةَ وَالْأَنْسَابَ الطَّاهِرَةَ وَالْأَنْوَارَ
 الْبَاهِرَةَ الْمُضَوَّلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمَقْرُونَةَ وَأَكْرَمَكُمْ بِالْآيَاتِ وَآيَدَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَاعَزَّكُمْ بِالْحُجُجِ الْبَالِغَةِ وَالْأَدْلَةَ الْوَاضِحَةَ وَخَصَّكُمْ بِالْأَقْوَالِ
 الصَّادِقَةِ وَالْأَمْثَالِ النَّاطِقَةِ وَالْمَوَاعِظِ الشَّافِيَةِ وَالْحِكْمِ الْبَالِغَةِ وَوَرَّثَكُمْ عِلْمَ الْكِتَابِ وَمَنْحَكُمُ فَضْلَ الْخِطَابِ وَارْشَدَكُمْ لَطُرُقِ الصُّوَابِ
 وَأَوْدَعَكُمْ عِلْمَ الْمَنَايَا وَالْبَلَايَا وَمَكْنُونَ الْخَفَايَا وَمَعَالِمَ التَّنْزِيلِ وَمَفَاصِلَ التَّوْبِيلِ وَمَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ كَتَابُوتِ الْحِكْمَةِ وَشِعَارِ الْخَلِيلِ وَمِفْسَّتَهُ
 الْكَلِيمِ وَسَابِغَهُ دَاوُدَ وَخَاتَمَ الْمُلْكِ وَفَضْلَ الْمُصْطَفَى وَسَيْفَ الْمُرْتَضَى وَالْجَفْرَ الْعَظِيمَ وَالْإِرْثَ

ص: ۲۴۰

الْقَدِيمِ وَضَرَبَ لَكُمْ فِي الْقُرْآنِ امْتِثَالَ وَامْتَحَنَكُمْ بَلْوَى وَاحَلَّكُمْ مَحَلَّ نَهْرِ طَالُوتَ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ الصَّدَقَةَ وَاحَلَّ لَكُمْ الْخُمْسَ وَنَزَّهَكُمْ عَنِ الْخَبَائِثِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ فَانْتَمَّ الْعِبَادُ الْمُكْرَمُونَ وَالْخُلَفَاءُ الرَّاشِدُونَ وَالْأَوْصِيَاءُ الْمُصِطَفَوْنَ وَالْأَيْمَةُ الْمُعْصُومُونَ وَالْعُلَمَاءُ الصَّادِقُونَ وَالْحُكَمَاءُ الرَّاسِخُونَ الْمُبَيَّنُونَ وَالْبُشَرَاءُ النَّدْرَاءُ الشُّرَفَاءُ الْفُضَلَاءُ وَالسَّادَةُ الْأَتْقِيَاءُ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّابِسُونَ شِعَارَ الْبَلْوَى وَرِدَاءَ التَّقْوَى وَالْمُتَسَرِّبُونَ نُورَ الْهُدَى وَالصَّابِرُونَ فِي الْبُؤْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْيَأْسِ وَلَمَدَكُمْ الْحَقَّ وَرَبَّكُمْ الصِّدْقَ وَغَدَّكُمْ الْيَقِينَ وَنَطَقَ بِفَضْلِكُمُ الدِّينَ وَاشْهَدَ أَنَّكُمْ السَّبِيلَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالطَّرِيقَ إِلَى ثَوَابِهِ وَالْهُدَى إِلَى خَلِيقَتِهِ وَالْأَعْلَامَ فِي بَرِيَّتِهِ وَالشُّفَرَاءَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ وَأَوْتَادَهُ فِي أَرْضِهِ وَخَزَائِنَهُ عَلَى عِلْمِهِ وَأَنْصَارُ كَلِمَتِهِ التَّقْوَى وَمَعَالِمُ سَبِيلِ الْهُدَى وَمَفْرَعُ الْعِبَادِ إِذَا اخْتَلَفُوا وَالِدَالُونَ عَلَى الْحَقِّ إِذَا تَنَازَعُوا وَالنُّجُومُ الَّتِي بِكُمْ يُهْتَدَى وَبِأَفْوَالِكُمْ وَأَفْعَالِكُمْ يُفْتَدَى وَبِفَضْلِكُمْ نَطَقَ الْقُرْآنُ وَبِوَلَايَتِكُمْ كَمَلَ الدِّينُ وَالْإِيمَانُ وَأَنْكُمْ عَلَى مِنْهَاجِ الْحَقِّ وَمَنْ خَالَفَكُمْ عَلَى مِنْهَاجِ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ أَوْدَعَ قُلُوبَكُمْ أَسْرَارَ الْعُيُوبِ وَمَقَادِيرَ الْخُطُوبِ وَأَرْفَدَ إِلَيْكُمْ تَأْيِيدَ السَّكِينَةِ وَطَمَآنِينَةَ الْوَقَارِ وَجَعَلَ ابْصَارَكُمْ مَالِفَ لِلْقُدْرَةِ وَأَرْوَاحَكُمْ مَعَادِنَ لِلْقُدْسِ فَلَا يَنْعَتُكُمْ إِلَّا الْمَلَائِكَةُ وَلَا يَصِفُكُمْ إِلَّا الرَّسُلُ أَنْتُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ

ص: ۲۴۱

وَاحْبَاؤُهُ وَعِبَادُهُ لِلْقُدْسِ وَاصْرِفِيَاؤُهُ وَأَنْصَارُ تَوْحِيدِهِ وَارْكَانُ تَمْجِيدِهِ وَدَعَائِمُ تَحْمِيدِهِ وَدُعَاتُهُ إِلَى دِينِهِ وَحَرَسَةُ خَلَائِقِهِ وَحَفَظَةُ شَرَائِعِهِ وَأَنَا
 أَشْهَدُ اللَّهَ خَالِقِي وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ مُتَقَرِّبٌ بِفَضْلِكُمْ مُعْتَقِدٌ لِإِمَامَتِكُمْ مُؤْمِنٌ بِعِصْمَتِكُمْ خَاصَّةً
 لِوِلَايَتِكُمْ مُتَقَرِّبٌ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِحُبِّكُمْ وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ عَالِمٌ بِأَنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ قَدْ طَهَّرَكُمْ مِنَ الْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ
 وَمِنْ كُلِّ رَجَاسِيَةٍ وَدَنَاءَةٍ وَنَجَاسِيَةٍ وَأَعْطَاكُمْ رَأْيَهُ الْخَلْقِ الَّتِي مَنْ تَقَدَّمَهَا ضَلَّ وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا ذَلَّ وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ وَمَوَدَّتَكُمْ عَلَى كُلِّ
 أَسْوَدٍ وَأَبْيَضٍ مِنْ عِبَادِهِ فَصَلَّوْا لِلَّهِ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ.

آنگاه بگوید:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ السَّلَامُ عَلَى أَبِي
 جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمِينِ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ يَا بِي أَنْتُمْ وَأُمِّي لَقَدْ
 رُضِيَ عَنْكُمْ ثَدَى الْإِيمَانِ وَرَبِّيْتُمْ فِي حَجْرِ الْإِسْلَامِ وَاصْطَفَاكُمْ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ وَوَرَّثَكُمْ عِلْمَ الْكِتَابِ وَعَلَّمَكُمْ فَضْلَ الْخِطَابِ وَاجْرَى فِيكُمْ
 مَوَارِيثَ النُّبُوَّةِ وَفَجَّرَ بِكُمْ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ وَالزَّمَكَمَ بِحِفْظِ الشَّرِيعَةِ وَفَرَضَ طَاعَتَكُمْ

ص: ۲۴۲

وَمَوَدَّتْكُمْ عَلَى النَّاسِ السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ خَلِيفَةِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الْإِمَامِ الرَّضِيِّ الْهَادِي الْمَرْضِيِّ عَلِمَ الدِّينَ وَامَامَ الْمُتَّقِينَ الْعَامِلِ
بِالْحَقِّ وَالْقَائِمِ بِالْقِسْطِ أَفْضَلَ وَاطْيَبَ وَازْكَى وَأَنْمَى مَا صَدَلَيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَاصْرِفِيَّكَ وَاحْبَابَكَ كَصَلْوَةٍ تَبِيضُ بِهَا وَجْهَهُ وَتُطَيِّبُ
بِهَا رُوحَهُ فَقَدْ لَزِمَ عَنْ آبَائِهِ الْوَصِيَّةَ وَدَفَعَ عَنِ الْإِسْلَامِ الْبَلِيَّةَ فَلَمَّا خَافَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْفِتْنَ رَكَنَ إِلَى الَّذِي إِلَيْهِ رَكَنَ وَكَانَ بِمَا آتَاهُ اللَّهُ
عَالِمًا بِدِينِهِ قَائِمًا فَاجِزِهِ اللَّهُمَّ جِزَاءَ الْعَارِفِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَبَلِّغُهُ مِنْ السَّلَامِ وَارْزُدْ عَلَيْنَا مِنْهُ السَّلَامَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْإِمَامِ الْوَصِيِّ وَالسَّيِّدِ الرَّضِيِّ وَالْعَابِدِ الْأَمِينِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ
اللَّهُمَّ اخْضِضْهُ بِمَا خَضَّضْتَ بِهِ أَوْلِيَائِكَ مِنْ شَرَايِفِ رِضْوَانِكَ وَكَرَائِمِ تَحِيَّاتِكَ وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ فَلَقَدْ بَالَعَ فِي عِبَادِهِ وَنَصَحَ لَكَ فِي
طَاعَتِهِ وَسَارَعَ فِي رِضَاكَ وَسَلَّمَ بِأَلَمِهِ طَرِيقَ هُدَاكَ وَقَضَى مَا كَانَ عَلَيْهِ مِنْ حَقِّكَ فِي دَوْلَتِهِ وَأَدَّى مَا وَجَبَ عَلَيْهِ فِي وِلَايَتِهِ حَتَّى
انْقَضَتْ أَيَّامُهُ وَكَانَ لِشَيْعَتِهِ رُؤْفًا وَبِرَعِيَّتِهِ رَحِيمًا اللَّهُمَّ بَلِّغُهُ مِنْ السَّلَامِ وَارْزُدْ مِنْهُ عَلَيْنَا السَّلَامَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ
وَصَلِّ عَلَى الْوَصِيِّ الْبَاقِرِ وَالْإِمَامِ الطَّاهِرِ وَالْعَلَمِ الظَّاهِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ اللَّهُ مَصْدِقٌ عَلَى وَرَثَتِكَ الصَّادِعِ بِالْحَقِّ وَالنَّاطِقِ
بِالصِّدْقِ

ص: ۲۴۳

الَّذِي بَقَرَ الْعِلْمَ بَقْرًا وَبَيَّنَّهُ سِرًّا وَجَهْرًا وَقَضَى بِالْحَقِّ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ وَادَّى الْأَمَانَةَ الَّتِي صَارَتْ إِلَيْهِ وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَنَهَى عَنِ مَعْصِيَتِكَ
اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَفَضْلًا يَتَّقِدَى بِهِ الْمُتَّقُونَ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ وَابْنَائِهِ الْمُعْصُومِينَ أَفْضَلَ الصَّلَاةِ
وَاجْزَلِهَا وَأَعْطِهِ سُؤْلَهُ وَغَايَةَ مَأْمُولِهِ وَأَبْلَغَهُ مِنَّا السَّلَامَ وَارْزُدْ عَلَيْنَا مِنْهُ السَّلَامَ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى الْإِمَامِ
الْهَادِي وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ وَوَارِثِ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ عِلْمِ الدِّينِ وَالنَّاطِقِ بِالْحَقِّ الْيَقِينِ وَابِ الْمَسَاكِينِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْأَمِينِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ
عَلَيْهِ كَمَا عَبْدَكَ مُخْلِصًا وَاطَاعَكَ مُخْلِصًا مُجْتَهِدًا وَاجْزِهِ عَنِ أَحْيَاءِ سَيِّتِكَ وَأَقَامَةِ فَرَائِضِكَ خَيْرَ جَزَاءِ الْمُتَّقِينَ وَأَفْضَلَ ثَوَابِ الصَّالِحِينَ
وَخُصَّهُ مِنَّا بِالسَّلَامِ وَارْزُدْ عَلَيْنَا مِنْهُ السَّلَامَ وَالسَّلَامَ عَلَيْهِ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

زیارت وداع ائمه بقیع علیهم السلام

چون خواست ائمه بقیع را وداع کند، بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنَ الرَّسَالَةِ سَلَامٌ مُودَعٌ لَا سَمَّ وَلَا قَالٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ سَلَامٌ
 وَلِيٍّ غَيْرِ رَاغِبٍ عَنْكُمْ وَلَا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ وَلَا مُسْتَبَدِّلٍ بِكُمْ وَلَا مُؤَثِّرٍ عَلَيْكُمْ وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ
 قُبُورِكُمْ وَأَثِيَانِ مَشَاهِدِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَحَشْرَنِي اللَّهُ فِي زَمْرَتِكُمْ وَأَوْزَدَنِي حَوْضَكُمْ وَأَرْضَكُمْ عَنِّي وَمَكَّنَنِي فِي دَوْلَتِكُمْ وَأَخِيَانِي
 فِي رَجْعَتِكُمْ وَمَلَكَانِي فِي أَيَّامِكُمْ وَشَكَرَ سَعْيِي لَكُمْ وَعَفَرَ ذُنُوبِي بِشَفَاعَتِكُمْ وَأَقَالَ عَثْرَتِي بِحُبِّكُمْ وَأَعْلَى كَعْبِي بِمُؤَالَاتِكُمْ وَشَرَّفَنِي
 بِطَاعَتِكُمْ وَأَعَزَّنِي بِهَدْيِكُمْ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحًا مُنْجِحًا سَالِمًا غَانِمًا مُعَافًا غَنِيًّا فَائِزًا بِرِضْوَانِ اللَّهِ وَفَضْلِهِ وَكَفَايَتِهِ بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ
 أَحَدٌ مِنْ زُورِكُمْ وَمَوَالِيكُمْ وَمُحِبِّكُمْ وَشَيْعَتِكُمْ وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْعُودَ ثُمَّ الْعُودَ مَا ابْتَقَانِي رَبِّي بِنَيْئِهِ صَادِقَهُ وَأَيْمَانٍ وَتَقْوَى وَأَحْبَابٍ وَرِزْقٍ
 وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ وَالصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ وَأَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْخَيْرَ

ص: ۲۴۵

وَالْبَرَكَهَ وَالنُّورَ وَالْإِيمَانَ وَحُسْنَ الْجَابِئِ كَمَا أُوجِبَتْ لِأَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ بِحَقِّهِمُ الْمُؤَجِبِينَ طَاعَتَهُمْ وَالرَّاعِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمُ الْمُتَقَرِّبِينَ إِلَيْكَ
وَالْيَهُمُ بِأَبِي أُمَّتُمْ وَأُمَّي وَنَفْسِي وَمَالِي وَاهْلِي اجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ وَصِيْرُونِي فِي حِزْبِكُمْ وَادْخُلُونِي فِي شَفَاعَتِكُمْ وَادْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْلُغْ أَرْوَاحَهُمْ وَاجْسَادَهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و همچنین بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِيمَةً الْهُدَى وَرَحْمَةً اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَلْتُمْ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ
فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

و از خداوند بخواهد که بار دیگر زیارت ایشان را نصیب فرماید.

زیارت ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

قبرش در قبرستان بقیع است. نزدیک قبر او ایستاده و بگوید:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَصَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرِهِ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَسَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَالشُّعَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْأَنْسِ وَالْجَانِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَصَاحِبِ الرَّايَةِ وَالْعَلَامِيَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ انْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ

ص: ۲۴۷

عَلَيْكَ اِحْكَامُهُ اَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ فَتَقَلِّبَكَ اِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًا مَرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَبَوِّئَكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى
وَرَفَعَكَ اِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ لِاَنَّ تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُوْلِهِ وَتُبْلَغُهُ اَكْبَرَ مَأْمُوْلِهِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَفْضَلِصَلِّ لِمَوَاتِكَ وَاَزْكَاهَا وَاَنْمِ
بِرَكَاتِكَ وَاَوْفَاهَا عَلٰى رَسُوْلِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَعَلٰى مَنْ نَسَلَ مِنْ اَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلٰى مَنْ خَلَفَ مِنْ
عَشْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلِّىْكَ وَاِبْرَاهِيْمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ اِنْ تَجْعَلَ سَعْيِىْ بِهِمْ مَشْكُوْرًا
وَدَنْبِىْ بِهِمْ مَغْفُوْرًا وَحَيَوْتِىْ بِهِمْ سَعِيْدَةً وَعَاقِبَتِىْ بِهِمْ حَمِيْدَةً وَحَوَائِجِىْ بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَاَفْعَالِىْ بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَاُمُوْرِىْ بِهِمْ مَسْهُودَةً وَشُؤْنِىْ
بِهِمْ مَحْمُوْدَةً اللّٰهُمَّ وَاَحْسِنْ لِىْ التَّوْفِيْقَ وَنَفْسِىْ عَنِّىْ كُلَّ هَمٍّ وَضِيْقٍ اللّٰهُمَّ جَنِّبْنِىْ عِقَابِكَ وَاَمْنَحْنِىْ ثَوَابِكَ وَاَسْكِنْنِىْ جَنَانِكَ وَاَرْزُقْنِىْ
رِضْوَانِكَ وَاَمَانِكَ وَاَشْرِكْ لِىْ فِىصَالِحِ دُعَائِىْ وَاَلْتَدِىْ وَاَوْلَدِىْ وَجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْمَمُوْتِ اِنَّكَ وَلِىُّ الْبَاقِيَاتِ
الصَّالِحَاتِ اٰمِيْنَ رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ.

دو رکعت نماز بگذارد و حاجتهای خود را از خداوند بخواهد.

زیارت جناب فاطمه بنت اسد

والده گرامی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که قبرش نزدیک قبور ائمه بقیع است. کنار قبر آن مخدّره ایستاده و می گوید:

السَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ سَيِّدِ
 الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ اسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ
 السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا الصَّادِقُ الْمَرْضِيُّ السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا النَّقِيُّ النَّقِيُّ السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا الْكَرِيمُ الْكَرِيمُ السَّلَامُ عَلَيَّكَ أَيُّهَا السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا كَافِلَهُ
 مُحَمَّدِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيَّكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيَّكَ
 يَا مَنْ تَزَيَّنَتْهَا لَوْلَى اللَّهِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَيَّكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ السَّلَامُ عَلَيَّكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ اشْهَدُ أَنَّكَ
 أَحْسَنْتَ الْكِفَالََةَ وَأَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَاجْتَهَدْتَ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ وَبَالَغْتَ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ عَارِفَهُ بِحَقِّهِ مُؤْمِنَهُ بِصِدْقِهِ مُعْتَرِفَهُ بِبُؤْتِهِ

ص: ۲۴۹

مُسْتَبَصَّرَةٌ بِنِعْمَتِهِ كَافِلَةٌ بِتَرْبِيَّتِهِ مُشْفِقَةٌ عَلَى نَفْسِهِ وَاقِفَةٌ عَلَى خِدْمَتِهِ مُخْتَارَةٌ ﴿١﴾ رِضَاءُ وَاشْهَادُ أَنَّكَ مَصْدِقٌ عَلَى الْإِيمَانِ وَالتَّمَسُّكُ بِأَشْرَفِ الْأَذْيَانِ رَاضِيَةٌ مَرْضِيَةٌ طَاهِرَةٌ زَكِيَّةٌ تَقِيَّةٌ نَفِيَّةٌ فَرِيَّةٌ وَاللَّهُ عَنكَ وَارِضَاكَ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَا وَبِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَتُبِّنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَلَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَشَفَاعَةَ الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا وَاحْشُرْنِي مَعَهَا وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَبَاهَا وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْهَا أَيْدًا مَا ابْتَقَيْتَنِي وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زَمَرَتِهَا وَادْخُلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ.

پس دو رکعت نماز زیارت بگذارد و آنگاه حاجات خود را از خداوند بخواهد.

۱- مؤثره هوا، خ

ص: ۲۵۰

کوه اُمد

اُمد کوهی است به فاصله یک فرسخی که در شمال مدینه واقع شده است «(۱)» و در اینجا بود که در ماه شوال سال سوّم هجرت، جنگ حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با کفار قریش اتفاق افتاد و جناب حمزه عموی والا مقام حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و عده‌ای حدود ۷۴ نفر بشهادت رسیده و خود حضرت نیز مجروح گشت.

جناب حمزه و عبدالله بن جحش و مضعب بن عمیر، هر سه در کنار هم و در پایین کوه مدفون هستند و بقیه شهدا نیز در آن نزدیکی‌ها دفن شده‌اند.

زیارت جناب حمزه رضی الله عنه

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُ مَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ اللَّهِ وَاسَيِّدَ رَسُولِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكُنْتَ فِيمَا عِنْدَ

ص: ۲۵۱

اللَّهُ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ وَمُتَقَرِّبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ ابْتِغَى بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارِ اسْتِحْقَاقِهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي فَرَعَا إِلَيْكَ رَجَاءً رَحِمَهُ رَبِّي أَتَيْتُكَ مِنْ شِقْمَةٍ بَعِيدَةٍ طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَقَدْ أَوْفَرْتَ ظَهْرِي ذُنُوبِي وَأَتَيْتُ مَا اسْتَخَطَ رَبِّي وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْرَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فُقِرِي وَحَاجَتِي فَقَدْ سَرَتْ إِلَيْكَ مَحْزُونًا وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا وَسَكَبْتُ عَيْزَتِي عِنْدَكَ بِأَكْيَأَ وَصَرْتُ إِلَيْكَ مُفْرَدًا وَأَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَني اللَّهُ بِصَلَاتِهِ وَحَشَنِي عَلَى بَرِّهِ وَدَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ وَهَدَانِي لِحُبِّهِ وَرَغَبْنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ وَالْهَمْنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ وَلَا يَخِيبُ مَنْ آتَاهُمْ وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوِيكُمْ وَلَا يَسْخَدُ مَنْ عَادَاكُمْ.

پس دو رکعت نماز زیارت بجا آورده و بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ أَنْتِ تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِيُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ وَسَخَطِكَ وَمَقْتِكَ فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ وَتَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ وَتُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا فَإِنْ تَرَحَّمْنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَلَا حُزْنَ وَأَنْ تُعَاقِبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى

ص: ۲۵۲

عَبْدِهِ وَلَا تُحَيِّنِي بَعْدَ الْيَوْمِ وَلَا تَصِيرْ فَنِي بغيرِ حاجتي فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَتَقَبَّلْ مِنِّي وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَائِيهِ نَفْسِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ فَأُنْظِرُ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ فِيهِمَا فَكُنِي مِنَ النَّارِ وَلَا تُحَيِّبْ سِيعِي وَلَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي وَلَا تَحْجِبَنَّ عَنكَ صَوْتِي وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ وَيَا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ الْغَرِيقِ الْمُسْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَيِّدًا وَأَرْحَمَ تَصَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَأَنْفِرَادِي فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ فَلَا تَرُدَّ أَمَلِي اللَّهُمَّ أَنْ تُعَاقِبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَجَزَاءُهُ بِسُوءِ فِعْلِهِ فَلَا أُخَيِّرُ الْيَوْمَ وَلَا تَصِيرْ فَنِي بغيرِ حاجتي وَلَا تُحَيِّنَنَّ شُخُوصِي وَوَفَادَتِي فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفَقَتِي وَأَتَعَبْتُ بَدَنِي وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ وَخَلَّفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا حَوَّلْتَنِي وَأَثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي وَلِذَلِكَ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ.

زیارت قبور شهدای اُمد

(رضوان الله علیهم)

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ اشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَاصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ وَاشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ وَجِدْتُمْ بَأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَاشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَاهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَعَرَفْنَا وُجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ أَكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَاكُمْ رَفِيقًا اشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ وَأَنَّكُمْ لِمَنْ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ اتَّبِعْتُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَبِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضِيِّ الْأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَتَبَّنِي عَلَى قَصْدِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ اشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لِاحِقُونَ.

اماکن مقدّسه مدینه منوره و حوالی آن

اماکن مقدّسه در مدینه منوره و حوالی آن، بسیار است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مسجد قُبا: این مسجد در سابق به فاصله چند کیلومتری مدینه منوره قرار داشت ولی فعلاً در اثر توسعه شهر مدینه منوره، تقریباً جزو شهر شده و در شارع قُبا واقع است.

این مسجد از روز اول بر پایه پرهیزکاری بنا گشته و آیه شریفه «اسَّسَ عَلَی التَّقْوَى» در این مورد نازل گردیده و بسیار مسجد با عظمتی است و وارد شده که حضرت می‌فرمود: هر کس در مسجد قبا نماز بخواند ثوابش معادل با ثواب عُمره است.

لذا افرادی که به مدینه منوره می‌روند بسیار بجاست تا بتوانند در این مسجد نماز بجای آورند.

مسجد فتح: در شمال غربی مدینه منوره کوهی بنام کوه سلْع وجود دارد و بالای آن مسجدی بنام مسجد فَتْح قرار گرفته که مسجد (احزاب) نیز گفته می‌شود.

جابر روایت می‌کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این مسجد، این دعا را خواندند و خداوند دعای آنحضرت را مستجاب فرمود و با

ص: ۲۵۵

کشته شدن عمرو بن عبدود بدست توانای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام، فتح و پیروزی نصیب مسلمانان گردید.
یا صریح المکروبین و یا مجیب دعوۀ المضطّرين اکشف همی و کزبی و غمی فقد تری حالی و حال اصحابی.

لذا مستحب است در مسجد فتح، پس از نماز چنین بگوید:

یا صریح المکروبین و یا مجیب دعوۀ المضطّرين و یا مغيث المهمومین اکشف عنی ضرّی و همّی و کزبی و غمی كما کشفّت عن نبيکصلى الله عليه وآله هممه و کفیته هول عدوه و اکفنی ما اهمّنی من امر الدنيا والآخرة یا ارحم الرّحمین.

سه مسجد دیگر: در طرف جنوب، کمی پایین تر از مسجد فتح، سه مسجد دیگر است که بنام ۱. مسجد حضرت علی علیه السلام ۲. مسجد حضرت فاطمه علیها السلام ۳. مسجد جناب سلمان رضی الله عنه نامیده می شوند و در هر سه مسجد، دو رکعت نماز مستحب است.

مسجد فضیخ: در شرق مسجد قبا واقع است.

مسجد مباحله: در شمال بقیع واقع است و مسجد (الاجابه) نیز گفته می شود.

مسجد ابوذر: در شارع ابوذر واقع است.

مسجد غمامه: در طرف غرب مدینه منوره و در شارع عیثیه واقع است و می گویند اولین مسجدی است که بسال دوم هجری، نماز عید در آنجا خوانده شد.

ص: ۲۵۶

دو مسجد دیگر: در شمال مسجد عَمَامَه، دو مسجد دیگر است که بنام ۱. مسجد حضرت علی علیه السلام ۲. مسجد حضرت فاطمه علیها السلام نامیده می‌شوند.

مسجد قِبَلَتین: در شمال غربی مدینه منوره واقع شده و از مشهورترین مساجد مدینه منوره بشمار می‌رود و تغییر قبله از بیت المقدس بسوی کعبه معظّمه در این مکان واقع شد.

مسجد الرّایه: در راه ورود به مدینه منوره از طرف شام، بالای کوه (ذباب) واقع شده که مسجد ذباب نیز گفته می‌شود. در همه این مساجد، دو رکعت نماز خواندن مستحب است.

قبرستان بقیع: قبلاً بطور مفصّل ذکر شد.

مَشْرَبَةُ اُمِّ اِبْرَاهِیم: و آن حُجره مادر ابراهیم فرزند حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد و مسکن و مُصلّای آنحضرت بود این محلّ در کنار مسجد قُبا واقع شده است.

بَدْر: قریه‌ای است که بین راه مکه معظّمه و مدینه منوره واقع شده و حدود چهارده نفر از شهدای جنگ بدر در این مکان دفن گردیده و بسیار بجاست که زائرین محترم به زیارت آن قبور شریفه مشرّف شوند.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

